

# کتاب اول صنوف

یک اثر باستانی

از مجموعه کتابهای  
سوداپیگرافا

مترجم: داود کاظمیان  
کاری از سازمان رازگاه

# فہرست مطالب

۳	پیش گفتار
۷	کتاب اول
	— دیدبانان
۲۹	کتاب دوم
	— امثال خنوخ
۴۹	کتاب سوم
	— کتاب نوح
۵۸	کتاب چہارم
	— پادشاہی آسمان
۹۱	کتاب پنجم
	— رسالہ خنوخ

## پیش گفتار

کتاب خنوخ که به عنوان اول خنوخ نیز شناخته می‌شود، زمانی توسط یهودیان و مسیحیان به طور یکسان مورد توجه قرار می‌گرفت، اما این کتاب بعداً مورد بی مهری الهی دانانی قرار گرفت که دارای قدرت بودند، آن هم دقیقاً به دلیل اظهارات بحث برانگیز آن در مورد ماهیت و عملکرد فرشتگان سقوط کرده.

نوشته‌های خنوخی، علاوه بر بسیاری از نوشته‌های دیگر که یا از کتاب مقدس حذف شدند یا گم شدند به طور گسترده توسط بسیاری از پدران اولیه کلیسا به عنوان نوشته‌های «آپوکریفا یا سوداپیگرافا» شناخته شدند.

موضوع کتاب خنوخ که با ماهیت و اعمال فرشتگان سقوط کرده سروکار دارد، پدران بعدی کلیسا را چنان خشمگین کرد که آن را آشکارا به عنوان بدعت محکوم کردند؛ همچنین خاخام‌های یهودی نیز به آموزه‌های این کتاب درباره فرشتگان احترام نمی‌گذارند. حتی خاخام سیمئون بن جوچای در قرن دوم پس از میلاد بر کسانی که به آن ایمان داشتند لعنت فرستاد. از اینرو این کتاب محکوم شد، ممنوع شد، نفرین شد، احتمالاً سوزانده و تکه تکه شد و در نهایت گم و به راحتی برای بیش از هزار سال فراموش شد. اما با تداوم عجیبی، کتاب خنوخ دو قرن پیش راه خود را بازگرداند.

در سال ۱۷۷۳، شایعات مربوط به یک نسخه باقی مانده از این کتاب، جیمز بروس، کاشف اسکاتلندی را به اتیوپی کشاند. طبق شنیده‌ها، کتاب خنوخ توسط کلیسای اتیوپی حفظ شده بود که آن را در کنار سایر کتاب‌های کتاب مقدس قرار داده بودند. بروس نه یک، بلکه سه نسخه اتیوپیایی کتاب را تهیه کرد و آنها را به اروپا و بریتانیا آورد. هنگامی که در سال ۱۸۲۱ دکتر ریچارد لارنس، استاد عبری در آکسفورد، اولین ترجمه انگلیسی این اثر را ارائه کرد، جهان مدرن برای اولین بار توانست نگاه خود را به اسرار ممنوعه خنوخ بدوزد.

اکثر محققان می‌گویند که شکل کنونی داستان در کتاب خنوخ زمانی در قرن دوم قبل از میلاد نوشته شده است. و حداقل برای پانصد سال محبوب بوده است. اولین متن اتیوپی ظاهراً از نسخه خطی یونانی کتاب خنوخ برداشت شده است که خود نسخه‌ای از متن قبلی بود. ظاهراً نسخه اصلی به زبان سامی نوشته شده و اکنون تصور می‌شود آرامی باشد.

اگرچه زمانی اعتقاد بر این بود که این کتاب پس از مسیحیت به نگارش درآمده

است، اما کشف‌های اخیر نسخه‌هایی از کتاب در میان طومارهای دریای مرده که در قمران یافت شد، ثابت می‌کند که این کتاب قبل از زمان عیسی مسیح وجود داشته است. حتی با وجود نسخه‌های قمرانی، هنوز تاریخ نگارش اصلی کتاب در هاله‌ای از ابهام قرار داد. اما براحتی می‌توان آنرا یک اثر باستانی نامید. اکثراً نظر مورخان بر این اساس است که این کتاب واقعاً حاوی کلمات معتبر خونخ نیست، زیرا او بر اساس گاهشماری کتاب پیدایش، چندین هزار سال زودتر از اولین زمان ظهور این اثر، زندگی می‌کرده است. هر چند که در کتاب منسوب به او به پسرش متوشالاح دستور می‌دهد که کتاب را برای نسل‌های آینده حفظ کند، که این خود فراخوانی برای کپی کردن کتاب‌هایی است که او نوشته است تا از بین نرود.

علیرغم منشأ ناشناخته آن، مسیحیان زمانی متن کتاب خونخ را به عنوان بخشی از کتاب مقدس می‌پذیرفتند، به ویژه بخش مربوط به فرشتگان سقوط کرده و داوریهای پیشگویی شده در این کتاب از اعتبار خاصی برخوردار بود. در واقع، به نظر می‌رسد بسیاری از مفاهیم کلیدی مورد استفاده عیسی مسیح مستقیماً با اصطلاحات و ایده‌های کتاب خونخ مرتبط است. بنابراین، اجتناب از این نتیجه‌گیری دشوار است که عیسی نه تنها کتاب را مطالعه کرده است، بلکه به اندازه کافی به آن احترام گذاشته است تا توصیفات خاص آن از پادشاهی آینده و مضمون دآوری اجتناب ناپذیر آن بر «شریر» را بپذیرد و توضیح دهد. اصطلاحی که اغلب در عهد قدیم از آن برای توصیف دیدبانان استفاده می‌شود. بدینسان شواهد قابل توجه و فراوانی برای پذیرش کتاب خونخ توسط مسیحیان اولیه، وجود دارد. کتاب یهودا بطور کامل این نظریه را اثبات می‌کند.

### سوداپیگرافا چیست؟

سوداپیگرافا یا Pseudepigrapha از ریشه کلمه یونانی pseudo به معنای نادرست و epigraphic به معنای نوشتن گرفته شده است و به مفهوم نوشته نادرست یا نوشته کاذب می‌باشد. این کتاب‌ها آثاری هستند که توسط نویسندگان ناشناس نوشته شده‌اند که سعی کرده‌اند با استفاده از نام یک شخصیت مشهور کتاب مقدس، خوانندگانی را به دست آورند.

در واقع دست نوشته منتسب به نویسندگانی است که آن را نوشته است. در الهیات مسیحی، به مجموعه‌ای از آثار مذهبی یهودیان دوران باستان اشاره دارد که به بزرگان یا دیگر شخصیت‌های مهم کتاب مقدس نسبت داده می‌شود، اما در

واقع توسط آن نویسندگان نوشته نشده است. این اصطلاح اغلب به کتاب‌هایی اطلاق می‌شود که بین دوره عهد قدیم و عهد جدید و در مابین سالهای ۳۰۰ قبل از میلاد تا ۳۰۰ پس از میلاد به نگارش درآمده و اکثراً به زبان یونانی یا آرامی هستند.

کتاب اسرار خنوخ یکی از کتابهایی است که به عنوان کتابهای سوداپیگرافا شناخته شده است. اغلب شاخه‌های مسیحیت، این کتابها را در بین مجموعه کتابهای الهامی قرار نداده و آنها را به رسمیت نمی‌شناسند.

### خنوخ در کتاب مقدس

خَنُوخ نام پسر یارد بود. زمانی که خَنُوخ بدنیا آمد، یارد صد و شصت و دو ساله بود. خَنُوخ در سن شصت و پنج سالگی صاحب پسری به نام مَتوشالِح گردید و پس از آن سیصد سال با خداوند راه رفت و صاحب پسران و دخترانی شد و زمانی که سیصد و شصت و پنج سال داشت، توسط خداوند و قبل از مرگ، به آسمان بالا برده شد.

نام وی در نسب نامه عیسی، کتاب لوقا برده شده است. پولس در کتاب عبرانیان، از خَنُوخ به عنوان فردی از مردان ایمان نام برده است. در رساله یهودا، وی از خَنُوخ نقل قول کرده است که نشان دهنده وجود کتابی از خَنُوخ می‌باشد. در کتاب مقدس به غیر از خَنُوخ، تنها ایلیای نبی بوده است که بدون تجربه مرگ، به آسمان بالا برده شده است و این نشان دهنده ایمان محکم خَنُوخ به خداوند می‌باشد. بنا بر نقل قول یهودا از کتاب خَنُوخ، در دوران وی بی دینی، گناه و فساد رواج داشته و خَنُوخ آنان را واگذار به داوری خداوند کرده است.

بسیاری از ما چیزهای زیادی درباره خنوخ نمی‌دانیم، کسی که مستقیماً به آسمان برده شد. او در پیدایش ظاهر می‌شود و به محض اینکه پا به صحنه می‌گذارد، به آسمان قدم می‌گذارد.

ما خنوخ را در کتاب عبرانیان در فصل ۱۱ در بین قهرمانان ایمان می‌بینیم که با بزرگان دیگری مانند ابراهیم فهرست شده است.

به نظر می‌رسد که به دلیل ایمان زیادش از مرگ می‌گریزد. خنوخ نمونه‌ای است از آنچه در طول رستاخیز اتفاق خواهد افتاد. در یک نقطه در طول زمان در هنگام رستاخیز مردگان از مرگ، خداوند ایمانداران را به آسمان خواهد برد، همان طور

که در مورد خنوخ چنین کرد.

خنوخ چند صد سال قبل از طوفان بزرگ می‌زیست. ما می‌بینیم که ساکنان زمین در این دوره زمانی به انحطاط اخلاقی کامل می‌رسند. ما مردی با ایمان و پارسا را می‌بینیم که در میان نسلی شرور زندگی می‌کند، مانند ایلیا در زمان آخاب.

ما می‌بینیم که کتاب مقدس در واقع از کتاب خنوخ نقل قول می‌کند. چنین اشاراتی را در یهودا ۱۴:۱۵ و دوم پطرس می‌بینیم. به نظر می‌رسد که هر دوی این قسمت‌ها بخش‌هایی از کتاب خنوخ را ترسیم می‌کنند. با این حال، باید به خاطر داشته باشیم که رسولان از منابع خارج از کتاب مقدس استفاده می‌کرده‌اند.

در هر صورت، کتاب خنوخ یک متن آخرالزمانی است که در مورد پایان جهان، فرشتگان، نفیلم‌ها، پیشگویی‌ها و مجازات‌های شریران پس از سیل بحث می‌کند. این تا حدودی متنی موازی با آنچه است که در مکاشفه می‌بینیم. ما به عنوان یک مسیحی در دنیایی زندگی می‌کنیم که به طور فزاینده‌ای از نظر اخلاقی فاسد شده و به پایان خواهد رسید.

مسیحیان در آخر زمان یک ربایش را تجربه خواهند کرد. همچنین توجه به این نکته مهم است که در اول تسالونیکیان ۴: ۱۳-۱۸، هم مسیحیانی که قبلاً مرده‌اند و هم آنهایی که هنوز زنده هستند با هم در این رویداد شرکت خواهند کرد. بنابراین، در هر صورت، ما رستاخیز را تجربه خواهیم کرد. و در آن زمان، مانند خنوخ، مسیحیان به آسمان ربوده خواهند شد.

همچنین می‌توانیم ببینیم که خدا می‌تواند حتی از طریق منابعی خارج از کتاب مقدس صحبت کند. ما باید بصیرت به خرج دهیم، تا بفهمیم چه چیزی درست است و چه چیزی درست نیست. اما همانطور که رسولان از فیلسوفان و شاعران سکولار نقل قول می‌کنند، می‌توان هسته‌های حقیقت خدا را در ادبیات دیگر نیز یافت.



## سخنان پُر از برکت خنوخ

۱ سخنان پُر از موهبت خنوخ که با آن برگزیدگان و عادلان را بدین شکل برکت داد، چنانچه در روزهای مصیبت به حیات خود ادامه خواهند داد، درست در همان حال که همه شریران و منکران خداوند از بین خواهند رفت.

۲ خنوخ، مردی پارسا بود که خدا چشمانش را گشود، و او حکایت خود را چنین بیان کرد: «من رؤیای قدوس را در آسمان دیدم چنانچه که فرشتگان به من نشان دادند، و همه چیز را از آنها شنیدم، و تمامی چیزهایی را که دیدم به همان صورت نیز درک کردم، اما نه برای این نسل، بلکه برای نسلی دور دست که در آینده خواهد آمد.»

۳ درباره برگزیدگان گفتم و نظر خود را درباره ایشان بازگو کردم: «قدوس بزرگ از مکان سکونت خود بیرون خواهد آمد.

۴ خدای ابدی بر زمین، و حتی در کوه سینا، قدم خواهد گذاشت و با قوت و قدرت خود از بالاترین آسمانها ظاهر خواهد شد.

۵ همه از هیبت او در ترس فرو خواهند رفت و دیدبانان به لرزه درخواهند آمد و ترس و لرز شدید آنها را تا اقصی نقاط زمین فرا خواهد گرفت.

۶ و کوههای بلند متزلزل خواهند شد و تپه‌های بلند پست خواهند شد و مانند موم در برابر شعله آتش ذوب خواهند شد.

۷ و زمین به طور کامل از هم خواهد پاشید و هر آنچه بر روی زمین است هلاک خواهد شد و داوری بر همه جاری خواهد شد.

۸ اما صلح و آرامی خداوند با عادلان و پارسایان خواهد بود.

و از برگزیدگان محافظت خواهد کرد،

و رحمت خداوند بر آنان قرار خواهد گرفت.

و همه از آن خدا خواهند بود،

و رستگار خواهند شد،

و همه آنها برکت خواهند یافت.

و او به همه آنها کمک خواهد کرد،

و نور بر آنها ظاهر خواهد شد،

و با آنها صلح خواهد کرد.

۹ و اینک! او با ده هزار تن از مقدسان خود می‌آید تا بر همگان داوری کند و همه منکران خداوند را هلاک کند: «تا همه انسانها را به تمامی اعمال بد و شیرانه خود که به ناحق مرتکب شده‌اند، و به همه سخنان سخت و ناروایی که گناهکاران خدا نشناس علیه او گفته‌اند، محکوم کنند.»



## آفرینش

۱ هر آنچه را که در آسمان وجود دارد مشاهده کنید، که چگونه مدارهای خود را تغییر نمی‌دهند، و تمام اجرام آسمانی را بنگرید که چگونه با نظم و ترتیب خاصی در آسمان طلوع و غروب کرده و از دستوراتی که برای آنها مقرر شده است تخطی نمی‌کنند.

۲ زمین را بنگرید و به تمام چیزهایی که از آغاز تا کنون بر روی آن قرار گرفته است توجه کنید، چقدر استوار و ثابت قدم هستند، چگونه هیچ یک از چیزهای روی زمین تغییر نمی‌کند، اما تداعی کننده همه اعمال خداوند برای شما هستند. تابستان و زمستان را بنگرید که چگونه تمام زمین از آب و ابر و شبنم و باران انباشته می‌شود.

۳ ببینید و مشاهده کنید که چگونه در زمستان به نظر می‌رسد که همه درختان خشکیده‌اند و همه برگ‌های خود را از دست داده‌اند، به جز چهارده درخت که شاخ و برگ‌های خود را از دست نمی‌دهند، اما شاخ و برگ‌های قدیمی خود را از دو تا سه سال حفظ می‌کنند تا برگهای نو جای آنها را بگیرد.

۴ و دوباره، روزهای تابستان را مشاهده کنید که چگونه خورشید مستقیماً بر بالای زمین و بر روی آن قرار دارد. و شما از گرمای خورشید به سایه پناه می‌برید و زمین نیز در گرمای فزاینده می‌سوزد و نمی‌توانید از گرمای سوزان زمین و یا صخره بر روی آن قدم بگذارید.



۵ مشاهده کنید که درختان چگونه خود را با برگهای سبز می پوشانند و میوه می دهند: پس به همه کارهای او با درایت توجه کنید و کاملا درک کنید که چگونه آن که تا ابد زنده است آنها را چنین ساخته است.

۶ و همه کارهای او از سال به سال و برای همیشه و تا ابد به این ترتیب ادامه می یابد، و همه آنها برای او انجام وظیفه می کنند و وظایفشان تغییر نمی کند، و همانطور که خدا وظایفشان را مقرر کرده است، انجام می شود.

۷ بنگرید که چگونه دریا و رودخانه ها به همین ترتیب وظایف خود را بر طبق دستورات او انجام می دهند و از وظایف خود سرپیچی نمی کنند.

۸ اما شما در ایمان خود، استوار و ثابت قدم نبودید و از انجام احکام خداوند سرپیچی کرده و روی برگردانیدید و سخنان متکبرانه و تند و زننده را با دهان ناپاک خود بر عظمت او گفتید. ای سنگدلان، هرگز در آرامش زیست نخواهید کرد.

۹ بنابراین، روزهای حیات خود را با نفرت سپری کرده و سالهای زندگی شما از بین خواهد رفت، و سالهای هلاکت شما به صورت ابدی و با کراهت فراوان بر شما مزید شده، و هیچ رحمتی نیز بر شما نخواهد شد.

۱۰ در آن روزها نامهای شما توسط همه عادلان و رستگاران به کراهت برده خواهد شد و تا ابد با کراهت از شما یاد خواهد شد. و به واسطه شما همه کسانی که زیر لعنت هستند، لعنت خواهند شد. و همه گناهکاران و خدا شناسان بواسطه شما خوار و منغور خواهند شد. و برای شما ای منکران خداوند، لعنتی ابدی خواهد بود.»

۱۱ و همه صالحان شاد خواهند شد و آمرزش گناهان و هر رحمت و صلح و شکیبایی برای آنها وجود خواهد داشت.

۱۲ برای ایشان نجات خواهد بود و نور خیریت.

۱۳ هیچ نجاتی برای شما گناهکاران نخواهد بود، به غیر از اینکه لعنت خوی حیوانی بر همه شما باقی خواهد ماند.

۱۴ اما برای برگزیدگان، نور و شادی و سلامتی خواهد بود و آنها وارث زمین خواهند شد.

۱۵ و سپس به برگزیدگان حکمت عطا خواهد شد، و همه آنها زنده خواهند شد و دیگر هرگز گناه نخواهند کرد، نه از طریق شرارت و نه از طریق تکبر و غرور: اما هر آنکه

خردمند و دارای حکمت است، فروتن نیز خواهد بود.

۱۶ و دیگر از حدود احکام تجاوز نخواهند کرد، و در تمام روزهای زندگی خود گناه نکرده، و از خشم یا غضب نخواهند مُرد، بلکه تعداد روزهای زندگی خود را بطور کامل خواهند یافت.

۱۷ و زندگی آنها در صلح و آرامی دائم خواهد بود و سالهای شاد کامی زندگی آنها در تمام روزهای حیات آنها در خوشی و آرامش ابدی مزید خواهد شد.



### فرشتگان سقوط کرده

۱ و چنین پیش آمد هنگامی که فرزندان انسان زیاد شدند، و در آن روزها دخترانی زیبا و خوش منظر برای آنها به دنیا آمد.

۲ فرشتگان، فرزندان آسمان، آنها را دیدند و به هوی و هوس افتادند، و به یکدیگر گفتند: بیایید تا از میان فرزندان انسان، زانی برای خود برگزینیم و برای خود فرزندانی بیاوریم.

۳ و سبمجازا، شاهزاده تاریکی که رهبر آنها بود، به آنها گفت: «می ترسم که شما واقعاً با انجام این کار موافقت نکنید، و من به تنهایی باید جزای این گناه بزرگ را بپردازم.»

۴ و همگی به او پاسخ دادند و گفتند: «بیایید همه با هم سوگند یاد کرده و خود را به لعنت و نفرین متقابل متعهد کنیم که این اندیشه و نقشه را رها نکرده، بلکه با هم این کار را انجام دهیم.»

۵ سپس همه با هم سوگند یاد کردند و خود را در صورت تخطی، در زیر لعنت قرار دادند. و تمامی آنها دویست نفر بودند، که در دوران یارد، نسل ششم آدم بر قله کوه هرمون که تقدیس شده بود فرود آمدند و آنها این کوه را هرمون نامیدند، زیرا نه تنها سوگند یاد کرده بودند بلکه خود را نیز به لعنتهای متقابل بر آن متعهد کرده بودند.

۶ اسامی رهبران ایشان بر این اساس است: سملازاز، رهبر ایشان، آراکلبا، رامیل، کوکابل، تملل، راملل، دانل، عزقیل، براقیجال، اسائیل، آرماروس، باتارل، آنال، زقلل، سامسایپیل، ستارل، تورل، جومجائیل، سارئیل. اینها هر یک رؤسای ده نفر هستند.

۷ هر یک از آنها به انضمام رهبران خود، برای خود زنانی گرفتند و هر یک برای خود یکی را برگزیدند و به نزد آنها رفتند و با آنها هم بستر شده و خود را ناپاک ساختند.

۸ و آنها به زنان خود، طلسمات و افسونها و کندن و کوبیدن ریشه‌ها را آموختند و آنها را با گیاهان آشنا ساختند.

۹ و زنان ایشان باردار شدند و گول‌های بزرگی را به دنیا آوردند که قدشان به سه هزار ال (مقیاس طول در دوران باستان) می‌رسید. و هنگامی که انسانها دیگر نتوانستند از آنها نگهداری کنند، گولها بر علیه آنها روی آورده و نژاد انسان را تار و مار کردند.

۱۰ و شروع به گناه کردن بر علیه پرندگان و وحوش و خزندگان و ماهیان کردند و گوشت یکدیگر را خورده و خون نوشیدند. آنگاه زمین هر یک از این ستمکاران متمرده را متهم کرد.

۱۱ آنگاه عزازیل ساختن شمشیر و چاقو و سپر و زره سینه را به انسان آموخت و فلزات زمین و هنر ساختن آنها و دستبندها و زیورآلات و استفاده از سرمه و زینت بخش ساختن پلک چشم را به آنها یاد داد. و آنها را با انواع سنگ‌های گران قیمت و انواع رنگهای متنوع آشنا ساخت.

۱۲ و خدا شناسی بسیار پدید آمد و انسانها زنا کرده و گمراه شدند و در همه راههای خود فاسد شدند.

۱۳ سمجازا افسون و طلسم و کوبیدن ریشه‌ها، و آرماروس رفع افسون و طلسم، براقیجال طالع بینی، کوکابل صورتهای فلکی آسمان، عزقیل دانش شناخت ابرها، اراقیل علم شناخت زمین، شمسبیل علم شناخت خورشید، و سارئیل مدار مسیر حرکت ماه را به انسانها آموخت.

۱۴ و چون انسانها هلاک شدند، گریه و فغان کردند و فریاد ناله آنها به آسمان رسید.



## شفاعت فرشتگان

۱ و سپس میکائیل، اورئیل، رافائیل، و جبرئیل از آسمان به پایین نگاه کردند و دیدند که خون بسیار بر زمین ریخته می‌شود و هیچ نظم و قانونی بر زمین حاکم نیست.

۲ و به یکدیگر گفتند: «زمین می‌رود تا خالی از جمعیت شود و صدای فریاد ساکنان آن تا دروازه‌های آسمان رسیده است.»

۳ اکنون ای قدوسان آسمان، جان انسانها فریاد داد خواهی سر داده و می‌گویند: «دادخواست ما را به حضور خداوند متعال برسانید.»

۴ و به خداوند تمامی دوران گفتند: «خدای خدایان، پادشاه پادشاهان، فرمانروای فرمانروایان، و خدای تمامی اعصار، تخت جلال تو بر نسل‌های تمامی دوران ایستاده است، و نام تو مقدس و با شکوه و بر همه اعصار مبارک است. تو همه چیز را آفریده‌ای، و بر همه چیز قدرت داری، و همه چیز در نظر تو آشکار و قابل رویت است، و تو همه چیز را می‌بینی، و هیچ چیز نمی‌تواند خود را از نظر تو پنهان کند.

۵ تو می‌بینی که عزازیل چه کرده است، که همه ناراستی‌ها را در زمین تعلیم داده و اسرار جاودانی را که مخصوص آسمان بود، به مردمی که برای آموختن آن اشتیاق داشتند، آشکار ساخت. و همچنین سملزاز، کسی که به او اختیار و اقتدار دادی تا بر یارانش حکومت کند.

۶ آنها نزد دختران انسان بر روی زمین رفته و با زنان هم بستر شده و خود را ناپاک کرده‌اند و انواع گناهان را بر آنها آشکار کرده‌اند. و زنان غول‌هایی را به دنیا آورده‌اند و بدین وسیله تمامی زمین پُر از خون و ظلم شده است.

۷ و اکنون، بنگر، روح کسانی که مرده‌اند فریاد می‌زنند و فریاد دادخواهی آنها به دروازه‌های آسمان رسیده است، و ناله‌های ایشان به دلیل قانون شکنی و اعمال خلاف شرعی که بر روی زمین انجام می‌شود، پایان نمی‌پذیرد و همچنان به آسمان می‌رود.

۸ خداوند تو همه چیز را قبل از وقوع می‌دانی، و این چیزها را می‌بینی و آنها را مورد عذاب قرار می‌دهی، اما به ما نمی‌گویی که در این مورد با آنها چه کنیم.»

۹ آنگاه خداوند عظیم و قدوس و متعال، اورئیل را نزد پسر لمک فرستاد و به او چنین گفت: «به نزد نوح برو و به نام من به او بگو: «خودت را پنهان کن!» و پایانی را که نزدیک است به او آشکار کن که تمام زمین نابود خواهد شد و طوفانی بر تمام زمین خواهد آمد و هر آنچه را که روی آن است نابود خواهد کرد اما او و نسلش بر اساس دستورالعمل من، از این هلاکت رهایی خواهند یافت تا نسلی برای تمام نسل‌های جهان حفظ شود.»

۱۰ و خداوند دوباره به رافائیل گفت: «دست و پای عزازیل را ببند و او را در قلمرو ظلمت ببنداز، در بیابانی که در دودائیل است حفره‌ای ایجاد کن و او را در آنجا ببنداز، و بر آن صخره‌های ناهموار و ناهنجار قرار بده، و او را به ظلمت بپوشان چنانچه تا ابد در آنجا بماند و صورتش را چنان بپوشان تا نور را هرگز نبیند و در روز قیامت و داوری بزرگ در آتش افکنده شود.

۱۱ و زمین را که فرشتگان به تباهی کشانده‌اند، شفا دهید، و شفای زمین را به همگان اعلام کنید تا بتوانند طاعون را شفا دهند، تا چنانچه فرزندان انسان از طریق تمام چیزهای پنهانی که دیدبانان بر آنان آشکار کرده‌اند و به ایشان و پسرانشان تعلیم داده‌اند هلاک نشوند. و تمامی زمین به واسطه اعمال و کارهایی که عزازیل تعلیم داده تباه شده است، چنانچه تمامی گناهان از او سرچشمه گرفته است.»

۱۲ خداوند به جبرئیل گفت: «بر علیه حرامزادگان و هرزگان و بر علیه فرزندان فحشا اقدام کن و فرزندان دیدبانان را از میان انسانها هلاک کن. آنها را در مقابل هم قرار ده تا در جنگ یکدیگر را نابود کنند. آنها طول روز را به اتمام نخواستند رساند و هر نوع درخواستی که از تو بکنند از طرف پدرانیشان اجابت نخواهد شد. زیرا آنها امیدوارند که زندگی جاودانی داشته باشند و هر یک از آنها حداقل پانصد سال زندگی کنند.»

۱۳ و خداوند به میکائیل گفت: «برو، سملازاز و یارانش را که با زنان همخوابه شده‌اند، ببند چنانچه خود را با آنها به تمامی نجاسات ناپاک ساخته‌اند. و چون پسرانشان یکدیگر را بکشند و نابودی عزیزانشان را ببینند؛ آنها را برای هفتاد نسل در دره‌های زمین ببند تا در روز رستاخیز به هم بپیوندند و تا در داوری بی پایان و ابدی در حد کمال در کنار یکدیگر باشند. در آن روزها آنها به ژرفنای عمیق آتش افکنده شده و در آن تا ابد محبوس خواهند شد و در عذاب ابدی بسر خواهند برد.

۱۴ و هر که محکوم و هلاک شود، از آن پس تا پایان همه نسل‌ها با آنها بسته خواهد شد. و تمام ارواح مذموم و فاسد و فرزندان دیدبانان را نابود کن زیرا آنها بشر را به گناه و انحطاط کشانده‌اند.

۱۵ تمامی ظلم و اعمال نادرست را از روی زمین نابود کنید و هر کار بدی به پایان برسد و درخت عدالت و راستی ظاهر شود و آن سبب برکت خواهد بود. چنانچه اعمال عدالت و راستی تا ابد در حقیقت و شادی کاشته خواهند شد.

۱۶ آنگاه همه عادلان از هلاکت رستگار خواهند شد و زنده خواهند ماند تا هزاران فرزند به دنیا بیاورند، و تمام روزهای جوانی و پیری خود را در صلح و آرامی به پایان خواهند

رساند.

۱۷ و آنگاه تمام زمین در عدالت زراعت خواهد شد، و درختان کاشته شده، دارای ثمراتی پُر از برکت خواهند شد.

۱۸ و تنها درختان مطلوب و مرغوب بر روی زمین کاشته می‌شوند و درختان انگوری که بر آن می‌کارند، شراب فراوان می‌دهد، و هر بذری که بر آن کاشته می‌شود، هزار پیمانه به بار خواهد آورد. هر پیمانه زیتون فشرده شده می‌تواند ده برابر روغن بدهد.

۱۹ زمین را از هر ظلم و ستم و از هر انحطاط و از هر گناه و از هر بی‌خدایی و هر ناپاکی که بر آن انجام می‌شود کاملاً پاک کنید.

۲۰ جمیع فرزندان انسانها پارسا خواهند شد و جمیع امت‌ها مرا پرستش کرده و ستایش خواهند نمود و همه در مقابل من سر تعظیم فرود خواهند آورد. و زمین از هر آلودگی و از هر گناه و عصیان و از هر مجازات و از هر عذاب پاک خواهد شد و من هرگز از نسلی به نسل دیگر و تا ابد بر زمین چنین طوفان و سیلی جاری نخواهم ساخت.

۲۱ و در آن روزها دروازه انبارهای برکت را که در آسمان است باز خواهم کرد و آنها را بر روی زمین و بر کار و زحمت فرزندان انسان فرو خواهم ریخت. و صلح و راستی در تمام روزهای جهان و در تمام نسل‌های انسان به هم پیوند خورده و با هم تداعی خواهند داشت.»

۲۲ اما قبل از تمامی این وقایع، خنوخ پنهان بود و هیچ یک از فرزندان انسان نمی‌دانست که او در کجا پنهان و در کجا ساکن شده است و چه بر سر او آمده است. و فعالیت‌های در ارتباط با دیدبانان بود و روزهای او با مقدسین سپری می‌شد.

۲۳ و من خنوخ که خداوند عظیم و پادشاه اعصار را متبارک می‌خواندم، اینک! دیدبانان مرا خنوخ کاتب صدا زدند و به من گفتند: «خنوخ، ای کاتب پارسا، برو و به نگهبانان آسمان که در بالاترین آسمان و در مکان مقدس ابدی ساکن بودند ولی آنجا را ترک کرده و مانند فرزندان انسان عمل کردند و برای خود همسری گرفتند و خود را با زنان زمینی آلوده و ناپاک ساختند، چنین اعلام کن.

۲۴ به آنها بگو: «شما فساد و تباهی بزرگی در زمین انجام دادید و نه از صلح و آرامی و نه از آمرزش گناه برخوردار خواهید شد.

۲۵ و به همان اندازه که از فرزندان خود لذت می‌برند، مرگ عزیزان خود را خواهند

دید، و بر نابودی فرزندانشان ناله خواهند کرد، و تا ابد دعا خواهند کرد، اما به رحمت و آرامی دست پیدا نخواهند کرد.»

۲۶ خنوخ رفت و چنین گفت: «ای عزازیل، صلح و آرامی نخواهی داشت، حکم سختی بر تو صادر شده است تا تو را در بند کنند و به خاطر بی عدالتی که آموختی، در حق تو هیچ گونه مدارا نخواهد شد و هیچ درخواستی نیز از جانب تو پذیرفته نمی‌شود. و تمامی اینها بخاطر تمام اعمال خدا شناسانه و ناحق و گناهی است که به انسانها نشان دادی.»

۲۷ پس رفتم و با همگی ایشان صحبت کردم و همه ترسیدند و ترس و لرز ایشان را فرا گرفت. و از من خواستند تا برای ایشان طلب آمرزش کنم و در حضور خداوند آسمان برای آنها دعا کنم.

۲۸ زیرا از آن پس نتوانستند با خداوند صحبت کنند و حتی نتوانستند چشمان خود را از شرم گناهان خود که به سبب آن محکوم شده بودند به سوی آسمان بلند کنند.

۲۹ سپس داد خواست و عرض حال و دعای ایشان را در مورد روح و اعمالشان به صورت فردی و در ارتباط با درخواستهای ایشان جهت بخشایش و طول حیات نوشتم.

۳۰ سپس رفتم و در کنار آبهای دان در سرزمین دان در جنوب غرب هرمون نشستم و دعا و استغاثه ایشان را خواندم تا به خواب رفتم.

۳۱ و در آن هنگام، خوابی به من رسید و رؤیایها بر من فرود آمد و رؤیاهای عذاب را دیدم و صدایی از من خواست که آن را به پسران آسمان بگویم و آنها را سرزنش و توبیخ کنم.

۳۲ و چون بیدار شدم، نزد ایشان آمدم، و همگی دور هم نشسته بودند و در اِپِلْسَجِیل، که بین لبنان و سینیر است، با صورتهای پوشیده می‌گریستند.

۳۳ و همه رؤیاهایی را که در خواب دیده بودم در حضور ایشان بازگو کردم و شروع کردم به سخن گفتن از کلام حق و سرزنش دیدبانان آسمان.



## کتاب کلام حق

۱ کتاب کلام حق و توبیخ ابدی دیدبانان، مطابق با فرمان خداوند عظیم و قدوس در آن رؤیایی که در خواب دیدم.

۲ آنچه را که اکنون با زبانی از جنس گوشت و با نفس دهان خود خواهم گفت همان است که خداوند متعال به انسان داده است تا با آن گفتگو کنند و در دل خود آنرا درک کرده و بفهمند.

۳ همانطور که او قدرت درک کلام حکمت را آفرید و آنرا به انسان داد، مرا نیز آفرید و به من قدرت توبیخ و سرزنش دیدبانان را داد که فرزندان آسمان هستند.

۴ «دادخواست شما را نوشتم و در رؤیایی که دیدم این چنین بر من نمایان شد که حیات ابدی به شما عطا نخواهد شد و داوری نیز سرانجام بر شما نازل خواهد شد.

۵ درخواست شما اجابت نخواهد شد. و از این به بعد تا ابد به آسمان بالا نخواهید رفت و حکم صادر شده است که تا روز رستاخیز و تا انتهای دنیا، در بندهای زمین باقی بمانید.

۶ و قبل از آن، هلاکت پسران محبوب خود را خواهید دید و از آن خشنود نخواهید شد، بلکه آنها با شمشیر در برابر شما به قتل رسیده و خواهند افتاد.

۷ و درخواست تو نیز از جانب آنها اجابت نخواهد شد، و نه حتی از جانب خود تو، هر چند گریه کنی و دعا کنی و تمام کلماتی را که در نوشته‌ای که من نوشته‌ام به زبان بیاوری.

۸ و این است رؤیایی که به من نشان داده شد: اینک، در رؤیا، ابرها مرا دعوت کردند و مه مرا فرا خواند، و مدار ستارگان و رعد و برق‌ها به سرعت مرا شتاب دادند، و بادهای موجود در رؤیا مرا به پرواز درآوردند و از زمین جدا و بلند شدم و به سمت بالا و به آسمان برده شدم.

۹ و داخل شدم تا به دیواری که از بلور ساخته شده بود و زبانه‌های آتش آن را احاطه کرده بود، نزدیک شدم و من را به وحشت انداخت.

۱۰ و به داخل زبانه‌های آتش رفتم و به خانه‌ای بزرگ نزدیک شدم که از بلور ساخته



شده بود و دیوارهای خانه مانند زمینی از کریستال بود و سطح کف آن نیز از بلور ساخته شده بود.

۱۱ سقف آن مانند مسیر و راه ستارگان و رعد و برق بود و در میان آنها کروبیان آتشین قرار داشتند و آسمان آنها از آب بود.

۱۲ آتشی شعله ور دیوارها را احاطه کرده بود و دروازه‌های آن از زبانه‌های آتش می‌درخشید.

۱۳ و به آن خانه وارد شدم و مثل آتش گرم و مثل یخ سرد بود. هیچ لذتی از زندگی در آن وجود نداشت. ترس مرا فرا گرفت و سراسر وجودم شروع به لرزش کرد.

۱۴ و چون ترس و لرز داشتم، بر روی خود افتادم و رؤیایی دیدم، و اینک! خانه دومی بزرگتر از خانه قبلی وجود داشت، و تمام دروازه در مقابل من باز بود و از شعله‌های آتش ساخته شده بود.

۱۵ از هر جهت در شکوه و عظمت و وسعت آن چنان برتر بود که نمی‌توانم شکوه و وسعت آن را برای کسی توصیف کنم.

۱۶ و کف آن از آتش و بر فراز آن رعد و برق و مسیر و راه ستارگان بود و سقفش نیز همچون آتش شعله ور بود. و نگریستم و در آن تخت بلندی دیدم که ظاهرش مانند بلور بود و چرخ‌هایش مانند خورشید تابان و تصور و منظری از کروبیان در آن دیده می‌شد.

۱۷ و از زیر تخت نهرهای آتشین و شعله ور می‌آمد چنانچه من نمی‌توانستم به آن نگاه کنم.

۱۸ و جلال عظیم بر آن نشسته بود و لباس او از خورشید درخشان‌تر و از هر برفی سفیدتر بود.

۱۹ هیچ یک از فرشتگان نمی‌توانستند وارد شده و چهره او را ببینند زیرا چهره او از عظمت و جلال پوشیده شده بود و هیچ جسمی قادر به دیدن او نبود.

۲۰ آتش شعله ور گرداگرد او و آتشی عظیم در برابر او ایستاده بود و هیچ کس از اطراف نمی‌توانست به او نزدیک شود. ده هزار بار ده هزار پیش او بودند، اما او نیازی به مشاور نداشت.

۲۱ و مقدّسانی که به او نزدیک بودند، حتی شبها او را ترک نمی‌کردند و هرگز از او

دور نمی‌شدند. و تا آن زمان بر صورت خود بر زمین افتاده بودم و همچنان بر خود می‌لرزیدم، و خداوند مرا با دهان خود خواند و به من گفت: «خنوخ بیا اینجا و سخن مرا بشنو».

۲۲ و یکی از مقدسین نزد من آمد و مرا بیدار و بلند کرد و به در نزدیک شدم و من صورت خود را به طرف پایین خم کردم.

۲۳ و او جواب داد و به من گفت، و من صدای او را شنیدم: «ای خنوخ، ای مرد پارسا و کاتب حق، نترس، به اینجا نزدیک شو و صدای مرا بشنو».

۲۴ و برو، به نگهبانان آسمان که تو را برای شفاعت به نزد من فرستاده‌اند، بگو: «شما باید برای انسانها شفاعت کنید، نه انسان‌ها برای شما. از این رو آسمان بلند و مقدس و جاودانی را ترک کردید و با زنان خوابیدید و خود را با دختران انسان ناپاک ساختید و برای خود همسر گرفتید و مانند فرزندان زمین رفتار کرده و غول‌هایی به دنیا آوردید که پسران شما بودند».

۲۵ گرچه مقدّس و روحانی بودید و حیات ابدی داشتید، خود را به خون زنان ناپاک کرده‌اید، و با خون بدن متولد شده‌اید، و مانند فرزندان آدمیان، به دنبال خواهش بدن و خون و هوی و هوس رفتید درست مانند آنهایی که می‌میرند و هلاک می‌شوند.

۲۶ از این رو به آنها زنهایی دادم تا آنها را باردار کنند و از آنها فرزندان به دنیا بیاورند تا بدین ترتیب هیچ چیز بر روی زمین برای آنها کم نباشد.

۲۷ اما شما قبلاً روحانی بودید و حیات ابدی داشتید و برای همه نسل‌های جهان جاودانه بودید. از اینرو من برای شما همسری قرار ندادم؛ زیرا در مورد روحانیان آسمانی، مسکن آنها نیز در آسمان است.

۲۸ و اکنون، غول‌هایی که از روح و گوشت به وجود می‌آیند، ارواح شیطانی بر روی زمین نامیده خواهند شد و مسکن آنها بر روی زمین خواهد بود.

۲۹ ارواح شیطانی از بدن ایشان بیرون آمده‌اند. زیرا آنها از انسان زاده شده‌اند و منشأ اولیه آنها از دیدبانان است. آنها ارواح شیطانی روی زمین خواهند بود و ارواح شریر نامیده خواهند شد.

۳۰ و ارواح غول‌ها سبب رنج شده و ظلم می‌کنند، حمله و نابود می‌کنند، نبرد می‌کنند، و بر روی زمین ویرانی به بار می‌آورند و سبب مشکلات می‌شوند. آنها غذا نمی‌خورند،

اما گرسنه و تشنه هستند و باعث آزار و اذیت و قانون شکنی می‌شوند.

۳۱ و این ارواح بر ضد فرزندان انسان و بر ضد زنان قیام خواهند کرد، زیرا از آنها بوجود آمده‌اند.

۳۲ از روزهای کشتار و نابودی و مرگ غول‌ها که ارواح از جان‌های بدنشان بیرون آمده‌اند بدون اینکه مورد محاکمه و داوری قرار بگیرند نابود خواهند کرد، بنابراین تا روزی که به هم بپیوندند، یعنی در روز داوری بزرگ که تمامی دوران و اعصار به پایان می‌رسد، نابود خواهند شد. دوران دیدبانان و منکران خداوند نیز به طور کامل در آن روز به پایان خواهد رسید.

۳۳ و اکنون در مورد دیدبانانی که قبلاً در آسمان بوده‌اند و اینک تو را برای شفاعت به نزد من فرستاده‌اند، به آنها بگو: «شما در آسمان بودید، اما هنوز همه اسرار برای شما آشکار نشده بود، و شما فقط چیزهای بی ارزش را می‌دانستید. و بواسطه سنگدلی خود، آنها را به زنان یاد دادید و زنان و مردان به واسطه این اسرار بر روی زمین بدی بسیار می‌کنند.»

۳۴ پس به آنها بگو: «شما هرگز روی آرامی را نخواهید دید.»



## همراه با فرشتگان

۱ فرشتگان مرا گرفتند و به جایی آوردند که در آنجا کسانی وجود داشتند که مانند آتش شعله ور بودند و چون می‌خواستند مانند مردان ظاهر می‌شدند.

۲ و مرا به محل تاریکی و کوهی بردند که قله آن به آسمان می‌رسید.

۳ و مکان‌هایی درخشان و خزانه‌های ستارگان و رعد و برق را دیدم و اعماق زمین را مشاهده کردم که در آن تیر و کمان‌های آتشین و همچنین تیر دانه‌ها و شمشیر آتشین و تمامی صاعقه‌ها قرار داشت.

۴ و مرا به مکان آب‌های زنده و به آتش مغرب بردند که پذیرای هر غروب خورشید بود.

۵ و به نهری از آتش رسیدم که آتش در آن مانند آب جاری بود و به دریای بزرگ به طرف مغرب می‌ریخت.

۶ نهرهای عظیمی را دیدم و به نهر فراخ و ظلمت مطلق رسیدم و به جایی رفتم که هیچ فرد جسمانی در آن راه نمی‌رود. کوههای تاریک زمستان و جایی را دیدم که تمامی آبهای ژرف از آنجا جاری می‌شود.

۷ من دهانه‌های تمام نهرهای زمین و دهانه‌های اعماق زمین را دیدم.

۸ مکان انبار تمام بادها را دیدم، دیدم که خداوند چگونه تمام خلقت و پایه‌های استوار زمین را با آنها تجهیز کرده است.

۹ و من سنگ زاویه زمین را دیدم، چهار باد را مشاهده کردم که فلک و گنبد آسمان را حمل می‌کنند.

۱۰ و دیدم که چگونه بادها طاقهای آسمان را می‌کشایند و بین آسمان و زمین جایگاه دارند: اینها ستونهای آسمان هستند.

۱۱ بادهای آسمان را دیدم که می‌چرخند و مدار خورشید و همه ستارگان را به غروب می‌رسانند.

۱۲ بادهای روی زمین را مشاهده کردم که ابرها را با خود حمل می‌کردند و مسیر حرکت فرشتگان را دیدم.

۱۳ در انتهای زمین گنبد آسمان را در بالا دیدم و پیش رفتم و مکانی را دیدم که در آن روز و شب می‌سوزد و هفت کوه از سنگ‌های باشکوه در آن وجود داشت.

۱۴ سه کوه به سمت شرق و سه کوه به سمت جنوب بود. آنهایی که به طرف مشرق بودند از سنگ رنگین و یکی از مروارید و یکی از یاقوت زعفرانی و آنهایی که به سمت جنوب قرار داشتند از سنگ سرخ بودند.

۱۵ اما وسطی مانند تخت خدا از سنگ مرمر بود که سر به آسمان می‌زد و قله تخت از یاقوت کبود بود.

۱۶ و آتشی شعله ور دیدم. و در ورای این کوهها قلمرو بزرگ انتهای زمین قرار داشت: جایی که در آنجا آسمانها کامل می‌شد.

۱۷ و پرتگاهی عمیق و ژرف با ستون‌هایی از آتش آسمانی دیدم و در میان آنها ستون‌هایی از آتش را دیدم که ارتفاع آنها غیر قابل سنجش و به طرف اعماق فرو می‌رفتند.

۱۸ در ورای آن پرتگاه جایی را دیدم که نه گنبد آسمان در بالای آن وجود داشت و نه زمین استوار در زیر آن؛ نه آبی بر آن بود و نه پرندگان، بلکه مکانی ویران و وحشتناک بود.

۱۹ در آنجا هفت ستاره را دیدم که به نظر من مانند کوه‌های سوزان بزرگ بودند، و وقتی در مورد آنها تحقیق کردم، فرشته گفت: این مکان پایان آسمان و زمین است، اینجا زندان ستارگان و لشکریان آسمان شده است.

۲۰ اینها ستارگانی بودند که بر آتش می‌غلطند، آنهایی که از فرمان خداوند در آغاز طلوع خود تخطی کرده‌اند، زیرا در زمان‌های مقرر خود طلوع نکرده‌اند.

۲۱ و او بر ایشان خشمگین شد و آنها را به بند بست تا زمانی که گناهشان کاملا به مدت ده هزار سال پاک شود.»

۲۲ و اورئیل به من گفت: «در اینجا فرشتگانی خواهند ایستاد که خود با زنان پیوند و هم بستگی داشته‌اند، و روح آنها به شکل‌های مختلف انسان را آلوده و گمراه خواهد کرد تا برای دیوها به عنوان خدایان قربانی کنند.

۲۳ در اینجا خواهند ایستاد، و پایان آن پس از روز داوری بزرگ خواهد بود که در آن، مورد داوری قرار خواهند گرفت. و زنان فرشتگانی که گمراه شده‌اند، افسونگر و فریبنده خواهند شد.»

۲۴ من خنوخ، به تنهایی تمامی این رؤیایا و پایان همه چیز را دیدم، و هیچ انسان دیگری مانند من چنین چیزهایی را مشاهده نخواهد کرد.



## فرشتگان مقدس

۱ اینها نامهای فرشتگان مقدسی هستند که بشر را مورد نظارت و دیدبانی قرار می‌دهند.

۲ اورئیل، یکی از فرشتگان مقدس است، که ناظر بر جهان و بر عمیق‌ترین نقطه دنیای مردگان است.

۳ رافائیل، یکی از فرشتگان مقدس است، که بر روح انسانها نظارت دارد.

۴ راگوئیل، یکی از فرشتگان مقدس است، که انتقام خود را از آنانی می‌گیرد که قوانین خداوند را نادیده گرفته و سبب بی عدالتی می‌شوند.

۵ میکائیل، یکی از فرشتگان مقدس است، که بر بهترین اصل موجودیت بشر یعنی قوه درک و تعقل و بر عدم تعادل و آشفتگی آن نظارت دارد.

۶ سراقائیل، یکی از فرشتگان مقدس است، که برای نظارت بر ارواحی که در روح گناه می‌کنند، تعیین شده است.

۷ جبرئیل، یکی از فرشتگان مقدس است، که برای نظارت بر فردوس و شیاطین و کروبیان در نظر گرفته شده است.

۸ رمئیل، یکی از فرشتگان مقدس است که خداوند او را برای نظارت بر ترقی و موفقیت انسان منظور کرده است.

۹ و من به جایی رفتم که اوضاع بسیار آشفته بود. و در آنجا چیز وحشتناکی دیدم: نه آسمانی در بالا وجود داشت و نه زمینی استوار، بلکه مکانی آشفته و هولناک بود.

۱۰ و در آنجا هفت ستاره آسمان را دیدم که به هم چسبیده بودند، مثل کوه‌های بزرگ و در آتش می‌سوختند.

۱۱ سپس گفتم: «به چه گناهی گرفتار شده‌اند و به چه دلیل به اینجا انداخته شده‌اند؟»

۱۲ سپس اورئیل، یکی از فرشتگان مقدس که با من بود و بر آنها ریاست داشت، گفت: «خنوخ، چرا می‌پرسی و چرا مشتاق دانستن حقیقت هستی؟»

اینها تعدادی از ستارگان آسمان هستند که از فرمان خداوند تجاوز کرده‌اند و تا ده هزار سال در اینجا محصور خواهند بود، یعنی تا زمانی که گناهان آنها تمام شده محسوب شود.»

۱۳ از آنجا به مکان دیگری رفتم که از قبل وحشتناک‌تر بود و در آنجا چیز هولناکی دیدم. آتش بزرگی در آنجا شعله‌ور شده و فروزنده بود و آن مکان به شکل پرتگاه ژرف و عمیقی شکافته شده و پر از ستون‌های بزرگ آتشین بود که به طرف پایین قرار داشتند. وسعت و بزرگی آن را نه می‌توانستم ببینم و نه می‌توانستم حدس بزنم.

۱۴ سپس گفتم: «نگاه کردن به این مکان چقدر ترسناک و چقدر هولناک است!»

۱۵ سپس اورئیل، یکی از فرشتگان مقدس که با من بود، پاسخ داد و به من چنین

گفت: «خنوخ، چرا چنین ترس و وحشتی تو را فرا گرفته است؟»

۱۶ من پاسخ دادم: «چنانچه این مکان ترسناک و به دلیل اینکه این منظره بسیار دردناک و رنج آور است.»

۱۷ و او به من گفت: «این مکان زندان فرشتگان است و در اینجا آنها برای همیشه زندانی خواهند بود.»

۱۸ از آنجا به جای دیگر رفتم، کوهی از صخره بسیار سخت.

۱۹ و در آن چهار حفره میان تهی قرار داشت، عمیق و پهن و بسیار هموار. وقتی نگاه می‌کردم چقدر این حفره‌های میان تهی، صاف و عمیق و تاریک به نظر می‌رسیدند.

۲۰ آنگاه رافائیل، یکی از فرشتگان مقدس که با من بود، پاسخ داد و چنین گفت: «این مکان‌های میان تهی دقیقاً برای این منظور ایجاد شده‌اند، تا روح جانهای مردگان در آن جمع شوند، آری که همه ارواح از فرزندان انسان باید در اینجا جمع شوند. و این مکانها تا روز رساخیز و تا زمان تعیین شده برای پذیرایی از آنها ساخته شده است آنها تا آن روز بزرگ در این حفره‌ها قرار خواهند داشت.»

۲۱ مرده‌ای را دیدم که مشغول دادخواهی بود، و صدایش به آسمان بالا می‌رفت و دادخواهی می‌کرد. و از رافائیل، فرشته‌ای که با من بود پرسیدم و به او گفتم: «این روحی که دادخواهی می‌کند چه کسی است، که صدای دادخواست او تا به آسمان می‌رسد؟»

۲۲ او به من پاسخ داد و گفت: «این روحی است که از هابیل که برادرش قابیل او را کشت، بیرون آمده و بر ضد او دادخواهی می‌کند تا ذریتش و نسلش از روی زمین نابود شود، و ذریت او کاملاً از میان نسل انسان محو شود.»

۲۳ در مورد آن و در مورد همه حفره‌های میان تهی سوال کردم: «چرا یکی از دیگری جدا شده است؟»

۲۴ او به من پاسخ داد و گفت: «این سه حفره ساخته شده‌اند تا ارواح مردگان از هم جدا شوند. و چنین تقسیمی برای ارواح صالحان صورت گرفته است که در آن چشمه درخشان و گوارای آب است. اما برای گناهکاران چنین است، زمانی که می‌میرند و در زمین دفن می‌شوند، در زمان حیاتشان حکمی بر آنان جاری نشده است.

۲۵ در اینجا ارواح آنها با درد جانکاهی متلاشی خواهد شد تا روز بزرگ داوری که

مجازات و عذاب آنانی که ملعون هستند فرا رسد و برای همیشه در زیر لعنت قرار گرفته‌اند و روح آنها کیفر و سزای اعمال خود را خواهد دید. در آنجا آنها را برای همیشه می‌بندد. و چنین تقسیمی برای روح کسانی است که بر علیه خود دادخواست می‌دهند، و تباهی و اضمحلال خود را ابراز و فاش می‌کنند، چنانچه در ردیف افرادی قرار گرفته‌اند که در روزگار گناهکاران کشته شدند.

۲۶ چنین خواهد بود برای ارواح مردانی که پارسا نبودند، بلکه گناهکار بودند، که در عصیان کامل بودند، و با متجاوزان و گناهکاران همنشینی می‌کردند، اما روح آنها در روز رستاخیز نه از بین می‌رود و نه از آنجا بر می‌خیزد.»

۲۷ خداوند جلال را متبارک خواندم و گفتم: «مبارک باد خداوند من، خداوند عادل که تا ابد فرمانروایی می‌کند.»

۲۸ از آنجا به جای دیگری در نقطه انتهایی غرب زمین رفتم. و آتشی سوزان دیدم که بدون توقف به راه خود ادامه می‌داد و نه روز و نه شب از مسیر خود باز نمی‌ایستاد.

۲۹ و من پرسیدم: «این چیست که دائما در حرکت است و آرام نمی‌گیرد؟»

۳۰ آنگاه راگوئیل، یکی از فرشتگان مقدس که با من بود، پاسخ داد و گفت: «این مسیر آتشی که مشاهده می‌کنی، آتشی است که در مغرب زمین است که تمام نور و درخشندگی آسمان را تحت تاثیر قرار می‌دهد.»

۳۱ از آنجا به جای دیگری از زمین رفتم و او رشته کوهی از آتش را به من نشان داد که روز و شب می‌سوخت.

۳۲ و من از آن فراتر رفتم و هفت کوه با شکوه را دیدم که همگی با یکدیگر متفاوت و سنگ‌ها نیز با شکوه و زیبا بودند، در مجموع پر جلال، و ظاهری بسیارعظیم و بدون نقص داشتند: سه کوه متمایل به سمت مشرق و یکی بر دیگری بنا شده بود، و سه کوه به سمت جنوب متمایل بود و این سه کوه نیز بر دیگری بنا شده بودند، و دره‌های ناهموار و عمیق، که هیچ کدام به دیگری نمی‌پیوست.

۳۳ و کوه هفتم در میان اینها بود و از نظر ارتفاع از آنها برتری داشت و شبیه تخت پادشاهی بود و درختان معطر تخت را احاطه کرده بودند.

۳۴ و در میان آنها درختی بود که من هرگز آن را بو نکرده بودم، و نه در میان آنها بود و نه دیگران مانند آن، رایحه‌ای بیش از هر بوی دیگر داشت و برگها و شکوفه‌ها و



چوبش تا ابد پژمرده نمی‌شدند؛ و میوه آن از زیبایی کامل برخوردار بود و میوه‌ای شبیه خرماي درخت نخل داشت.

۳۵ آنگاه گفتم: «این درخت چقدر زیبا و خوشبو است و برگ‌هایش زیبا و شکوفه‌هایش بسیار دلپذیر هستند.»

۳۶ آنگاه میکائیل، یکی از فرشتگان مقدس و مورد احترام که رهبر ایشان بود و مرا همراهی می‌کرد، پاسخ داد.

۳۷ و به من چنین گفت: «خنوخ، چرا از من در مورد عطر درخت می‌پرسی، و چرا می‌خواهی حقیقت را بدانی؟»

۳۸ آنگاه به او پاسخ دادم و گفتم: «آرزو دارم از همه چیز آگاه شوم، به ویژه درباره این درخت.»

۳۹ او پاسخ داد و گفت: «این کوه بلندی که دیدی و قلعه‌اش مانند تخت خداست، تخت اوست، جایی که قدوس بزرگ، خداوند جلال، پادشاه ابدی، هنگامی که بیاید، در آنجا خواهد نشست و به نیکویی بر زمین حضور پیدا خواهد کرد، اما در مورد این درخت معطر، هیچ انسانی اجازه ندارد تا روز داوری بزرگ به آن دست بزند، روزی که از همه انتقام گرفته شود و دنیا تا ابد به حد کمال خود برسد؛ آنگاه به صالحان و مقدسین اجازه داده می‌شود که درخت را لمس کنند و میوه آن برای غذای برگزیدگان است و به مکان مقدس، به معبد خداوند، پادشاه ابدی منتقل خواهد شد.

۴۰ آنگاه با شادی و نشاط شادمانی کرده و خوشحال خواهند بود و به مکان مقدس داخل خواهند شد. و بوی خوش آن تا استخوان‌هایشان نفوذ خواهد کرد و عمری طولانی در زمین خواهند داشت. چنانکه پدران تو اینچنین زندگی می‌کردند. و در ایام حیات ایشان، هیچ غم و بلا یا عذاب و مصیبتی به ایشان نخواهد رسید.»

۴۱ پس من خدای جلال، پادشاه ابدی را متبارک خواندم، که چنین چیزهایی را برای صالحان آماده کرده، و این چیزها را آفریده و وعده داده که به آنها بدهد.

۴۲ و از آنجا به وسط زمین رفتم و مکان مبارکی را مشاهده کردم که در آن درختانی با شاخه‌هایی استوار بودند و شکوفه می‌دادند.

۴۳ و در آنجا کوه مقدسی را مشاهده کردم و در زیر کوهی که به طرف مشرق بود نهری قرار داشت و به طرف جنوب می‌ریخت. و به طرف مشرق کوه دیگری را بلندتر از

این کوه دیدم و در میان آنها دره‌ای عمیق و باریک که در آن نهری از زیر کوه جاری بود. ۴۴ و در مغرب آن کوه دیگری بود، پایین‌تر از قبلی و کم ارتفاع، و دره‌ای عمیق و خشک میان آنها، و دره عمیق و خشک دیگری در انتهای سه کوه قرار داشت.

۴۵ و همه دره‌ها عمیق و باریک از صخره‌های سخت بودند و درختی بر آنها روییده نشده بود. و من از صخره‌ها شگفت زده شدم، و از دره‌ها نیز شگفت زده شدم، آری، بسیار حیرت زده شده بودم.

۴۶ آنگاه گفتم: «این سرزمین مبارک که پر از درخت است و این وادی نفرین شده که در میان آن قرار دارد نشان از چیست؟»

۴۷ آنگاه اورئیل، یکی از فرشتگان مقدس که با من بود، پاسخ داد و گفت: «این وادی نفرین شده برای کسانی است که تا ابد لعنت شده‌اند. در اینجا همه ملعونانی که با لبان خود بر خداوند سخنان ناپسند می‌گویند، جمع خواهند شد. آنانی که در مورد جلال خداوند، سخنان زشت و سخیف می‌گویند، همه در اینجا جمع خواهند شد و اینجا مکان داوری آنها خواهد بود.»

۴۸ در روزهای آخر، داوری ابدی و عادلانه در حضور صالحان بر ایشان به انجام خواهد رسید. در اینجا رحمت و بخشندگی خداوند جلال، پادشاه ابدی دیده خواهد شد. در ایام داوری بر لعنت شدگان، آنها خداوند را بخاطر رحمتی که بر آنها مقرر داشته است، متبارک می‌خوانند.»

۴۹ آنگاه خداوند جلال را متبارک خواندم و جلال او را به زبان آوردم و او را با شکوه تمام ستایش کردم.

۵۰ و از آنجا به طرف مشرق رفتم، در میان رشته کوهی که در بیابان قرار داشت، صحرایی را دیدم که خلوت و پر از درخت و گیاه بود. و آب از بالا فوران می‌کرد. جریان شدید یک چنین آب فراوان به سمت شمال غربی باعث می‌شد تا ابرها و شب‌نم از هر طرف سر بر آورند.

۵۱ از آنجا به جای دیگری در بیابان رفتم و به شرق این رشته کوه نزدیک شدم. و در آنجا درختان معطری را دیدم که بوی گُندر و مُر از آنها به مشام می‌رسید و این درختان نیز شبیه درخت بادام بودند.

۵۲ و فراتر از اینها، به طرف مشرق دور رفتم و جای دیگری را دیدم، دره‌ای از آب. و

در آن درختی بود به رنگ درختان خوشبو مانند درختان بنه (پسته وحشی). و در دو طرف این دره‌ها دارچین معطر روییده بود. و فراتر از اینها به سمت شرق پیش رفتیم.

۵۳ و کوه‌های دیگری را دیدم و در میان آنها نخلستان‌هایی از درختان بود و شهد از آن‌ها بیرون می‌آمد که باریجه (قاسنی) و نارون بر نامیده می‌شد. و در ورای این کوهها، کوه دیگری را در انتهای شرق زمین دیدم که در آن درختان آلوئه بود، و همه درختان پر از انجیر و شبیه به درختان بادام بودند. و وقتی کسی آن را می‌سوزاند، بوی آن از هر بوی خوشی خوشبوتر بود.

۵۴ و پس از این بوهای معطر، وقتی به سمت شمال بر فراز کوهها نگاه کردم، هفت کوه پر از بهترین ناردین و درختان معطر و دارچین و فلفل را مشاهده کردم.

۵۵ و از آنجا از قله‌های همه این کوهها فراتر و به طرف مشرق زمین رفتم و از بالای دریای اریتره گذشتم و از آن دور شدم و از فرشته زوتئیل که فرشته حفاظت کننده درخت حیات از دسترس انسان است نیز گذشتم.

۵۶ و به باغ عدالت آمدم و از دور درختان متعددی را دیدم که دو درخت بزرگ در آنجا و در بین آنها قابل مشاهده بود که بسیار بزرگ، زیبا و با ابهت و با شکوه بودند، که همانا درخت دانش است که میوه مقدس آن را می‌خورند و صاحب حکمتی عظیم می‌شوند.

۵۷ بلندی آن درخت مانند انجیر وحشی و برگ‌هایش مانند درخت خرنوب و میوه‌هایش مانند خوشه‌های انگور بسیار زیبا بود و عطر درخت از مسافت دور به مشام می‌رسید.

۵۸ سپس گفتم: آه این درخت چه زیباست و چقدر جذاب به نظر می‌رسد.

۵۹ آنگاه رافائیل فرشته مقدس که با من بود در جواب گفت: «این درخت حکمت است که پدر و مادر اولیه انسان که پیش از تو بودند از آن خوردند و صاحب حکمت شده و چشمان آنها باز و آگاه شد و دانستند که برهنه هستند و از باغ بیرون رانده شدند.»

۶۰ از آنجا به انتهای زمین رفتم و جانوران بزرگی را در آنجا مشاهده کردم که هر کدام با دیگری متفاوت بودند. و پرندگان نیز در ظاهر و زیبایی و صدا با هم متفاوت و بسیار متنوع به نظر می‌آمدند.

۶۱ و در شرق مکان آن جانوران، انتهای زمین را مشاهده کردم که آسمان بر آن قرار داشت و دروازه‌های آسمان باز بود. و ستارگان آسمان را دیدم که چگونه بیرون

می‌آیند، و دروازه‌هایی را که از آن بیرون می‌آمدند، شمردم و تمام خروجی‌های آن‌ها را، هر ستاره را به تنهایی، بر حسب تعداد و نام‌ها، مسیرها و موقعیت آنها یادداشت کردم. و زمان و ماههای آنها، همانطور که اورئیل، فرشته مقدسی که با من بود به من نشان داد.

۶۲ او همه چیز را به من نشان داد و آنها را برای من نوشت. همچنین نام آنها و قوانین و هر آنچه که آنها را همراهی می‌کرد برای من نوشت.

۶۳ و از آنجا به سوی شمال تا نقاط انتهایی زمین رفتم و در آنجا در انتهای کلی زمین، تجهیزاتاتی عظیم و با شکوه مشاهده کردم.

۶۴ و در آنجا سه دروازه از آسمان را دیدم که به سمت آسمان گشوده می‌شد: از هر یک از آنها بادهای شمالی عبور می‌کنند: وقتی می‌وزند با خود سرما، تگرگ، یخبندان، برف، شبنم و باران به همراه می‌آورند. و از یکی از آن دروازه‌های آنها به خیریت و نیکویی می‌وزند؛ اما وقتی از دو دروازه دیگر می‌وزند، همراه با خود ویرانی و مصیبت به زمین می‌آورند و با شدت و غضب می‌وزند.

۶۵ و از آنجا به نقطه انتهایی زمین در مغرب رفتم و در آنجا سه دروازه از آسمان را باز دیدم همانطور که در مشرق دیده بودم، به همان تعداد دروازه و به همان تعداد درگاه خروجی.

۶۶ و از آنجا به نقطه انتهایی زمین در جنوب رفتم و در آنجا سه دروازه از آسمان را گشوده دیدم و از آنجا شبنم و باران و باد می‌آید. و از آنجا به مشرق تا انتهای آسمان رفتم و در اینجا سه دروازه شرقی آسمان را گشوده دیدم که درگاههای کوچک بالای آنها کاملاً قابل مشاهده بود.

۶۷ از هر یک از این درگاههای کوچک، ستارگان آسمان می‌گذرند و در مداری که برای آنها تعیین شده است، به سمت غرب حرکت می‌کنند.

۶۸ هر گاه که این چیزها را مشاهده می‌کردم خداوند جلال را برای همیشه متبارک می‌خواندم و به متبارک خواندن خداوند جلال که شگفتی‌های بزرگ را با شکوه تمام خلق کرده است همچنان ادامه دادم تا عظمت کار او را به فرشتگان و ارواح و انسانها نشان دهم که آنها نیز بتوانند عمل دست او و همه آفرینش او را ستایش کنند تا قدرت و عظمت کارهای او را مشاهده کرده و کارهایی را که به دستان پر عظمت خود انجام داده است را ستایش کنند و او را تا ابد متبارک بخوانند.

## تمثیل اول

۱ دومین رؤیایی را که او دید، رؤیای حکمت بود، که خنوخ پسر یارد، پسر مَهَلْئِیل، پسر قینان، پسر انوش، پسر شیث، پسر آدم، مشاهده کرد.

۲ این آغاز سخنان حکیمانه‌ای است که من دهان خود را با صدای بلند باز می‌کنم تا بگویم و به ساکنان روی زمین اعلام کنم: «ای انسانهای بالغ، بشنوید و ای کسانی که بعدها خواهید آمد، این سخنان مقدس را مشاهده کنید. چیزی که من در حضور خداوند روح و جان بیان خواهم کرد. بهتر است به مردم کنونی اعلام شود، اما حتی از کسانی که بعدها پا به جهان می‌گذارند، ما آغاز حکمت را دریغ نخواهیم کرد.»

۳ تا به امروز چنین حکمتی از سوی خداوند روح‌ها عطا نشده است که من بر اساس بینش خود دریافت کرده‌ام، بر حسب رضایت خداوند روح و جان که سهم حیات جاودانی به من داده شده است. سه مَثَل به من گفته شد و من صدای خود را بلند کردم و آنها را برای ساکنان روی زمین بازگو کردم.

۴ مَثَل اول: هنگامی که جماعت صالحان ظهور کنند و گناهکاران به خاطر گناهانشان داوری شوند و از روی زمین رانده شوند.

۵ و هنگامی که شخص عادل در برابر چشمان صالحان برگزیده ظاهر می‌شود که اعمال او توسط خداوند روح‌ها سنجیده می‌شود و هنگامی که نور بر صالحان و برگزیدگان ساکن در زمین ظاهر شود، در آن صورت مسکن گناهکاران و آرامگاه کسانی که خداوند روح و جان را تکذیب کرده‌اند در کجا خواهد بود؟ اگر به دنیا نمی‌آمدند برای ایشان بهتر بود.

۶ هنگامی که اسرار صالحان آشکار شود، گناهکاران داوری می‌شوند و تکذیب کنندگان خداوند از حضور صالحان و برگزیدگان رانده می‌شوند.

۷ از آن زمان صاحبان زمین دیگر قدرتمند و برتر نخواهند بود. آنها نمی‌توانند به چهره مقدسین بنگرند، زیرا خداوند روح‌ها، نور خود را بر چهره قدوس صالحان و برگزیدگان جلوه داده است.

۸ آنگاه پادشاهان و قدرتمندان هلاک خواهند شد و به دست صالحان و مقدسین تسلیم خواهند شد.

۹ و از آن پس دیگر هیچ کس نمی‌تواند جویای رحمت خداوند روح و جان باشد زیرا زندگی آنها به پایان رسیده است.

۱۰ و در آن روزها واقع خواهد شد که فرزندان برگزیده و مقدس از آسمان‌های بلند فرود خواهند آمد و نسل آنها با فرزندان انسان یکی خواهند شد.

۱۱ در آن روزها خنوخ کتابهای غضب و غیرت و کتابهای آشفتگی و رانده شدن را دریافت کرد.

۱۲ خداوند روح و جان چنین می‌گوید: دیگر هیچ گونه رحمتی برای آنها وجود نخواهد بود.

۱۳ و در آن هنگام، گردباد و بادهای طوفانی مرا از روی زمین بلند کرد و در انتهای آسمان فرود آورد.

۱۴ در آنجا رؤیای دیگری دیدم، سکونت گاه‌های مقدّس و آرامگاه‌های صالحان.

۱۵ در آنجا چشمان من محل اقامت آنها را نزد فرشتگان و استراحتگاه آنها را نزد مقدسین دید.

۱۶ و آنها برای فرزندان انسان دعا و تضرع کرده و شفاعت می‌کردند و دعا کردند و عدالت مانند آب در برابر آنها جاری شد و رحمت مانند شبنم بر زمین؛ این چنین است در میان آنها تا ابدالاباد.

۱۷ و در آن مکان چشمان من جایگاه برگزیدگان عدالت و ایمان را دید که محل سکونت آنها زیر بالهای خداوند روح و جان قرار دارد.

۱۸ در ایام ایشان عدالت غالب خواهد شد و صالحان و برگزیدگان بی شماری تا ابدالاباد در مقابل او خواهند بود.

۱۹ و جمیع صالحان و برگزیدگان در حضور او مانند نور آتش و چراغهای آتشین نیرومند و درخشان خواهند بود و دهان ایشان پر از برکت و لبهای ایشان نام خداوند روح و جان را می‌ستایند و عدالت و انصاف در حضور او هرگز از بین نخواهد رفت.

۲۰ دوست داشتم در آنجا ساکن شوم، و روح و جان من در آرزوی آن مکان بود، و سهم و قرعه من از قبل برای سکونت در آنجا تعیین شده بود. زیرا این امر در مورد من بواسطه حضور در مقابل خداوند روح‌ها ثابت شده است.

۲۱ در آن روزها نام خداوند روح و جان را با برکت و حمد و ستایش تمجید کردم، زیرا او مرا به برکت و جلال بر حسب رضامندی خداوند روح و جان، چنین مقدر کرده است.

۲۲ برای مدتی طولانی چشمانم به آن مکان می‌نگریست و خداوند را متبارک خوانده و ستایش می‌کردم و گفتم: «خوشا به حال او و از ازل تا ابدالابد متبارک باد. و در حضور او هیچ پایان و انتهایی نیست. جهان آفریده شد همان گونه که باید برای همیشه باشد حتی برای نسل‌های آینده و از نسلی به نسل دیگر چنین خواهد بود.»

۲۳ کسانی که نمی‌خواهند تو را متبارک می‌خوانند و در برابر جلال تو می‌ایستند و تو را حمد و ستایش کرده و تمجید می‌کنند و می‌گویند: «قدوس، قدوس، قدوس، خداوند روح و جان که زمین را مملو از روح و جان کرده است.»

۲۴ در آنجا چشمان من همه کسانی را مشاهده کرد که نمی‌خواهند. در حضور او ایستاده، او را متبارک خوانده و می‌گویند: «متبارک است، و نام خداوند تا ابدالابد متبارک باد.» و صورتم دگرگون شد، چون دیگر نمی‌توانستم چیزی ببینم.

۲۵ و پس از آن هزاران هزار و ده هزار برابر ده هزار را دیدم، جماعت انبوهی را دیدم که بیش از حد و حساب بودند و در حضور خداوند روح و جان ایستاده بودند.

۲۶ و در چهار طرف خداوند روح و جان، چهار چهره متفاوت از آنهایی را دیدم که نمی‌خواهند و ایستاده بودند، و متوجه نام آنها شدم، زیرا فرشته‌ای که با من آمده بود نام آنها را به من آشکار کرد و همه چیزهای پنهان را به من نشان می‌داد.

۲۷ و صدای آن چهار چهره را شنیدم که در حضور خداوند جلال، حمد و ستایش می‌کردند.

۲۸ صدای اولین چهره، خداوند روح و جان را تا ابدالابد متبارک می‌خواند.

۲۹ و صدای دوم را شنیدم که برگزیدگان و منتخبانی را که به خداوند روح و جان وابسته هستند را برکت می‌داد.

۳۰ و صدای سوم را شنیدم که برای ساکنان زمین دعا و شفاعت می‌کند و به نام خداوند روح و جان تضرع و درخواست می‌کرد.

۳۱ و صدای چهارم را شنیدم که شیاطین را می‌راند و آنها را از آمدن به حضور خداوند روح و جان برای متهم کردن ساکنان روی زمین منع می‌کرد.

۳۲ پس از آن از فرشته صلح و سلامتی که با من می‌آمد و هر آنچه را که پنهان

است به من نشان می‌داد چنین پرسیدم: «این چهار چهره‌ای که مشاهده کردم و سخنانشان را شنیده و نوشته‌ام چه کسانی هستند؟»

۳۳ او به من گفت: «اول نفر میکائیل مهربان و صبور است، و دومی رافائل است که مسئول همه بیماریها و همه جراحات نسل بشر است که به آن مبتلا می‌شوند، و سومی که جبرئیل است که بر تمام قدرتها منصوب شده است و چهارمی که مسئول توبه و امید کسانی است که وارث حیات جاودانی خواهند شد، فانوئیل نام دارد.»

۳۴ و اینها چهار فرشته خداوند روح و جان و چهار صدایی هستند که در آن روزها شنیدم.

۳۵ و پس از آن، همه اسرار آسمان را دیدم، و اینکه چگونه پادشاهی را تقسیم می‌کنند، و چگونه اعمال مردم در ترازوی عدالت سنجیده می‌شود.

۳۶ و در آنجا خانه‌های برگزیدگان و خانه‌های بزرگ مقدسین را دیدم، و چشمان من در آنجا همه گناهکارانی را دید که نام خداوند روح و جان را انکار کرده‌اند و از آنجا رانده شده و کشیده می‌شوند و نمی‌توانستند بمانند، به خاطر عذابی که از جانب خداوند روح و جان بر آنها نازل شده بود.

۳۷ در آنجا چشمانم اسرار رعد و برق و صاعقه را مشاهده کردند و اسرار بادها را دیدم که چگونه تقسیم شده و بر زمین می‌وزند و اسرار ابرها و شبنم و تمامی اینها را دیدم که از آنجا بیرون رفته و به کجا می‌روند. دیدم از کجا در آن مکان حرکت می‌کنند و اینکه از آنجا چگونه زمین را از گرد و غبار اشباع می‌کنند.

۳۸ در آنجا انبارهای در بسته‌ای را دیدم که بادها از آنجا پخش می‌شوند، و انبار تگرگ، انبار مه و انبار ابرها. و اینکه این ابرها از آغاز جهان بر روی زمین شناور بوده‌اند.

۳۹ اتاق‌های خورشید و ماه را دیدم که از کجا بیرون می‌روند و به کجا باز می‌گردند، و بازگشت با شکوه آنها را مشاهده کردم که چگونه یکی بر دیگری برتری دارد، و مدار با شکوه آنها را، و اینکه چگونه از مدار خود خارج نمی‌شوند، و چیزی بر مدار خود نه اضافه و نه چیزی از آن کم می‌کنند. و اینکه چگونه به یکدیگر اعتماد دارند و عهد و پیمان خود را رعایت می‌کنند.

۴۰ و اول خورشید بیرون می‌آید و مسیر خود را طبق فرمان خداوند روح و جان طی می‌کند که نام او تا ابدالاباد مقتدر و متعال است.



۴۱ و بعد از آن، مسیر پنهان و آشکار ماه را دیدم، و او مسیر راه خود را در آن مکان در روز و شب طی می‌کند، و در حضور خداوند روح و جان، موقعیت مکانی یکی درست در مقابل دیگری قرار دارد.

۴۲ آنها شکر و ستایش می‌کنند و از حمد گفتن باز نمی‌ایستند. زیرا شکرگزاری آنها برای ایشان همانا آرامش است.

۴۳ زیرا خورشید بطور متناوب و غالباً برای برکت دادن یا لعنت کردن تغییر می‌کند. و مسیر ماه به نام خداوند برای صالحان نور و برای گناهکاران تاریکی است. خداوند نور و ظلمت را از هم جدا ساخت و روح بشر را تقسیم کرد و روح صالحان را به نام عدالت خود، تقویت و استوار می‌سازد.

۴۴ زیرا هیچ فرشته‌ای مانع از آن نمی‌شود و هیچ قدرتی نیز نمی‌تواند مانع آن شود. زیرا داور این دنیا، همه آنها را می‌بیند و خودش همه آنها را داوری می‌کند.

۴۵ حکمت جایی برای سکونت نیافت، سپس در آسمان برای او مسکنی تعیین شد.

۴۶ حکمت بیرون آمد تا در میان نسل بشر ساکن شود و هیچ مسکنی نیافت.

۴۷ حکمت به جای خود بازگشت و همنشین فرشتگان شد.

۴۸ و بی عدالتی و چیزی غیر قابل توجیه از حجره‌های او جاری شد و آنانی را که نخواست، یافت و با آنها ساکن شد، مانند باران در بیابان و شب‌نم در زمین تشنه.

۴۹ من دوباره صاعقه و رعد و برق و ستارگان آسمان را مشاهده کردم و دیدم که چگونه همه آنها را به نامشان خواند و آنها از او اطاعت کردند.

۵۰ و دیدم که چگونه آنها را در ترازوی عدالت به نسبت نورشان، پهنای قلمرو و روز ظهورشان می‌سنجد، و چگونه از گردش آنها برق می‌آفریند، و گردش آنها مطابق با تعداد فرشتگان است، و آنها به یکدیگر کاملاً اعتماد دارند.

۵۱ از فرشته‌ای که با من می‌آمد و آنچه را که پنهان بود به من نشان می‌داد پرسیدم: اینها چیست؟

۵۲ او به من گفت: «بطور قطع خداوند روح و جان شبیه آنها را به تو نشان داده است: این نامهای مقدسانی است که در زمین ساکن هستند و به نام خداوند روح و جان تا ابدالابد ایمان دارند.»

۵۳ همچنین پدیده دیگری در رابطه با رعد و برق دیدم که چگونه برخی از ستارگان طلوع می‌کنند و تبدیل به صاعقه می‌شوند اما نمی‌توانند از شکل جدید خود جدا شوند.



## تمثیل دوم

۱ این مَثَل دوم دربارهٔ کسانی است که نام مسکن مقدّسان و خداوند روح و جان را انکار می‌کنند.

۲ نه به آسمان بالا خواهند رفت و نه در زمین خواهند ماند. سهم گناهکارانی که نام خداوند روح و جان را انکار کرده‌اند، چنین خواهد بود. و به این ترتیب آنها برای روز بلا و مصیبت نگه داشته می‌شوند.

۳ در آن روز برگزیدگان خداوند بر تخت جلال خواهند نشست و اعمال ایشان مورد سنجش قرار خواهد گرفت و مکانهای استراحت ایشان بی شمار خواهد بود. و روح و جان آنها با دیدن برگزیدگان من در درونشان قوی خواهد شد.

۴ من برگزیدگان خود را در میان کسانی که نام پُر جلال مرا خوانده‌اند ساکن خواهم کرد.

۵ آسمان را دگرگون می‌سازم و آن را نعمت و نور جاویدان می‌سازم و زمین را دگرگون ساخته و آن را سبب برکت می‌سازم، و برگزیدگانم را در آن ساکن می‌کنم، اما گناهکاران و بدکاران روی آن پا نخواهند گذاشت.

۶ زیرا من صالحان خود را مورد عنایت قرار داده و آنها را خشنود کردم و آنها را در حضور خود ساکن ساختم، اما داوری من برای گناهکاران نزدیک و در پیش است تا آنها را از روی زمین هلاک و نابود کنم.

۷ در آنجا کسی را دیدم که سر او انباشته از ایام و مانند پشم سفید بود. و با او موجود دیگری بود که ظاهری شبیه انسان داشت و صورتش مانند یکی از فرشتگان مقدس پر از فیض و رحمت بود.

۸ از فرشته‌ای که با من می‌آمد و همه چیزهای پنهان را به من نشان می‌داد، در مورد

آن پسر انسان پرسیدم که او کیست و از کجاست و چرا با آنکه مالک ایام بود، رفته است.

۹ او پاسخ داد و به من گفت: «این پسر انسان است که عدالت به همراه دارد. عدالت نزد او ساکن است و همه خزائن پنهان را آشکار می‌کند. زیرا خداوند روح و جان، او را برگزیده است و سهم او در راستی چنان است که در برابر خداوند روح و جان تا ابد برتری دارد.

۱۰ و این پسر انسان را که دیدی، پادشاهان را از تاج و تخت و از قدرت برکنار خواهد کرد و افسار نیرومندان را باز کرده و دندان گناهکاران را خواهد شکست. زیرا آنها او را تمجید و ستایش نمی‌کنند و با فروتنی او را مورد تصدیق قرار نمی‌دهند که سلطنت ایشان از کجا به آنها بخشیده و داده شده است.

۱۱ او چهره نیرومندان را فرو خواهد افکند و آنها را از شرم لبریز خواهد کرد. تاریکی مسکن آنها، و کرمها بستر آنها خواهد بود. آنها امیدی به برخاستن از بستر خود نخواهند داشت زیرا نام خداوند روح و جان را تمجید نمی‌کنند.

۱۲ اینها کسانی هستند که ستارگان آسمان را داوری می‌کنند! زمین را زیر پا می‌گذارند و در آن ساکن می‌شوند.

۱۳ تمام اعمال ایشان نشان از ناراستی آشکار دارد و قدرت ایشان بر ثروت ایشان استوار است.

۱۴ ایمانشان به خدایی است که با دستان خود ساخته‌اند و نام خداوند روح و جان را انکار می‌کنند.

۱۵ به خانه‌های جماعت خداوند و ایماندارانی که به نام خداوند روح و جان وابسته هستند جفا می‌کنند.

۱۶ و در آن روزها دعای نیکوکاران و خون صالحان از روی زمین به حضور خداوند روح و جان بالا خواهد رفت.

۱۷ در آن روزها مقدّسانی که در بالا و در آسمانها ساکنند، با یک صدا متحد خواهند شد و دعا و نیایش و ستایش خواهند کرد، شکرگزاری خواهند کرد و نام خداوند روح و جان را متبارک خواهند داد به نیابت از خون صالحانی که ریخته شده است.

۱۸ برای اینکه دعای صالحان در حضور خداوند روح و جان بیهوده نخواهد بود و بر

زمین نخواهد افتاد، و داوری عادلانه خداوند بر آنها جاری شده و تا ابد رنج نخواهند برد.

۱۹ در آن روزها آنکه مالک ایام است را دیدم که بر تخت جلال خود نشسته و کتابهای زندگان در حضور او گشوده شد و تمامی لشکر او که در بالا در آسمان است و مشاورانش در حضور او ایستادند.

۲۰ و دل‌های مقدسین پر از شادی شد زیرا تعداد عادلانی که دعا می‌کردند به حدی رسیده بود که شنیده شده باشد و فریاد دادخواست خون صالحان به حضور خداوند روح و جان رسیده بود.

۲۱ در آن مکان چشمه عدالت را دیدم که تمام نشدنی بود. و چشمه‌های حکمت بسیار آن را احاطه کرده بودند و همه تشنگان از آنها نوشیدند و پر از حکمت شدند و خانه آنها نزد صالحان و مقدسان و برگزیدگان بود.

۲۲ و در آن ساعت نام پسر انسان به حضور خداوند روح و جان خوانده شد و نام او در پیشگاه آنکه مالک ایام بود نیز خوانده شد.

۲۳ آری، حتی قبل از خلقت خورشید و برج‌های فلکی، قبل از ساخته شدن ستارگان آسمان، نام او در برابر خداوند روح و جان نامیده می‌شد.

۲۴ او عصایی است برای صالحان و مقدسان تا بر او تکیه کنند و نیفتند و نور امتها و امید دل‌های پریشان و ناامید خواهد بود.

۲۵ همه ساکنان زمین در مقابل او سر تعظیم فرو خواهند آورد و او را پرستش کرده و خداوند روح و جان را با سرودها و با مزامیر ستایش و تمجید خواهند کرد.

۲۶ و به همین دلیل او قبل از خلقت جهان و برای همیشه برگزیده شده و در حضور او پنهان نگاه داشته شده است.

۲۷ و حکمت خداوند روح و جان او را به قدوس و صالحان نشان داده است زیرا او قسمت و نصیب صالحان را حفظ کرده است زیرا آنها از این دنیای گناه و ناراستی متنفر و طرد شده‌اند و از همه اعمال و راه‌های آن به نام خداوند روح و جان منزجر بوده‌اند. زیرا به نام او نجات می‌یابند و زندگی آنها بر حسب رضایت او بوده است.

۲۸ در این ایام آشفته، پادشاهان زمین به خاطر اعمال دست‌های خود، صاحب زمین و نیرومند خواهند شد. اما در روز اندوه و مصیبت نمی‌توانند خود را نجات دهند و من

آنها را به دست برگزیدگان خود خواهم سپرد.

۲۹ مانند کاه در آتش، در برابر صالحان خواهند سوخت، و مانند سرب در آب، در برابر چهره عادلان فرو خواهند رفت و دیگر اثری از آنها یافت نخواهد شد.

۳۰ و در روز مصیبت آنها در زمین آرامش خواهد بود و در برابر صالحان سقوط خواهند کرد و دیگر بر نخواهند خاست. هیچ کس نیست که آنها را با دستان خود بگیرد و بلند کند، زیرا آنها خداوند روح و جان و مسیح او را انکار کرده‌اند. نام خداوند روح و جان متبارک باد.

۳۱ زیرا که حکمت مانند آب فرو ریخته می‌شود و جلال تا ابد در حضور او از بین نخواهد رفت.

۳۲ زیرا او در تمامی اسرار راستی و ناراستی توانا و قادر است و ناراستی مانند سایه ناپدید خواهد شد و دیگر وجود نخواهد داشت. زیرا برگزیده در برابر خداوند روح و جان ایستاده است و جلال او تا ابدالابد و قدرت او برای همه نسلها تا ابد باقی است.

۳۳ و روح حکمت و روح عقل و بینش، و روح فهم و قدرت، و روح کسانی که در عدالت راه می‌روند در او ساکن است.

۳۴ و او امور پنهانی را داوری خواهد کرد و هیچ کس نمی‌تواند در برابر او سخنی بیهوده و یا دروغ بگوید، زیرا او در حضور خداوند روح و جان ایستاده و برگزیده خداوند بر حسب رضایت او عمل می‌کند.

۳۵ در آن روزها تغییری برای مقدسان و برگزیدگان رخ خواهد داد؛ نور روزها بر آنها خواهد بود و جلال و افتخار و عزت به مقدسین باز خواهد گشت.

۳۶ در روز مصیبت که در آن بلا و عذاب برای گناهکاران انباشته می‌شود. صالحان به نام خداوند روح و جان پیروز می‌شوند و او این را به دیگران نشان می‌دهد تا توبه کنند و از اعمال بد خود دست بکشند.

۳۷ آنها در پیشگاه خداوند روح و جان هیچ عزتی نخواهند داشت، اما به واسطه نام او نجات خواهند یافت، و خداوند روح و جان بر آنها رحم خواهد کرد زیرا رحمت او بسیار است.

۳۸ و او نیز در داوری خود عادل است و در برابر جلالش، ظلم نمی‌تواند در مقابل داوری او ایستادگی کند.

۳۹ «و از این پس، من بر آنها رحم نخواهم کرد.» خداوند روح و جان چنین می‌گوید.  
 ۴۰ در آن روزها زمین نیز آنچه را که به او سپرده شده است باز خواهد گرداند. دوزخ  
 نیز آنچه را که به او سپرده شده و دریافت کرده است پس خواهد داد و جهنم نیز آنچه  
 را که مدیون است بر می‌گرداند.

۴۱ زیرا در آن روزها برگزیده بر می‌خیزد و صالحان و مقدسان را از میان ایشان بر  
 می‌گزیند.

۴۲ زیرا نزدیک است آن روزی که باید نجات یابند.

۴۳ و برگزیده در آن روزها بر تخت خود خواهد نشست و دهان او تمامی اسرار حکمت  
 و اندرز را خواهد گفت زیرا خداوند روح و جان او را تعیین کرده و جلال داده است.

۴۴ در آن روزها کوه‌ها مانند قوچ خواهند پرید و تپه‌ها نیز مانند بره‌های سیر شده از  
 شیر جست و خیز خواهند کرد و چهره فرشتگان از شادی در آسمان نورانی خواهد شد.

۴۵ در آن روزها برگزیده برخواهد خاست و زمین شاد خواهد شد. و صالحان در آن  
 ساکن خواهند شد و برگزیدگان بر آن راه خواهند رفت.

۴۶ و پس از آن روزها، در آن مکان که همه رؤیاهای پنهان را دیده بودم، طوفان و  
 گردباد مرا با خود برده و به مغرب آورد.

۴۷ در آنجا چشمان من اسرار آسمان را دیدند. و هر آنچه روی زمین رخ خواهد داد:  
 کوهی از آهن، کوهی از مس، و کوهی از نقره، و کوهی از طلا، و کوهی از فلز نرم و  
 کوهی از سرب.

۴۸ از فرشته‌ای که همراه من بود پرسیدم: «این چه چیزهایی است که من در نهان  
 دیده‌ام؟»

۴۹ او به من گفت: «همه این چیزهایی که دیدی، در خدمت مسح شده او خواهند  
 بود تا او بر روی زمین قدرتمند و توانا باشد.»

۵۰ و آن فرشته صلح و سلامتی پاسخ داد و به من گفت: «کمی صبر کن تا همه  
 چیزهای پنهانی که خداوند روح و جان را احاطه کرده است، بر تو آشکار شود.»

۵۱ و این کوهها را که چشم تو دیده است، کوه آهن و کوه مس و کوه نقره و کوه طلا  
 و کوه فلز نرم و کوه سرب.

۵۲ همه اینها در حضور برگزیده مانند موم در برابر آتش خواهند بود و مانند آبی که از بالای کوهها سرازیر می‌شوند اما در مقابل پای او ناتوان خواهند شد.

۵۳ در آن روزها واقع خواهد شد که هیچ کس با طلا یا نقره نجات نخواهد یافت و هیچ کس نمی‌تواند خود را نجات داده یا فرار کند.

۵۴ هیچ آهنی برای جنگ افزار نخواهد بود. و نه موادی برای درست کردن زره وجود خواهد داشت. همچنین هیچ کس سینه پوش جنگ نمی‌پوشد. از برنز هیچ استفاده‌ای نخواهد داشت و قلع دیگر هیچ ارزشی ندارد و هیچ کس دیگر خواستار و طالب سرب نیست.

۵۵ هنگامی که برگزیده ظاهر شود، همه این چیزها از روی زمین محو و نابود خواهد شد.»

۵۶ من نگاه کردم و به قسمت دیگری از زمین برگشتم و در آنجا دره‌ای عمیق با آتش سوزان دیدم و آنها پادشاهان و قدرتمندان را آوردند و شروع به انداختن آنها در این دره عمیق کردند.

۵۷ و در آنجا چشمانم دیدند که چگونه این آلات و ادوات و زنجیرهای آهنین با وزن غیر قابل قیاس را ساختند.

۵۸ و از فرشته صلح و سلامتی که همراه من بود پرسیدم: «این زنجیرها برای چه کسی آماده می‌شود؟»

۵۹ و او به من گفت: «اینها برای لشکرهای عزازیل آماده می‌شوند تا آنها را بگیرند و به ورطه محکومیت کامل بیندازند و آرواره‌های آنها را با سنگ‌های ناهموار بپوشانند همانطور که خداوند روح و جان امر کرده است.»

۶۰ میکائیل و جبرئیل و رافائیل و فانوئیل آنها را در آن روز بزرگ گرفته و در آن روز در کوره سوزان خواهند انداخت تا خداوند روح و جان از آنها انتقام بگیرد به خاطر ناراستی آنها در تبعیت از شیطان و گمراه نمودن ساکنان روی زمین.

۶۱ و در آن روزها عذاب از جانب خداوند روح و جان نازل خواهد شد و او تمام انبار و مخازن آب را که بالای آسمانها و چشمه‌هایی را که در زیر زمین است باز خواهد کرد.

۶۲ تمام آبها به آبهای بالای آسمان ملحق خواهند شد، آبی که بالای آسمان است مذکر است و آبی که در زیر زمین است مؤنث است.

۶۳ و این آنها همه ساکنان زمین و ساکنان زیر پایین‌ترین آسمان را نابود خواهند کرد. و آنگاه متوجه ظلم خود خواهند شد که در زمین مرتکب شده‌اند و به گناه خود اعتراف خواهند کرد، و بدین وسیله هلاک می‌شوند.

۶۴ و بعد از آن، مالک ایام توبه کرد و گفت: «بیهوده همه ساکنان زمین را هلاک کردم».

۶۵ و او به نام اعظم خود سوگند یاد کرد: «از این پس با همه ساکنان زمین چنین نخواهم کرد و در آسمان نشانه‌ای قرار خواهم داد و این پیمان حسن نیت بین من و آنها برای همیشه خواهد بود.» همانطور که آسمان بالای زمین است و این مطابق فرمان من است.

۶۶ هنگامی که بخواهم در روز مصیبت و رنج و در روز داوری، آنها را به دست فرشتگان بسپارم، آنگاه عذاب و غضب خود را بر آنها جاری خواهم کرد.» خداوند، خدای روح و جان این را می‌گوید.

۶۷ ای پادشاهان توانا که بر روی زمین ساکن هستید، باید برگزیده من را ببینید. چگونه بر تخت جلال می‌نشیند و عزازیل و همه یارانش و همه لشکریانش را به نام خداوند روح و جان داوری می‌کند.

۶۸ و در آنجا لشکرهای فرشتگان عذاب را دیدم که می‌رفتند و تازیانه‌ها و زنجیرهای آهنین و برنزی به دست داشتند.

۶۹ و از فرشته صلح و سلامتی که همراه من بود پرسیدم: «اینان که تازیانه‌ها را می‌گیرند به دنبال چه کسی می‌روند؟»

۷۰ و او به من گفت: «به طرف برگزیدگان و عزیزانشان، تا در اعماق پرتگاه دره افکنده شوند.»

۷۱ و سپس آن دره از برگزیدگان و محبوبان آنها پر خواهد شد، و روزهای زندگی آنها به پایان خواهد رسید، و روزهای گمراهی آنها به پایان رسیده و از آن پس محاسبه نخواهد شد.

۷۲ در آن روزها فرشتگان گرد هم می‌آیند و به سمت شرق رفته و بر پارت‌ها و مادها هجوم می‌آورند

۷۳ آنها پادشاهان را برانگیخته خواهند کرد تا روحی آشفته و ناآرام بر آنها نازل شود و



آنها را از تاج و تخت خود بلند خواهند کرد تا مانند شیرها از لانه‌های خود بیرون آمده و مانند گرگ‌های گرسنه در میان گله‌های خود به بیرون بیایند.

۷۴ آنها خواهند رفت و زمین برگزیدگان مرا زیر پا خواهند گذاشت، اما شهر صالحان مانعی برای اسبهای آنها خواهد بود.

۷۵ و آنها شروع به جنگ با یکدیگر خواهند کرد و دست راستشان بر ضد خودشان قوی خواهد شد.

۷۶ هیچ مردی برادر خود را نخواهد شناخت، و هیچ پسری نه پدر و نه مادرش را می‌شناسد تا زمانی که با مرگ آنها، اجساد بی شماری بر زمین ریخته شود که مجازات آنها بیهوده نبوده باشد.

۷۷ در آن روزها دوزخ آواره‌های خود را خواهد گشود و در آن بلعیده و نابود خواهند شد. دوزخ گناهکاران را در حضور برگزیدگان خواهد بلعید.»

۷۸ بعد از این واقع شد که من لشکر دیگری از ارابه‌ها را دیدم که مردانی بر آنها سوار بودند و بر بادهای شرق می‌آمدند و از غرب به جنوب می‌رفتند.

۷۹ و صدای سر و صدای ارابه‌های آنها شنیده شد. و چون این اتفاق به وقوع پیوست، مقدسین آن را از آسمان مشاهده کردند و ستون‌های زمین از پایه به لرزه درآمدند. و آن صدا در طول یک روز از انتهای زمین تا انتهای آسمان شنیده می‌شد.

۸۰ آنگاه همه بر زمین خواهند افتاد و خداوند روح و جان را ستایش خواهند کرد. و این پایان مَثَل دوم است.



### مَثَل سوم

۱ و من شروع به بیان مثل سوم در مورد صالحان و برگزیدگان کردم.

۲ خوشا به حال شما صالحان و برگزیدگان، زیرا سهم شما با شکوه خواهد بود.

۳ صالحان در پرتو نور خورشید و برگزیدگان در پرتو حیات جاودانی خواهند بود.

۴ روزهای زندگی آنها بی پایان و روزهای مقدس آنها بی شمار خواهد بود.

۵ آنها نور را خواهند یافت و نزد خداوند روح و جان عدالت خواهند یافت.

۶ به نام خداوند ابدی برای عادلان سلامتی خواهد بود.

۷ و پس از آن به مقدسین در آسمان گفته خواهد شد که باید اسرار عدالت، و میراث ایمان را جستجو کنند.

۸ زیرا زمین مانند خورشید روشن شده و تاریکی گذشته است.

۹ و نوری خواهد بود که هرگز پایان نمی‌یابد و در روزهای آینده خواهد آمد.

۱۰ زیرا تاریکی ابتدا نابود خواهد شد و نور راستی تا ابد در حضور خداوند روح و جان مستقر خواهد شد.

۱۱ در آن روزها چشمان من اسرار رعد و برقها و نورها و مقررات حاکم بر آنها را مشاهده کرد و آن گونه که خداوند روح و جان می‌خواهد برای برکت یا لعنت، روشن و خاموش می‌شوند.

۱۲ در آنجا اسرار رعد را دیدم، در هنگامی که در آسمان طنین انداز می‌شود، صدای آن شنیده می‌شود.

۱۳ و او به من نشان داد که احکامی که بر روی زمین اجرا می‌شود، خواه برای رفاه و برکت باشد، یا برای لعنت بر اساس کلام خداوند روح و جان است.

۱۴ و پس از آن، تمام اسرار نورها و صاعقه‌ها به من نشان داده شد، که آنها برای جاری ساختن برکت و خشنودی روشن می‌شوند.

۱۵ در سال پانصدم، در ماه هفتم، در روز چهاردهم ماه زندگی خنوخ.

۱۶ در آن مثل دیدم که چگونه لرزه‌ای شدید آسمان آسمان‌ها را به لرزه درآورد، و لشکر حق تعالی و فرشتگان هزار هزار و ده هزار برابر ده هزار به شدت آشفته و مضطرب شدند.

۱۷ مالک ایام را دیدم که بر تخت جلال خود نشسته و فرشتگان و صالحان در اطراف او ایستاده بودند.

۱۸ و دچار لرز شدیدی شده و ترس مرا فرا گرفت و کمرم خم شده و تمام وجودم ذوب شد و بر روی خود افتادم.

۱۹ و میکائیل فرشته دیگری را از میان مقدسین فرستاد و مرا زنده کرد و چون مرا زنده کرد روح من بازگشت. چون طاقت نگاه به این میزبان و هیاهو و لرزش بهشت را نداشتم.

۲۰ میکائیل به من گفت: چرا از چنین رؤیایی مضطرب شدی؟ تا امروز، رحمت او همچنان ادامه یافته است؛ و او نسبت به ساکنان روی زمین مهربان و بردبار بوده است.

۲۱ و هنگامی که آن روز قدرت و عذاب و داوری فرا رسد که خداوند روح و جان برای کسانی آماده کرده است که قوانین عادلانه شریعت را نمی‌پذیرند و برای کسانی که روز عادلانه داوری را انکار می‌کنند و برای کسانی که نام او را به بیهودگی می‌برند. آن روز برای برگزیدگان یک عهد و میثاق است، اما برای گناهکاران یک دادگاه تفتیش عقاید.

۲۲ هنگامی که عذاب خداوند روح و جان بر آنها جاری شود، آنگاه خواهند دانست که مجازات آنها توسط خداوند روح و جان بیهوده نبوده است و فرزندان با مادران خود و فرزندان با پدران خود هلاک خواهند شد.

۲۳ آن داوری بر حسب رحمت و صبر او واقع خواهد شد.»

۲۴ در آن روز دو هیولا از یکدیگر جدا می‌شوند، یک هیولای ماده که نامش لویاتان است، تا در اعماق دریا، و بر فراز چشمه‌های آب ساکن شود.

۲۵ اما نام هیولای نر بهموت است که به قوت سینه خود منطقه‌ای بیابانی به نام دویداین در شرق باغ را اشغال می‌کند که برگزیدگان و صالحان در آن ساکن هستند، جایی که پدر بزرگ من در آن پذیرفته شد، هفتمین نفر از نسل آدم، اولین انسانی که خداوند روح و جان او را خلق کرد.

۲۶ از فرشته دیگر درخواست کردم که قدرت آن هیولاها را به من نشان دهد چگونه در یک روز از هم جدا شدند و یکی به ورطه و اعماق دریا و دیگری به خشکی بیابان انداخته شد.

۲۷ او به من گفت: «ای پسر انسان، در اینجا می‌خواهی آنچه را که پنهان است بدانی و بشناسی.»

۲۸ و فرشته دیگر که همراه من بود، آنچه را که پنهان بود به من نشان داد به من گفت آنچه را که در آسمان اول و آخر و در بلندی و در زیر زمین و در اعماق و در انتهای

آسمان و بر ستونهای آسمان است.

۲۹ و مکان ذخیره بادها، و نحوه تقسیم بادها، و وزن کردن و سنجیدن آنها، و نحوه محاسبه دریچه بادها، که هر کدام برحسب قدرت باد شمرده می‌شوند و قدرت نور ماه، و بر حسب قدرتی که براننده آن است؛ و تقسیمات ستارگان بر حسب نام و نحوه تقسیم همه تقسیمات.

۳۰ و رعدها برحسب مکانهایی که می‌افتند، و همه تقسیماتی که در میان صاعقه‌ها ایجاد می‌شود تا بدرخشند، و لشکر آنها که فوراً اطاعت می‌کنند.

۳۱ برای رعد، فواصل معینی برای انتظار در نظر گرفته شده است و رعد و برق از هم جدایی ناپذیرند، گرچه یکی و غیر قابل تقسیم نیستند، اما هر دو با هم از طریق یک روح به طور جدایی ناپذیر حرکت می‌کنند.

۳۲ زیرا هنگامی که رعد و برق می‌درخشد، رعد صدای خود را به گوش می‌رساند و روح در وقت مناسب آن را آرام می‌کند و بین آنها به طور مساوی تقسیم می‌شود. زیرا انبار زمان وقوع آنها مانند شن است. و هر یک از آنها در زمان مناسب به وسیله افساری نگه داشته می‌شود و با نیروی روح به عقب بر می‌گردد و به همین ترتیب به تعداد مناطق زمین به جلو رانده می‌شود.

۳۳ روح دریا مذکر و نیرومند است و روح به قدر قوت خویش آن را با افسار به عقب می‌کشد و به همین ترتیب به جلو رانده می‌شود و در میان تمام کوه‌های زمین پراکنده می‌شود.

۳۴ روح یخبندان فرشته خود را دارد و روح تگرگ نیز فرشته نیکو و خوبی است.

۳۵ روح برف به خاطر قدرتش مکانش را ترک کرده است و روح خاصی در آن است و آنچه از آن بر می‌خیزد مانند دود است و نامش یخبندان است.

۳۶ انبار ذخیره روح مه با آنها مشترک نیست، بلکه انبار مخصوصی دارد. زیرا مسیرش هم در روشنایی و تاریکی و هم در زمستان و تابستان با شکوه است و در انبارش فرشته‌ای وجود دارد.

۳۷ و روح شب‌نم در انتهای آسمان ساکن است و به انبارهای باران متصل است و

مسیرش در زمستان و تابستان است و ابرهای آن و ابرهای مه به هم پیوند خورده و از انبارهای یکدیگر استفاده می‌کنند.

۳۸ هنگامی که روح باران از انبار خود حرکت می‌کند، فرشتگان می‌آیند و انبار را باز می‌کنند و آنرا بیرون می‌آورند. و چون در تمام زمین پراکنده می‌شود به تمام آبی که در زمین است می‌پیوندد. و هرگاه با آبی که در زمین است ملحق شود. (...).

۳۹ زیرا آنها برای ساکنان زمین است. زیرا آنها خوراک زمین از طرف خدای متعال هستند که در آسمان ساکن است، بنابراین برای باران اندازه‌ای معین در نظر گرفته شده است است و فرشتگان آن را بر عهده می‌گیرند.

۴۰ و این چیزهای را من در ارتباط با باغ صالحان دیدم.

۴۱ و فرشته سلامتی که با من بود به من گفت: «این دو هیولا که مطابق با عظمت خداوند آماده شده‌اند، تغذیه خواهند کرد.»

۴۲ و در آن روزها دیدم که تا چه حد طناب‌هایی به آن فرشتگان داده شد، و آنها بال‌هایی به خود گرفتند و پرواز کردند و به طرف شمال رفتند.

۴۳ و من از فرشته پرسیدم، و به او گفتم: «چرا آن فرشتگان این طناب‌ها را گرفته و رفتند؟»

۴۴ و او به من گفت: «آنها برای اندازه‌گیری رفته‌اند.»

۴۵ و فرشته‌ای که با من آمده بود به من گفت: «اینها تدابیر نیکوکاران و ریسمانهای صالحان را برای پرهیزگاران خواهند آورد تا آنها تا ابدالابد بر نام خداوند روح و جان تکیه کنند.

۴۶ برگزیدگان با برگزیدگان زندگی خواهند کرد، و این تدابیر و سنجشها به ایمان افزوده خواهد شد و سبب تقویت و استحکام عدالت خواهد شد.

۴۷ و این اقدامات و اندازه‌گیری‌ها، تمام اسرار اعماق زمین را آشکار خواهد کرد، یعنی آنانی که در صحرا هلاک شده‌اند و آنانی که جانوران آنان را بلعیده‌اند و آنانی که توسط ماهیان دریا خورده شده‌اند؛ تا بازگشت کرده و در روز برگزیدگان حضور داشته باشند. زیرا هیچ کس در حضور خداوند روح و جان هلاک نخواهد شد و هیچ کس نمی‌تواند نابود شود.»

۴۸ و همه کسانی که در آسمانهای بالا هستند فرمانی دریافت کردند و قدرت و صدای

واحد و نوری مانند آتش به آنها داده شد.

۴۹ و او را پیش از هر چیز دیگری و با اولین سخنان خود مبارک خوانده و تمجید کردند و او را با حکمت تبرک نمودند.

۵۰ و آنها در سخن گفتن و در روح زندگی دارای حکمت بودند.

۵۱ و خداوند روح برگزیدگان را بر تخت جلال قرار داد. و همه اعمال مقدسین را در آسمان برین داوری خواهد کرد و اعمال آنها در ترازو سنجیده خواهد شد.

۵۲ و اینچنین خداوند به پادشاهان و قدرتمندان و بلند مرتبه‌ها و ساکنان روی زمین دستور داد و گفت: «چشم‌های خود را باز کنید و با افتخار سر خود را بلند کنید، چنانچه بتوانید برگزیده را تشخیص دهید.»

۵۳ و خداوند روح و جان، او را بر تخت جلال خود خواهد نشاند و روح عدالت بر او ریخته خواهد شد. ۵۴ و کلام دهان او جمیع گناهکاران را نابود می‌کند و همه ستمکاران در مقابل او هلاک می‌شوند.

۵۵ و در آن روز جمیع پادشاهان و قدرتمندان و بلند پایگان و کسانی که زمین در دستان آنهاست، خواهند ایستاد و خواهند دید و متوجه خواهند شد که چگونه او بر تخت جلال خود نشسته است.

۵۶ عادلان در برابر او به عدالت داوری می‌شوند و هیچ سخن دروغ و بیهوده‌ای در مقابل او گفته نمی‌شود.

۵۷ آنگاه دردی بر آنان نازل می‌شود، مانند زنی که در حال زایمان است و هنگامی که فرزندش به دهانه رحم وارد می‌شود و به سختی و با درد فراوان زایمان می‌کند.

۵۸ نیمی از آنها به نیمی دیگر نگاه می‌کنند و هراسان می‌شوند و چهره‌های خود را فرو می‌اندازند و درد آنها را فرا خواهد گرفت، وقتی که پسر انسان را ببینند که بر تخت جلال خود نشسته است.

۵۹ و پادشاهان مقتدر و زورمندان و جمیع صاحبان زمین، او را که بر همه پنهان بود و بر همه چیز فرمانروایی می‌کند، ستایش و تمجید کرده و متبارک خواهند خواند.

۶۰ زیرا پسر انسان از ابتدا پنهان بود و خداوند متعال او را در حضور قوت خود حفظ کرد و او را فقط به برگزیدگان آشکار ساخت.

۶۱ و جماعت برگزیدگان و مقدّسین جمع خواهند شد و همه برگزیدگان در آن روز در حضور او خواهند ایستاد.

۶۲ و همه پادشاهان و قدرتمندان و بلند پایگان و کسانی که بر زمین حکمرانی می‌کنند، در حضور او به روی خود خواهند افتاد و او را ستایش کرده و امید خود را بر پسر انسان قرار خواهند داد و از او طلب رحمت خواهند کرد.

۶۳ با این وجود، خداوند روح و جان آنچنان آنها را تحت فشار قرار خواهد داد که با عجله از حضور او بیرون خواهند رفت، و چهره‌هایشان پر از شرم خواهد شد، و تاریکی در چهره‌هایشان عمیق‌تر فرو خواهد رفت.

۶۴ و آنها را به دست فرشتگان عذاب خواهد سپرد تا از آنها انتقام بگیرند زیرا به فرزندان و برگزیدگانش ستم کرده‌اند.

۶۵ آنها برای پرهیزگاران و برگزیدگان او رویدادی تماشایی خواهند بود و بر آنها شادی خواهند کرد زیرا غضب خداوند روح و جان بر آنها فرود آمده و شمشیر او از خون آنها مست شده است.

۶۶ و صالحان و برگزیدگان در آن روز نجات خواهند یافت و از آن پس دیگر چهره گناهکاران و ستمکاران را نخواهند دید.

۶۷ و خداوند روح و جان با آنها خواهد ماند و پسر انسان با آنها ساکن خواهد شد، خواهند خورد و خواهند خوابید و برخوانند خاست، تا ابدالابد.

۶۸ و صالحان و برگزیدگان از روی زمین برخاسته و دیگر چهره‌ای فرومایه نخواهند داشت.

۶۹ و جامه‌های جلال خواهند پوشید و اینها جامه‌های حیات از جانب خداوند روح و جان خواهد بود؛ و جامه آنها کهنه و فرسوده نخواهد شد. و جلال آنها در حضور خداوند روح و جان از بین نرفته و ناپدید نخواهد شد.

۷۰ در آن ایام، قدرتمندان و پادشاهانی که زمین را در اختیار خود دارند از فرشتگان عذاب خود که به دست آنها تسلیم شده‌اند التماس خواهند کرد که اندکی به آنها مهلت دهند تا در حضور خداوند روح و جان به زمین بیفتند و او را ستایش کرده و در حضور او به گناهان خود اعتراف کنند.

۷۱ و خداوند روح و جان را متبارک خوانده و حمد خواهند گفت و چنین می‌گویند:

«متبارک است خداوند روح و جان و پادشاه پادشاهان و خداوند عزتمند، و خداوند توانگر و پُر جلال، و خداوند حکمت و شکوه؛ که همه چیزهای پنهان در پیش روی تو آشکار است و قدرت تو برای همه نسل‌ها و جلال تو تا ابدالابد است.

۷۲ همه اسرار تو عمیق و بی شمار است و عدالت تو بی حساب و غیر قابل محاسبه است. ما اکنون متوجه شده‌ایم و می‌دانیم که باید خداوند پادشاهان و کسی که بر همه پادشاهان پادشاه است را تجلیل و تمجید کنیم.»

۷۳ و گویند: «ای کاش به مهلت داده می‌شد تا او را حمد و شکر کنیم و ایمان خود را در برابر جلال او اعتراف کنیم، اکنون ما در آرزوی مهلتی و اندکی آرامش هستیم، اما آن را نمی‌یابیم. ما رانده شده‌ایم و آن را به دست نمی‌آوریم. و نور از پیش روی ما رفته است و تاریکی تا ابدالابد مسکن ما خواهد بود.

۷۴ زیرا ما در حضور او ایمان نیاورده‌ایم و نام خداوند روح و جان را تمجید نکرده و او را به خاطر همه کارهای او ستایش نکرده‌ایم، بلکه امید ما به عصای پادشاهی و جلال خودمان بوده است.

۷۵ و در روز مصیبت ما در روز عذاب، ما را نجات نمی‌دهد و مهلتی برای اعتراف نمی‌یابیم که خداوند ما در همه اعمالش و در داوری‌ها و عدالتش راست و امین است و داوری او برای همه یکسان است.

۷۶ ما به سبب اعمال خود از حضور او رانده می‌شویم و همه گناهان ما دقیقا به عدالت محاسبه می‌شود.» ۷۷ اکنون آنها با خود خواهند گفت: «جان ما از اموالی که از راه گناه به دست آورده‌ایم سیر شده است، اما مانع فرو رفتن ما در شعله‌های عذاب دوزخ نمی‌شوند.»

۷۸ و پس از آن چهره‌های ایشان در حضور پسر انسان پر از تاریکی و شرم خواهد شد، و از حضور او رانده خواهند شد، و شمشیر در مابین او و آنها ساکن خواهد شد.

۷۹ خداوند روح و جان چنین می‌گوید: «این است حکم و داوری درباره زورمندان، قدرتمندان و پادشاهان و بلند پایگان و صاحبان زمین در برابر خداوند روح و جان.»

۸۰ و چیزهای دیگری نیز در آن مکان از نظر پنهان بود که مشاهد کردم؛ صدای فرشته‌ای را شنیدم که می‌گفت: «اینها فرشتگانی هستند که بر زمین سقوط کردند و آنچه را که پنهان بود بر نسل بشر آشکار کردند و فرزندان انسان را برای ارتکاب به گناه، فریب دادند.»



## ولادت نوح

۱ و پس از چند روز پسرمتوشالح برای پسر خود لمک زن گرفت و او از وی حامله شد و پسری به دنیا آورد.

۲ و بدنش مثل برف سفید و مثل غنچه گل سرخ که در حال شکفتن است قرمز بود و موهای سرش و زلف گیسوانش مثل پشم سفید و چشمانش زیبا بود.

و چون چشمانش را باز کرد، تمام خانه را مانند نور خورشید روشن کرد و تمام خانه بسیار درخشان بود.

۳ و هنگامی که در دست قابله بود از جا برخاست و دهان خود را گشود و با خداوند عدالت گفت و گو کرد.

۴ و پدرش لمک از او ترسید و گریخت و نزد پدرش متوشالح رفت.

۵ و به او گفت: «من پسری غریب به دنیا آوردم، متفاوت از انسان، بلکه مانند فرشتگان آسمان است؛ و طبیعت او متفاوت و مانند ما نیست، و چشمانش مانند تابش نور خورشید و چهره او پُر شکوه است.

۶ و به نظرم می‌رسد که او از من سرچشمه نگرفته است، بلکه از فرشتگان برخاسته است، و می‌ترسم که در ایام او کار خارق العاده‌ای بر روی زمین انجام بگیرد. و اکنون، پدرم، من اینجا هستم تا از تو تقاضایی کنم و از تو خواهش کنم که نزد پدر ما خون بروی و حقیقت امر را از او جويا شوی، زیرا محل اقامت او در میان فرشتگان است.

۷ و چون متوشالح سخنان پسر خود را شنید، در انتهای زمین به نزد من آمد. زیرا او شنیده بود که من آنجا هستم و با صدای بلند گریه کرد و من صدای او را شنیدم و نزد او آمدم.

۸ و من به او گفتم: «بنگر، پسر، من اینجا هستم، برای چه به نزد من آمدی؟»

۹ و او پاسخ داد و گفت: «به دلیل نگرانی شدید و به خاطر امر بزرگی نزد تو آمده‌ام، و به خاطر موضوعی که مرا آشفته کرده است به حضور تو آمدم.

۱۰ و اکنون، ای پدرم، سخنان مرا بشنو: برای پسرمتوشالح لمک پسری به دنیا آمده است که

مانند او نیست، و طبیعت او مانند طبیعت انسان نیست و رنگ بدنش سفیدتر از برف و از غنچه گل سرخ قرمزتر و موهای سرش از پشم سفیدتر است و چشمانش مانند پرتو نور خورشید است و وقتی چشمانش را باز کرد تمام خانه را روشن ساخت.

۱۱ و هنگامی که در دست قابله بود از جا برخاست و دهان خود را گشود و خداوند آسمان را متبارک خواند.

۱۲ پدرش لمک ترسید و نزد من گریخت و باور نمی‌کند که این نوزاد از او بوجود آمده است، بلکه او را از فرشتگان آسمان می‌پندارد. و اینک نزد تو آمده‌ام تا حقیقت امر را برای من بازگو کنی.»

۱۳ و من، خنوخ، پاسخ دادم و به او گفتم: «خداوند کارهای جدیدی بر روی زمین انجام خواهد داد، و این را قبلاً در رؤیا دیده‌ام، و به شما اعلام می‌کنم که در نسل پدرم یارد، برخی از فرشتگان آسمان از کلام خداوند سرپیچی کردند.

۱۴ اینک آنها مرتکب گناه شده و از احکام خداوند نافرمانی می‌کنند و با زنان فحشا کرده و با آنها مرتکب زنا و گناه می‌شوند و با برخی از آنها ازدواج می‌کنند و از آنها فرزندان به دنیا می‌آیند.

۱۵ و فرزندان آنها غولهایی خواهند شد که نه بر اساس روح، بلکه بر اساس خواهش جسم متولد شده‌اند، و عذاب و مجازات عظیمی بر زمین نازل می‌شود، که زمین را از هرگونه ناپاکی پاک خواهد کرد.

۱۶ آری، ویرانی عظیمی بر سرتاسر زمین به وقوع خواهد پیوست، و طوفان و سیل بزرگی جاری شده و این ویرانی برای مدت یک سال طول خواهد کشید.

۱۷ و این پسری که برای شما متولد شده است بر روی زمین باقی خواهد ماند و سه فرزند او نیز با وی نجات خواهند یافت.

۱۸ و اکنون به پسر لمک اطلاع بده که فرزند به دنیا آمده در حقیقت پسر اوست و نام او را نوح بگذارید. زیرا او باقیمانده‌ای برای شما خواهد بود و او و پسرانش از هلاکتی نجات خواهند یافت که وقوع آن به سبب تمامی گناهان و تمامی ناراستی‌هایی است که در روزگار او بر روی زمین انجام شده است.

۱۹ اما بعد از این، گناهی بزرگتر از آنچه قبلاً در زمین انجام شده است، انجام خواهد شد. زیرا من اسرار مقدسین را می‌دانم، زیرا خداوند آنها را به من نشان داده و مرا

مطلع کرده است و من آنها را در لوح‌های آسمانی خوانده‌ام.

۲۰ و دیدم که بر آنها نوشته شده است که نسل به نسل تجاوز و ظلم خواهد بود، تا اینکه نسلی از عدالت پدید آید، و عصیان و تجاوز نابود شده و گناه از زمین ناپدید شود، و هر آنچه که نیکوست بر آن نازل شود.

۲۱ و اکنون ای پسرم برو و به پسرتم لمک اطلاع بده که این پسری که به دنیا آمده است، به راستی پسر اوست و این دروغ نیست.»

۲۲ و چون متوشالچ سخنان پدرش خونخ را شنید؛ زیرا او هر آنچه را که در نهان بود و او نمی‌دانست به وی نشان داده بود، به مکان خود بازگشت و آن پسر را نوح نامید. زیرا او پس از همه این ویرانی‌ها، به زمین آرامی و آسودگی خواهد بخشید.



## فراخوانی خونخ

۱ در آن روزها نوح زمین را دید که غرق شده و نابودی آن نزدیک است.

۲ او از آنجا برخاست و به اقصی نقاط زمین رفت و با صدای بلند نزد جد خود خونخ فریاد زد.

۳ نوح سه بار با صدایی تلخ گفت: «مرا بشنو، مرا بشنو، مرا بشنو.»

۴ و من به او گفتم: «به من بگو چه اتفاقی بر روی زمین افتاده است که زمین در چنین وضعیتی بدی قرار گرفته و تکان می‌خورد، مبادا با آن هلاک شوم؟»

۵ و در آن هنگام غوغایی عظیم بر روی زمین پدید آمد و صدایی از آسمان شنیده شد و من به روی خود افتادم.

۶ پس از آن جد من خونخ آمد و نزد من ایستاد و به من گفت: «چرا با یک چنین اشک و فریاد سوزناکی مرا صدا کردی؟»

۷ فرمانی از جانب خداوند در مورد ساکنان روی زمین صادر شده است که هلاکت آنها تعیین و مقرر شده است زیرا آنها تمام اسرار فرشتگان و تمام اعمال نادرست شیطانها و تمام قدرت پنهانی آنها را آموخته‌اند.

۸ و تمام قدرت کسانی که جادوگری می‌کنند و قدرت افسونها و قدرت کسانی که مجسمه‌های گداخته از مذاب می‌سازند را نیز فرا گرفته‌اند. و اینکه در کل زمین چگونه نقره از خاک به دست می‌آید و اینکه چگونه فلز نرم از زمین سرچشمه می‌گیرد. زیرا سرب و قلع مانند سابق از زمین بیرون نمی‌آیند، چشمه‌ای است که آنها را تولید می‌کند و فرشته‌ای در آن می‌ایستد و آن فرشته آنها را تقسیم می‌کند.»

۹ و پس از آن جد من خنوخ مرا با دست خود گرفت و بلند کرد و به من گفت: «برو، زیرا از خداوند روح و جان درباره این غوغا و آشفتگی در زمین سؤال کردم.»

۱۰ و او به من گفت: «به دلیل گناهان و بی‌عدالتی آنها، داوری آنها از اساس معین شده است و هرگز از جانب من لغو نخواهد شد. به دلیل جادوها و افسونهایی که به دنبال آن بوده و فرا گرفته‌اند، زمین و ساکنان آن نابود خواهند شد.»

۱۱ و برای آنها تا ابد جایی برای توبه وجود ندارند، زیرا آنچه از اسرار و پنهان بود به آنها نشان داده‌اند، و آنها محکوم شده و ملعون هستند، اما تو ای پسر من، خداوند روح و جان می‌داند که تو از این امر پاک و بی‌گناه هستی و جایی برای سرزنش تو در مورد اسرار وجود ندارد.

۱۲ و او نام تو را در میان مقدسین قرار داده و تو را در میان ساکنان زمین حفظ خواهد کرد. و فرزندان و نسل تو را هم برای پادشاهی و هم برای افتخارات بزرگ مقدر کرده است، و از نسل تو چشمه‌ای از صالحان و مقدسین جاری خواهد شد که تا ابد بی‌شمار هستند.»

۱۳ و پس از آن فرشتگان عذاب را به من نشان داد که آماده بودند تا تمام قوای آبهای زیر زمین را رها سازند تا بر همه ساکنان زمین داوری کرده و آنها را نابود کنند.

۱۴ و خداوند روح و جان به فرشتگانی که بیرون می‌رفتند دستور داد که آنها بالاتر از حد نیاز نیایند، بلکه آنها را مهار کنند. زیرا آن فرشتگان ناظر و مسئول بر قدرت آنها بودند.

۱۵ و من از حضور خنوخ بیرون آمدم.



## داوری فرشتگان

۱ و در آن روزها کلام خداوند بر من نازل شد و به من گفت: «نوح، اعمال زندگی تو به حضور من رسیده است، پُر از محبت و راستگویی و فاقد هرگونه ندامت و سرزنش است.

۲ و اکنون فرشتگان در حال کار ساخت بنای چوبی هستند، و هنگامی که کار خود را به پایان رساندند، دست خود را بر آن خواهم گذاشت و آن را حفظ خواهم کرد، و از آن بذر حیات بیرون خواهد آمد، و تغییری رخ خواهد داد به طوری که زمین بدون سکونت نخواهد ماند.

۳ نسل تو را تا ابد در نظر خود قرار خواهم داد و هر آن کسی را که همراه تو بوده است را بر روی زمین پراکنده خواهم کرد. من دیگر آنها را بر روی زمین مورد آزمایش قرار نخواهم داد، و بر روی زمین بی ثمر نخواهند بود، بلکه به نام خداوند برکت یافته و در زمین زیاد خواهد شد.»

۴ و او فرشتگانی را که ناراستی نشان داده‌اند در آن وادی سوزان که پدر بزرگ من خونخ قبلأ در غرب به من نشان داده بود در میان کوه‌های طلا و نقره و آهن و فلز نرم و قلع محبوس خواهد کرد.

۵ و آن دره را دیدم که در آن آشفستگی شدید و تلاطم و طوفان آب بود.

۶ چون همه اینها اتفاق افتاد، از فلز مذاب آتشین و آشفستگی که آبهای آن مکان را به هم ریخته بود، بوی گوگرد به مشام رسید و به آن آبها متصل و همراه شد، و آن وادی فرشتگان که مردم را گمراه کرده بودند، در زیر خاک می‌سوخت.

۷ و از میان دره‌های آن نهرهای آتش جاری می‌شود که در آنجا آن فرشتگانی که ساکنان زمین را گمراه کرده بودند مجازات می‌شوند.

۸ اما آن آبها در آن روزها در خدمت پادشاهان و زورمندان و بلند پایگان و ساکنان روی زمین برای شفای جسم خواهند بود، اما همچنین برای مجازات روح در نظر گرفته خواهند شد. و روحشان چنان پر از شهوت است که در جسم خود مورد عذاب قرار خواهند گرفت.

۹ زیرا خداوند روح و جان را انکار کرده‌اند و هر روز عذاب خود را می‌بینند، اما به نام او ایمان نمی‌آورند.

۱۰ و به همان نسبت که هر چه جسد آنها بیشتر سوخته می‌شود، تغییری متناظر در روح آنها برای همیشه و تا ابد رخ خواهد داد. زیرا در حضور خداوند روح و جان، هیچ کس نمی‌تواند سخنی بیهوده بر زبان آورد.

۱۱ داوری بر ایشان نازل خواهد شد زیرا به شهوت بدن خود ایمان دارند و روح خداوند را انکار می‌کنند.

۱۲ و همین آبها در آن روزها تغییر خواهند کرد. زیرا هنگامی که آن فرشتگان در این آبها مجازات شوند، این چشمه‌های آب دمای خود را تغییر می‌دهند و هنگامی که فرشتگان بالا می‌آیند، آب این چشمه‌ها تغییر می‌کند و سرد می‌شود.

۱۳ و شنیدم که میکائیل پاسخ داد و گفت: «این حکمی که فرشتگان با آن داوری می‌شوند، شهادتی است برای پادشاهان و زورمندان و و قدرتمندان که زمین را در اختیار دارند.

۱۴ زیرا این آبهای داوری برای شفای اجساد پادشاهان و برای شهوت بدن آنها مفید است. اما آنها نمی‌بینند و باور نمی‌کنند که این آبها دگرگون می‌شوند و تبدیل به آتشی می‌شوند که تا ابد و برای همیشه می‌سوزند.»



## اسرار تمثیل

۱ و پس از این، جد بزرگم خونخ، تمام اسرار را در کتابی و تمثیلی که به او داده شده بود، به من آموزش داد؛ و آنها را در مجموع کلمات کتاب تمثیل برای من جمع کرد.

۲ و در آن روز میکائیل به رافائل پاسخ داد و گفت: «قدرت روح مرا به لرزه می‌آورد و به خاطر سختی داوری فرشتگان می‌لرزم، چه کسی می‌تواند داوری سختی را که اجرا شده است تحمل کند و قبل از آن از ترس در هم فرو نریزد؟»

۳ و میکائیل دوباره پاسخ داد و به رافائل گفت: «کیست آن کسی که دلش نسبت به آن به رحم نیامده باشد، و تمامی وجودش دچار لرزش نشده باشد از این کلام داوری

که به خاطر آنانی نازل شده که بیرون انداخته شده‌اند؟»

۴ و چنین واقع شد که وقتی او در حضور خداوند روح و جان ایستاده بود، میکائیل به رافائل چنین گفت: «من برای سرنوشت آنها در نظر خداوند کاری نخواهم کرد، زیرا خداوند روح و جان بر آنها خشمگین شده است زیرا آنها طوری رفتار می‌کنند که گویی خداوند هستند.

بنابراین هر داوری که پنهان است برای همیشه و تا ابد بر آنها خواهد آمد. زیرا نه فرشته و نه انسان، سهمی از آنها نخواهند داشت، بلکه آنها به تنهایی داوری خود را تا ابدالابد دریافت کرده‌اند.»

۵ و پس از این داوری، آنها را به وحشت خواهم انداخت و آنها را به لرزه در خواهم آورد، زیرا آنها این اسرار را به ساکنان زمین نشان داده‌اند.

۶ و اینک نام آن فرشتگان: اولین آنها سمیازا، دومی ارطقیفه، سومی آرمن، چهارمی کوکابیل، پنجمین تورئیل، ششمین رامجل، و هفتمین دانجال است. و نوقائل هشتم، براقیل نهم، عزازل دهم، آرماروس یازدهم، باتریل دوازدهم، بساسائیل سیزدهم، آنال چهاردهم، توریل پانزدهم، سامسیل شانزدهم، یتارل هفدهم، طومی هجدهم، توریل نوزدهم، رومیل بیستم، و عزازیل بیست و یکم.

۷ اینها رؤسای فرشتگان و نامهای ایشان و هر یک رئیس بیش از صدها و بیش از پنجاه و دهها هستند.

۸ نام اولی یقون است؛ این همان کسی است که فرشتگان مقدس را گمراه کرد و آنها را به زمین فرود آورد و آنها را از طریق دختران انسان گمراه کرد.

۹ نام دومی اسبیل است. او یک نقشه پلید و شریرانه را به فرشتگان مقدس پیشنهاد کرد و آنها را چنان گمراه نمود، که بدن خود را با دختران انسان ناپاک و نجس ساختند.

۱۰ و نام سومی جدریل است. او همان کسی است که تمام ضربات مرگبار را به پسران انسان آموزش داد. و حوا را گمراه کرد. و سپر و غلاف و شمشیر را برای نبرد و تمام سلاحهای جنگی را به آنها یاد داد. و ساکنان زمین از آموزشهای او از آن روز و تا ابد بر علیه یکدیگر دست به اقدامات وحشیانه و کشتار زدند.

۱۱ نام چهارمی پمنوئه است؛ او به فرزندان انسان تلخی و شیرینی را تعلیم داد و تمامی اسرار حکمت آنها را به آنها آموخت. او هنر نوشتن با مرکب و کاغذ را به مردم

آموخت و از این طریق بسیاری از ازل تا ابد و تا امروز گناه کرده و به بیراهه رفته‌اند. زیرا انسانها برای چنین اساسی آفریده نشده‌اند تا با قلم و مرکب، حسن نیت و ایمان خود را تأیید کنند. زیرا انسانها دقیقاً مانند فرشتگان آفریده شدند به این منظور که پاک و صالح باشند و مرگی که همه چیز را نابود می‌کند نمی‌توانست آنها را تحت کنترل خود در آورد، اما از طریق دانش آنها هلاک می‌شوند و از طریق این قدرت، مرگ آنها را می‌بلعد.

۱۲ و نام پنجمین کاسدیه است. این یکی تمام ضربات شیطانی ارواح و شیاطین را که نابود کننده است و ضرباتی که به جنین در رحم حمله می‌کند تا سقط شود را به نسل بشر نشان داد. و ضرباتی که به روح حمله می‌کند؛ نیش مار و ضرباتی که در وسط ظهر می‌آید و پسر مار را که طبائت نام دارد قوی و گرم می‌سازد.

۱۳ و این است وظیفه کسبیل، رئیس سوگند در هنگامی که در بلندای آسمان و در جلال ساکن بود سوگند را به مقدسین نشان داد که نام آن بیقا است.

۱۴ این فرشته از میکائیل خواست که نام پنهان را به او نشان دهد تا آن را در سوگند بر زبان آورد تا کسانی که اسرار پنهان را به نسل بشر نشان می‌دادند، از آن نام و سوگند بر خود بلرزند.

۱۵ و این است قدرت این سوگند، زیرا قدرتمند و قوی است، و او این سوگند، یعنی آکائی را بر عهده میکائیل قرار داد.

۱۶ اینها اسرار این سوگند است و به همین دلیل است که سوگند او قوی است: آسمان قبل از خلقت جهان معلق بود و تا ابد چنین است.

۱۷ و از طریق آن، زمین بر روی آب استوار شد، و از شکافهای پنهان کوهها، آبهای گوارا از ابتدای آفرینش جهان تا ابد بیرون می‌آید.

۱۸ و از طریق آن سوگند دریا آفریده شد و به عنوان پایه آن‌ش‌هایی را برای حدود آن قرار داد، که از زمان آفرینش جهان تا ابد از آن فراتر نمی‌رود.

۱۹ و از طریق آن سوگند، اعماق استوار و بنا شدند و از ازل تا ابد در جای خود ایستاده و از آنجا حرکت نمی‌کنند و متلاشی نمی‌شوند.

۲۰ و به واسطه آن سوگند، خورشید و ماه مسیر خود را کامل می‌کنند و از ازل تا ابد از فرمان مقرر شده منحرف نمی‌شوند.



- ۲۱ و به واسطه آن سوگند ستارگان مسیر خود را کامل می‌کنند و او نام آنها را می‌خواند و آنها او را از آفرینش جهان تا ابد اجابت می‌کنند.
- ۲۲ و این سوگند بر آنها نیرومند و غالب است و از طریق آن راه‌هایشان محفوظ می‌ماند و مسیرشان نابود نمی‌شود.
- ۲۳ و شادی زیادی در میان آنها بود، و آنها را برکت داده، و ستایش و تمجید کردند، زیرا نام آن پسر انسان بر آنها آشکار و نازل شده بود.
- ۲۴ او بر تخت جلال خود نشست و تمامی داوری به پسر انسان داده شد و گناهکاران را از روی زمین هلاک کرد.
- ۲۵ کسانی که جهان را گمراه می‌کردند با زنجیر بسته خواهند شد و در مکان هلاکتشان زندانی خواهند شد و تمامی اعمالشان از روی زمین محو خواهد شد.
- ۲۶ و از این پس دیگر هیچ چیز فاسد شدنی وجود نخواهد داشت. زیرا آن پسر انسان ظاهر شده و بر تخت جلال خود نشسته است.
- ۲۷ هر بدی از حضور او خواهد رفت و کلام آن پسر انسان در حضور خداوند روح و جان با قدرت و نیرومند خواهد بود.



## برگرفته شدن خونخ

۱ و بعد از این ایام، واقع شد در زمانی که او زنده بود، نام او از میان ساکنان زمین به حضور آن پسر انسان و به حضور خداوند روح و جان رسید.

۲ و او بر ارابه‌های روح بلند شد و نامش از میان ساکنان زمین ناپدید شد.

۳ و از آن روز دیگر در میان آنها شمرده نشدم و مرا در میان دو باد، بین شمال و غرب قرار داد، جایی که فرشتگان ریسمانها را گرفتند تا جایگاه برگزیدگان و صالحان را برای من اندازه گرفته و بسنجند.

۴ و در آنجا پدران نخستین و صالحانی را دیدم که از ابتدا در آن مکان ساکن بودند.

۵ و بعد از این ایام، چنین شد که روح من برگردانده شد و به آسمان بالا رفت، و فرشتگان مقدس خداوند را دیدم.

۶ فرشتگان را دیدم که بر شعله‌های آتش قدم می‌گذارند و جامه‌هایشان سفید بود و چهره‌های ایشان مانند برف می‌درخشید.

۷ و دو نهر از آتش را دیدم که نور آن آتش مانند سنبل می‌درخشید و در برابر خداوند روح و جان به روی خود افتادم.

۸ و میکائیل، یکی از فرشتگان، دست راست مرا گرفت و بلند کرد و به جمیع اسرار برد و تمام اسرار عدالت را به من نشان داد.

۹ و جمیع اسرار انتهای آسمان و تمامی انبارها و مخازن جمیع ستارگان و جمیع نورها را که از آنجا به حضور مقدسین می‌روند به من نشان داد.

۱۰ و روح، مرا به آسمان آسمانها بالا برد و من در آنجا، در میان آن نور، بنایی را دیدم که از سنگ‌های بلورین ساخته شده بود، و در میان آن سنگ‌ها زبانه‌هایی از آتش زنده شعله ور بود.

۱۱ و روح من هاله‌ای از آتش را دید که آن بنا را در بر گرفته بود. و از چهار طرف آن نهرهایی پر از آتش زنده بیرون آمدند و آن بنا را احاطه کردند.

۱۲ سرافیم‌ها، کروی‌ها و افانیم‌ها در اطراف آن بودند. و اینها کسانی هستند که

نمی‌خواهند و از تخت جلال خداوند محافظت می‌کنند.

۱۳ و فرشتگانی را دیدم که غیر قابل شمارش بودند. هزار هزار و ده هزار برابر ده هزار که آن بنا را احاطه کرده بودند.

۱۴ و میکائیل و رافائل و جبرئیل و فنوئیل و فرشتگان مقدسی که بر فراز آسمانها هستند به آن خانه رفت و آمد کرده و داخل و خارج می‌شدند.

۱۵ میکائیل و رافائل و جبرئیل و فنوئیل و بسیاری از فرشتگان مقدس دیگر که بی شمار بودند از آن بنا بیرون آمدند.

۱۶ و با آنها مالک ایام، که سرش سفید و پاکیزه مانند پشم، و جامه او نیز وصف ناپذیر بود.

۱۷ من بر روی خود افتادم و گویی تمام بدنم در حال ذوب شدن بود و روحم دگرگون شد. و با صدای بلند و با تمامی قدرت شروع به گریستن کردم و خداوند را متبارک خوانده و تجلیل و تمجید کردم.

۱۸ و این برکاتی که از دهان من بیرون آمد، در پیشگاه آن مالک ایام کاملاً خوشایند بود.

۱۹ و آن مالک ایام با میکائیل، جبرئیل، رافائل و فنوئیل و هزاران و دهها هزار فرشته بی شمار آمدند.

۲۰ و آن فرشته نزد من آمد و با صدای خود به من سلام کرد و به من گفت: «این پسر انسان است که برای عدالت به دنیا آمده است و عدالت بر او باقی می‌ماند و عدالت مالک ایام او را هرگز ترک و رها نمی‌کند.»

۲۱ و سپس به من گفت: «او برای شما صلح را در جهانی که خواهد آمد آبه ارمغان آورده و اعلام می‌کند؛ زیرا صلح از آنجا و در زمان آفرینش جهان آغاز شده است، و شما آن را برای همیشه و تا ابدالابد خواهید داشت.

۲۲ و همه در راههای او قدم خواهند گذاشت زیرا عدالت هرگز او را ترک و رها نمی‌کند.

۲۳ مسکن ایشان و میراث ایشان نزد او خواهد بود و تا ابدالابد از او جدا نخواهند شد.

۲۴ و به این ترتیب روزهای طولانی برای آن پسر انسان خواهد بود و عادلان به نام خداوند روح و جان تا ابدالابد صلح و راه راست خواهند داشت.

## ۲

### اجرام آسمانی

۱ آفرینش مدارهای اجرام آسمانی بر اساس روابط آنها بر حسب طبقات، دوران هستی و قدرت آنها و فصول آنها، بر حسب نام و مکان مبدأ، و بر حسب ماههای آنها قرار دارد که اورژیل، فرشته مقدسی که با من بود و رهبر آنهاست به من نشان داد.

۲ او تمام قوانین آنها را دقیقاً همانطور که هستند به من نشان داد، و چگونگی آنها در مورد تمام سالهای جهان و تا ابدیت، تا زمانی که آفرینش جدید که تا ابد ادامه دارد به انجام برسد.

۳ و این اولین قانون اجرام آسمانی است: نور خورشید در درگاههای شرقی آسمان طلوع می‌کند و در درگاههای غربی آسمان غروب می‌کند.

۴ و شش دروازه را دیدم که خورشید از آن طلوع می‌کند و شش دروازه را که خورشید در آنها غروب می‌کند و ماه نیز در آن دروازه‌ها طلوع و غروب می‌کند و رهبران ستارگان و کسانی که آنها را رهبری می‌کنند. شش در شرق و شش در غرب وجود دارند، همه دقیقاً در جای خود، و متناظر با یکدیگر عمل می‌کنند. و همچنین درگاههای زیادی در جنوب و شمال آن دروازه‌ها وجود دارد.

۵ و ابتدا نور بزرگی که خورشید نام دارد طلوع می‌کند و محیط گرداگرد آن مانند محیط آسمان است و سراسر آن پر از آتشی است که نور و گرما می‌دهد.

۶ ازابهای که بر آن صعود می‌کند، توسط باد رانده می‌شود و خورشید در آسمان غروب می‌کند و از شمال باز می‌گردد تا به مشرق برسد، و چنان هدایت می‌شود که به دروازه مناسب می‌آید و در پهنه آسمان می‌درخشد.

۷ به این ترتیب او در ماه اول در دروازه بزرگ طلوع می‌کند که شامل چهار ماه است. و در آن دروازه چهارم که خورشید در ماه اول از آن طلوع می‌کند، دوازده درگاه وجود دارد که هرگاه در فصل خود باز می‌شوند، شعله‌های آتش از آن بیرون می‌آید.

- ۸ هنگامی که خورشید در آسمان طلوع می‌کند، سی روز صبح متوالی از آن دروازه چهارم بیرون می‌آید و دقیقاً در دروازه چهارم در غرب آسمان غروب می‌کند.
- ۹ و در این مدت روز هر روز طولانی‌تر و شب تا صبح سی‌ام کوتاه‌تر می‌شود.
- ۱۰ در آن روز، روز به اندازه یک نهم از شب طولانی‌تر است، و روز دقیقاً ده و شب به هشت قسمت تقسیم می‌شود.
- ۱۱ و خورشید از آن دروازه چهارم طلوع می‌کند و در دروازه چهارم نیز غروب می‌کند و سی صبح به دروازه پنجم در شرق برمی‌گردد و از آن طلوع می‌کند و در دروازه پنجم نیز غروب می‌کند.
- ۱۲ و سپس روز دو قسمت می‌شود و به یازده قسمت می‌رسد و شب کوتاه‌تر می‌شود و به هفت قسمت می‌رسد.
- ۱۳ و خورشید به سمت مشرق باز می‌گردد و به دروازه ششم وارد می‌شود، و بر اساس علامت تعیین شده، سی و یک صبح در دروازه ششم طلوع و غروب می‌کند.
- ۱۴ و در آن روز روز از شب بلندتر و روز دو برابر شب می‌شود. و روز دوازده قسمت است و شب کوتاه‌تر و شش قسمت می‌شود.
- ۱۵ و خورشید بالا می‌آید تا روز را کوتاه‌تر و شب را طولانی‌تر کند، و خورشید به مشرق باز می‌گردد و به دروازه ششم وارد می‌شود و سی صبح از آن طلوع و غروب می‌کند.
- ۱۶ و وقتی سی صبح تمام شد، روز دقیقاً یک قسمت کوتاه‌تر می‌شود. و روز یازده قسمت و شب هفت قسمت می‌شود.
- ۱۷ و خورشید از آن دروازه ششم در مغرب بیرون می‌آید و به سمت مشرق می‌رود و در دروازه پنجم به مدت سی صبح طلوع می‌کند و دوباره در مغرب در پنجمین دروازه غربی غروب می‌کند.
- ۱۸ در آن روز، روز دو قسمت کوتاه‌تر می‌شود و به ده قسمت و شب به هشت قسمت می‌رسد.
- ۱۹ و خورشید از آن دروازه پنجم طلوع می‌کند و در دروازه پنجم در مغرب غروب می‌کند و بر اساس علامت تعیین شده، سی و یک صبح در دروازه چهارم طلوع می‌کند، و در مغرب غروب می‌کند.

۲۰ در آن روز، بلندی روز با شب برابر می‌شود و شب نه قسمت و روز نیز به نه قسمت تقسیم می‌شود.

۲۱ و خورشید از آن دروازه طلوع می‌کند و در مغرب غروب می‌کند و به سمت مشرق باز می‌گردد و سی صبح در دروازه سوم طلوع می‌کند و در دروازه سوم در مغرب غروب می‌کند.

۲۲ و در آن روز شب از روز طولانی‌تر می‌شود و هر شب از شب قبل طولانی‌تر و هر روز از روز قبل کوتاه‌تر می‌شود تا صبح سی‌ام، و شب دقیقاً ده قسمت و روز به هشت قسمت تقسیم می‌شود.

۲۳ و خورشید از دروازه سوم طلوع می‌کند و در دروازه سوم در غرب غروب می‌کند و به سمت شرق باز می‌گردد. و خورشید سی صبح در دروازه دوم در شرق طلوع می‌کند و به همین ترتیب در دروازه دوم در غرب آسمان غروب می‌کند.  
۲۴. و در آن روز شب یازده قسمت و روز هفت قسمت می‌شود.

۲۵ و خورشید در آن روز از دروازه دوم طلوع می‌کند و در مغرب در دروازه دوم غروب می‌کند و سی و یک صبح به سمت شرق به دروازه اول باز می‌گردد و سپس در دروازه اول در غرب آسمان غروب می‌کند.

۲۶ و در آن روز شب بلندتر و دو برابر روز می‌شود. و شب دقیقاً دوازده قسمت و روز به شش قسمت تقسیم می‌شود.

۲۷ و بدین ترتیب خورشید، با عبور از تقسیمات مدار تعیین شده، سفر خود را به پایان می‌رساند و مجدداً به مکان نخست تقسیمات مدار خود می‌رسد و و سی صبح از آن دروازه اول عبور می‌کند و در مغرب مقابل آن نیز غروب می‌کند.

۲۸ و در آن شب از طول شب به اندازه یک نهم کاسته شد و شب به یازده قسمت و روز به هفت قسمت تقسیم می‌شود.

۲۹ و خورشید باز می‌گردد و به دروازه دوم در مشرق وارد می‌شود و در امتداد تقسیم بندی‌های مدار مسیر حرکت خود به مدت سی صبح باز گشته و طلوع و غروب می‌کند.

۳۰ و در آن روز از طول شب کاسته می‌شود و شب ده قسمت و روز به هشت قسمت می‌رسد.

۳۱ و در آن روز خورشید از دروازه دوم طلوع می‌کند و در مغرب غروب می‌کند و به

سمت مشرق باز می‌گردد و سی و یک صبح در دروازه سوم طلوع کرده و در مغرب آسمان غروب می‌کند.

۳۲ در آن روز، طول شب کوتاهتر می‌شود، و روز به نه قسمت، و شب نیز به نه قسمت و برابر با روز تقسیم می‌شود. و سال نیز دقیقاً به اندازه سیصد و شصت و چهار روز می‌شود.

۳۳ طول روز و شب، و کوتاهی روز و شب و تمایز مابین آنها به واسطه تغییر مدار مسیر خورشید ایجاد می‌شود.

۳۴ به سبب آن، مسیر هر روز طولانی‌تر و مسیر شبانه کوتاهتر می‌شود.

۳۵ و این است قوانین و مدار مسیر حرکت و بازگشت خورشید، که در مجموع شصت بار بر می‌گردد و تا ابدالابد طلوع می‌کند.

۳۶ و آن چه از خورشید بر می‌خیزد، نور عظیم جاودانی است، و بر حسب ظاهرش نامگذاری شده است، چنانکه خداوند امر فرموده است.

۳۷ همانطور که خورشید طلوع می‌کند، غروب نیز می‌کند و چیزی از آن کم نمی‌شود، و از حرکت باز نمی‌ایستد، بلکه روز و شب در مدار خود در حرکت است، و نور او هفت برابر روشن‌تر از ماه است. اما از نظر اندازه هر دو برابر هستند.

۳۸ و بعد از این امور، قانون دیگری را دیدم که مربوط به نور کوچکتر بود که ماه نام دارد.

۳۹ و قرص آن مانند قرص خورشید است و اراه‌ای که بر آن سوار می‌شود توسط باد رانده می‌شود و نور به اندازه معین به آن داده می‌شود.

۴۰ و طلوع و غروب او هر ماه تغییر می‌کند و روزهای او مانند روزهای خورشید است و هنگامی که نور آن یکنواخت و کامل باشد به یک هفتم نور خورشید می‌رسد.

۴۱ و بدین ترتیب بالا آمده و بر می‌خیزد و مرحله اول آن به سمت مشرق است که در صبح سی‌ام طلوع می‌کند. و در آن روز نمایان می‌شود در صبح سی‌ام، همراه با خورشید در دروازه‌ای که خورشید از آن طلوع می‌کند؛ و برای شما اولین مرحله از رویت ماه می‌شود.

۴۲ و نیمی از آن به اندازه یک هفتم بیرون می‌آید، و تمام قرص آن خالی و بدون نور است، به استثنای یک هفتم آن، که چهاردهمین بخش از نور آن است.

۴۳ و روزی که ماه یک هفتم از نصف نور خود را دریافت کند، نور آن به یک هفتم و نیم می‌رسد.

۴۴ ماه با خورشید غروب می‌کند و وقتی خورشید طلوع می‌کند ماه نیز با آن طلوع می‌کند و نصف یک قسمت از نور خود را دریافت می‌کند. و در آن شب در اوایل صبح او در آغاز روز قمری ماه با غروب می‌کند. خورشید، و در آن شب، چهارده قسمت و نیم از آن تاریک و نامرئی است.

۴۵ و او در آن روز دقیقاً با یک هفتم طلوع می‌کند و بیرون می‌آید و از طلوع خورشید کنار می‌رود و در روزهای باقی مانده در سیزده قسمت خود روشن می‌شود.

۴۶ و من مسیر مدار دیگری را دیدم، قوانین و مقررات تعیین شده برای آن، که چگونه طبق آن قانون، مسیر ماهانه خود را طی کرده و به انجام می‌رساند.

۴۷ و اورئیل، فرشته مقدس که رهبر همه آنهاست، همه چیز را به من نشان داد، و من مناصب و موقعیت آنها را همانطور نوشتم که به من نشان داده شد. و همچنین ماههای آنها را همانطور که بودند، و ظهور نورشان را که تا پانزده روز کامل می‌شد، به طور دقیق نوشتم

۴۸ ماه در قسمت هفتم تمام نور خود را در قسمت شرق خود و در قسمت هفتم تمام تاریکی خود را در غرب خود کامل می‌کند.

۴۹ و در ماه‌های معینی تنظیمات خاص خود را تغییر می‌دهد و در ماه‌های معینی مسیر خاص خود را دنبال می‌کند.

۵۰ در دو ماه در آن دو درگاه که در وسط دروازه سوم و چهارم هستند با خورشید غروب می‌کند، و می‌چرخد و دوباره به دروازه‌ای که خورشید طلوع می‌کند باز می‌گردد و تمام نور خود را کامل می‌کند و از خورشید دور می‌شود و در طی هشت روز وارد دروازه ششم می‌شود که خورشید از آن طلوع می‌کند.

۵۱ و هنگامی که خورشید از دروازه چهارم طلوع می‌کند، ماه هفت روز غروب می‌کند تا از دروازه پنجم طلوع کند. و دوباره در هفت روز به دروازه چهارم باز می‌گردد، تمام نور خود را کامل می‌کند، فرو می‌نشیند و در هشت روز به دروازه اول می‌آید.

۵۲ و پس از هفت روز دوباره به دروازه چهارمی که خورشید از آن طلوع می‌کند، باز می‌گردد.



۵۳ و به این ترتیب من موقعیت آنها را دیدم که چگونه ماه طلوع کرد و خورشید در آن روزها غروب کرد.

۵۴ و اگر پنج سال با هم جمع شود، خورشید سی روز اضافه دارد. برای هر سال، از پنج سال، سیصد و شصت و چهار روز وجود دارد.

۵۵ در پنج سال، هر کدام با شش روز، سی روز زیاد است و ماه سی روز از خورشید و ستارگان عقب می‌افتد.

۵۶ و خورشید و ستارگان تمام سالها را دقیقاً محاسبه می‌کنند، به طوری که موقعیت خود را تا ابدیت حتی یک روز جلوتر یا به تأخیر نیندازند. چنانچه سالها را به درستی در ۳۶۴ روز کامل می‌کنند.

۵۷ در ۳ سال ۱۰۹۲ روز و در ۵ سال ۱۸۲۰ روز وجود دارد به طوری که در ۸ سال ۲۹۱۲ روز وجود دارد.

۵۸ تنها برای ماه، روزها در ۳ سال به ۱۰۶۲ روز می‌رسد و در ۵ سال ۵۰ روز عقب می‌افتد در مجموع ۵ روز باید به ۶۲ روز اضافه شود.

۵۹ و در ۵ سال ۱۷۷۰ روز وجود دارد، به طوری که برای ماه روزهای ۶ در ۸ سال به ۲۱۸۳۲ روز می‌رسد.

۶۰ زیرا در ۸ سال به میزان ۸۰ روز عقب می‌افتد، تمام ۱۷ روزی که در ۸ سال عقب می‌افتد ۸۰ روز است.

۶۱ و سال به طور دقیق در انطباق با جایگاه جهانی آنها و جایگاههایهای خورشید کامل می‌شود بر اساس دروازه‌هایی که خورشید از آن سی روز طلوع و غروب می‌کند.

۶۲ و رهبران رؤسای هزاران که بر کل خلقت و بر همه ستارگان قرار می‌گیرند، در مورد آن چهار روز افزوده نیز باید کاری انجام دهند که جزء کاملاً لازم و جدا نشدنی از مسئولیتی است که بر عهده آنها قرار دارد زیرا از حساب سال جدا نیستند و در چهار روزی که در حساب سال محاسبه نشده است باید به خدمت خود ادامه دهند.

۶۳ و به سبب آنها، مردم در اشتباه می‌افتند، زیرا آن اجرام آسمانی واقعاً در مکانهای تعیین شده جهان خدمت می‌کنند، یکی در دروازه اول و یکی در دروازه سوم و یکی در دروازه چهارم و یکی در دروازه ششم. و هارمونی دقیق جهان در ۳۶۴ مکان مجزا و تعیین شده تکمیل می‌شود.

۶۴ زیرا نشانه‌ها و زمان‌ها و سال‌ها و روزهایی که فرشته اورئیل به من نشان داد، فرشته‌ای که خداوند جلال، مسئولیت تمامی اجرام آسمانی، در آسمان و در جهان را برای همیشه بر عهده او قرار داده است تا بر جهان فرمانروایی کنند، چنانچه چهره آسمان در زمین دیده شود و پیشوایانی باشند برای روز و شب و همه مخلوقات خدمتگزاری که گردش مدار خود را در تمامی مدارهای آسمان به انجام می‌رسانند.

۶۵ به همین ترتیب، اورئیل دوازده دروازه را در مدار حرکت ارباب خورشید در آسمان به من نشان داد که پرتوهای خورشید از آن بیرون می‌آیند، چنانچه در وقتها و فصل‌هایی که برای این دروازه‌ها مقرر شده، باز می‌شوند. و از آن‌ها گرما بر روی زمین پخش می‌شود.

۶۶ برای بادها و روح شب‌نم هنگامی که در زمان خود باز می‌شوند و در انتهای آسمانها همچنان باز می‌مانند.

۶۷ و اما دوازده دروازه را در آسمان در انتهای زمین دیدم که خورشید و ماه و ستارگان و تمامی هر آنچه در آسمان عمل می‌کند در مشرق و مغرب از آن بیرون می‌آیند.

۶۸. بسیاری از درگاه‌ها به چپ و راست آن‌ها باز می‌شود و یک درگاه در فصل خود گرما ایجاد می‌کند، مطابق با آن دروازه‌هایی که ستارگان از آن‌ها بیرون می‌آیند، همانطور که او به آنها دستور داده است و به تعدادشان در آنجا قرار می‌گیرند.

۶۹ و مدارهایی را در آسمان دیدم که اطراف جهان را می‌پیمودند، بر فراز آن درگاه‌هایی که ستارگان هرگز در مدار آنها غروب نمی‌کردند.

۷۰ و یکی از بقیه بزرگتر است و این همان است که مسیر و مدار خود را در سراسر جهان طی می‌کند.

۷۱ و در انتهای زمین دوازده دروازه دیدم که به روی همه بادها گشوده شده و بادها از آنها بیرون می‌آیند و بر زمین می‌وزند.

۷۲ سه تا از آنها در مقابل آسمان، و سه در مغرب، و سه در سمت راست آسمان، و سه در سمت چپ آسمان باز است.

۷۳ و سه دروازه اول در مشرق و سه دروازه در شمال و سه دروازه بعد در سمت چپ جنوب و سه دروازه در غرب هستند.

۷۴ از طریق چهار دروازه بادهای برکت و صلح می‌آید. و از هشت دروازه دیگر بادهای

مضر و زیان آور می‌آید. هنگامی که آنها فرستاده می‌شوند، تمامی زمین و آبی را که روی آن است و همه ساکنان آن و هر چیزی را که در آب و در خشکی قرار دارد ویران می‌کنند.

۷۵ و اولین باد از آن دروازه‌ها که باد شرقی نامیده می‌شود و از دروازه اول که به طرف مشرق و به سمت جنوب متمایل است بیرون می‌آید. و از آن تخریب، خشکسالی، گرما و ویرانی جاری می‌شود.

۷۶ و از دروازه دوم که در وسط است آنچه راست و درست است بیرون می‌آید، و از آن باران و باروری و آبادانی و شبنم جاری می‌شود. و از طریق دروازه سوم که به سمت شمال قرار دارد، سرما و خشکسالی سرازیر می‌شود.

۷۷ و پس از آنها بادهای جنوبی از طریق سه دروازه بیرون می‌آیند. ابتدا از اولین دروازه که به سمت شرق متمایل است، باد گرم جاری می‌شود.

۷۸ و از دروازه میانی که در کنار آن است، بوهای خوشبو و شبنم و باران و رفاه و حیات بیرون می‌آید.

۷۹ و از دروازه سوم که در سمت غرب قرار دارد، شبنم و باران، و ملخ و ویرانی بیرون می‌آیند.

۸۰ و پس از آنها بادهای شمالی می‌آیند. از دروازه هفتم که به طرف مشرق است، و از آن شبنم و باران و ملخ و ویرانی جاری می‌شود.

۸۱ از دروازه میانی که در جهت مستقیم قرار دارد باران و شبنم و حیات و رفاه می‌آید. و از دروازه سوم که به طرف مغرب است ابر و یخبندان و برف و باران و شبنم و ملخ جاری می‌شود.

۸۲ و بعد از این چهار باد، بادهای غربی فرا می‌رسند. از دروازه اول که به سمت شمال متمایل است، شبنم و یخبندان و سرما و برف و کولاک جاری می‌شود.

۸۳ و از دروازه وسط، شبنم و باران و آبادانی و برکت می‌آید. و از آخرین دروازه که به سمت جنوب است، خشکسالی و ویرانی و هوای سوزان و تخریب جاری می‌شود.

۸۴ و بدین ترتیب دوازده دروازه در چهار ربع آسمان تکمیل می‌شود. پسرمتوشالاح، من همه احکام شریعت و همه بلاها و مجازات آن و همه مزایا و احسان آن را به تو نشان دادم.

۸۵ و ربع اوّل را مشرق گویند زیرا اول است. و دوم، جنوب، زیرا خدای متعال در آنجا نازل می‌شود، آری، به معنایی واقعی کلمه، آن کسی که تا ابد مبارک است، در آنجا فرود خواهد آمد.

۸۶ و ربع مغرب را زوال می‌نامند، زیرا در آنجا همه اجرام آسمانی در هم فرو می‌ریزند. و چهارمین ربع که شمال نام دارد به سه قسمت تقسیم می‌شود. اولین قسمت برای سکونت انسان است و دومین قسمت شامل دریاها و آب و ژرفناهای عمیق و جنگل‌ها و نهرها و تاریکی‌ها و ابرها هستند. و بخش سوم شامل باغ عدالت و راستی است.

۸۸ هفت کوه بلند را دیدم که از همه کوه‌های دیگر روی زمین بلندتر بودند. و از آنجا یخبندان و سرما بیرون می‌آید و روزها و فصل‌ها و سال‌ها آمده و می‌روند.

۸۹ هفت نهر بر روی زمین دیدم که از همه نهرها بزرگتر بودند. یکی از آنها که از غرب می‌آید، آبهای خود را به دریای بزرگ می‌ریزد.

۹۰ و دو نهر دیگر از شمال به دریا می‌ریزند و آبهای خود را به دریای اریتره در شرق می‌ریزند.

۹۱ و چهار نهر باقی مانده از طرف شمال به دریاها می‌ریزند، دو نهر به دریای اریتره، و دو نهر به دریای بزرگ می‌ریزند، و آب خود را در آنجا و در دریا تخلیه می‌کنند؛ نه در بیابان، چنانکه برخی می‌گویند.

۹۲ هفت جزیره بزرگ را در دریا و در سرزمین اصلی مشاهده کردم؛ دو جزیره در سرزمین اصلی و پنج جزیره در دریای بزرگ قرار گرفته بود.

۹۳ نامهای خورشید چنین است: اول اورجاریس، و دوم توماس.

۹۴ ماه، چهار نام دارد: نام اول آسونیا، دوم ابلا، سوم بناسه و چهارمین عرائه است.

۹۵ این دو از اجرام نورانی بزرگ هستند: قرص دور آنها مانند قرص آسمان و اندازه دور هر دو قرص یکسان است.

۹۶ در محیط خورشید هفت قسمت نور است که نور اضافه شده به آن بیشتر از نوری است که به ماه اضافه می‌شود. و به مقدار تعیین شده تا تکمیل شدن هفتمین قسمت خورشید به آن اضافه می‌شود.

۹۷ چنان مقرر شده که آنها از دروازه‌های غرب وارد می‌شوند و در مدار خود از مسیر شمال می‌گذرند و از دروازه‌های شرقی بر روی آسمان طلوع می‌کنند.

۹۸ وقتی ماه طلوع می‌کند یک چهاردهم آن در آسمان دیده می‌شود، نور او به تدریج کامل می‌شود و در روز چهاردهم نور آن به حد کامل می‌رسد.

۹۹ و پانزده جزء نور به آن منتقل می‌شود تا اینکه در روز پانزدهم نور آن بر حسب علامت سال کامل شود و پانزده قسمت شود و ماه چهاردهم به اوج خود برسد.

۱۰۰ و کاهش نور آن در روز اول به چهارده قسمت، در روز دوم به سیزده قسمت نور، در روز سوم به دوازده، در روز چهارم به یازده، در روز پنجم به ده، و در روز ششم به نه کاهش می‌یابد. روز هفتم به هشت، هشتم به هفت، نهم به شش، دهم به پنج، یازدهم به چهار، دوازدهم به سه، سیزدهم به دو، چهاردهم به نصف یک هفتم، و تمام نور باقیمانده او به طور کامل در روز پانزدهم ناپدید می‌شود.

۱۰۱ و در ماههای معین، ماه دارای بیست و نه روز و یک بار نیز دارای بیست و هشت روز است.

۱۰۲ و اورئیل ضوابط دیگری را به من نشان داد: هنگامی که نور به ماه منتقل می‌شود، دقیقاً از کدام طرف خورشید به آن منتقل می‌شود.

۱۰۳ در تمام مدتی که نور ماه افزایش می‌یابد، بر این اساس است که وقتی در مقابل خورشید قرار می‌گیرد، نور آن را به خود منتقل می‌کند تا اینکه در طی چهارده روز نور ماه در آسمان کامل و کاملاً درخشانده می‌شود.

۱۰۴ و در روز اول آن را ماه نو می‌نامند، زیرا در آن روز نور بر آن طلوع می‌کند. و دقیقاً در روزی که خورشید در مغرب غروب می‌کند ماه کامل می‌شود و شب از مشرق طلوع می‌کند و ماه تمام شب در آسمان می‌تابد تا خورشید در مقابل آن طلوع کند و ماه نیز در مقابل خورشید دیده شود.

۱۰۵ در طرفی که نور ماه از آن بیرون می‌آید، دوباره در آنجا فرو می‌رود تا آن که تمام نور ناپدید شده و ایام ماه به پایان می‌رسد و قرص ماه در تاریکی فرو می‌رود.

۱۰۶ و سه ماه از سی روز می‌سازد و در زمان خود سه ماه از هر کدام بیست و نه روز می‌سازد که در آن دوره زوال خود را در دوره اول و در اولین دروازه به مدت یکصد و هفتاد و هفت روز به پایان می‌رساند.

۱۰۷ در وقت طلوع آن، سه ماه و در هر ماه سی روز ظاهر می‌شود. و به مدت سه ماه در هر ماه با بیست و نه روز ظاهر می‌شود.

۱۰۸ چهره ماه هر بار بیست روز در شب خود نمایی می‌کند و در روز شبیه آسمان می‌شود زیرا جز نور آن چیز دیگری در آن نیست.

۱۰۹ و اکنون، پسرمتوشالاح، من همه چیز را به تو نشان دادم، و کل قوانین و ضوابط ستارگان آسمان تکمیل شد.

۱۱۰ و او تمام قوانین اینها را برای هر روز، برای هر زمان، و برای هر قانون، و برای هر سال، و برای پایان آن، طبق دستور آن، و برای ترتیبی که برای آن در هر ماه و هر هفته مقرر شده بود، به من نشان داد: و زوال ماه که در دروازه ششم رخ می‌دهد، زیرا در آن دروازه ششم نور ماه کامل می‌شود و پس از آن آغاز ماه است.

۱۱۱ و پس از آن آغاز زوالی است که در اولین دروازه در فصل خود رخ می‌دهد، تا اینکه یکصد و هفتاد و هفت روز به پایان می‌رسد که بر اساس هفته‌ها، بیست و پنج هفته و دو روز محاسبه می‌شود.

۱۱۲ و اینکه چگونه طبق قانون ستارگان دقیقاً پنج روز در یک بازه زمانی از خورشید عقب می‌افتد، در هنگامی که این مسیری را که می‌بینی، طی کرده است.

۱۱۳ چنین است تصویر و ظاهر هر جرم آسمانی که اورئیل، فرشته اعظم، که رهبر آنهاست، به من نشان داد.



## لوح‌های آسمانی

۱ در آن روزها اورئیل فرشته به من پاسخ داد و چنین گفت: «اینک، ای خنوخ، من همه چیز را به تو نشان دادم. و همه چیز را بر تو وحی کردم تا این خورشید و این ماه و آنانی که ستارگان آسمان را رهبری می‌کنند و همه آنانی که آنها را بر می‌گردانند و وظایف و زمانها و عزیمت را ببینی.

۲ و در ایام گناهکاران سالها کوتاه‌تر خواهد شد و بذر آنها در زمینها و مزارعشان با تأخیر ثمر خواهد داد.

۳ و همه چیز روی زمین تغییر خواهد کرد و در زمان مناسب و مطلوب خود ظاهر نخواهد شد. باران متوقف خواهد شد و آسمان آن را دریغ خواهد کرد.

۴ و در آن زمانها میوه‌های زمین شکل خود را از دست خواهند داد و در زمان خود رشد نخواهند کرد، و درختان میوه در زمان مناسب خود میوه نخواهند داد.

۵ و ماه نظم خود را تغییر خواهد داد و در زمان خود ظاهر نخواهد شد.

۶ و در آن روزها خورشید دیده خواهد شد و او در شامگاه بر بالای ارابه بزرگی از طرف مغرب می‌آید و با روشنایی بیش از حد معمول می‌درخشد.

۷ و بسیاری از رؤسای ستارگان از نظم خود تجاوز خواهند کرد و آنها مدار و وظایف خود را تغییر خواهند داد و در زمان‌هایی که برای آنها مقرر شده است ظاهر نمی‌شوند.

۸ و تمام نظم و ضوابط ستارگان از گناهکاران پنهان خواهد شد و افکار ساکنان زمین در مورد آنها به بیراهه خواهد رفت. و آنها همه از راههای خود برگشته و گمراه می‌شوند و آنها را خدا می‌پندارند.

۹ و بدی بر آنها فزونی خواهد گرفت و عذاب بر آنها خواهد آمد تا همه را هلاک کند.»

۱۰ و او به من گفت: «ای خونخ، به لوح‌های آسمانی بنگر و آنچه بر آنها نوشته شده است را بخوان و به هر حقیقتی کاملاً توجه کن.»

۱۱ و من الواح آسمانی را مشاهده کردم، و هر آنچه مکتوب بود خواندم و همه چیز را فهمیده و یادداشت کردم. همه اعمال انسانها، و همه فرزندان جسمانی که بر روی زمین خواهند بود تا تمام نسل‌های آینده و بسیار دور را خواندم.

۱۲ و فوراً خداوند عظیم، پادشاه جلال را تا ابد متبارک خواندم، زیرا او همه کارهای جهان را ساخته و پرداخته کرده است.

۱۳ و خداوند را به خاطر صبر او ستودم و او را به خاطر فرزندان آدم، متبارک خواندم.

۱۴ و بعد از آن گفتم: «خوشا به حال کسی که به نیکی و نیکوکاری بمیرد و هیچ ناراستی در مورد او در کتاب نوشته نشده باشد و روز داوری هیچ گناهی در مورد او پیدا نشود.»

۱۵ و آن هفت مقدس مرا آوردند و جلوی در خانه‌ام بر روی زمین گذاشتند و به من گفتند: «همه چیز را به پسر متوشالچ بگو و به همه فرزندان نشان ده که هیچ

انسانی در نظر خداوند عادل نیست. زیرا او خالق آنهاست.

۱۶ ما تو را به مدت یک سال در نزد پست می‌گذاریم تا فرامین لازم را به آنها بدهی، تا فرزندان را تعلیم داده و تمامی این مطالب را برای آنها نوشته و به همه فرزندان در مورد آنچه دیده‌ای، شهادت بدهی. و در سال دوم دوباره تو را از میان آنها بر خواهیم گرفت.

۱۷ دلت قوی باشد، زیرا نیکان، عدالت را به نیکوکاران اعلام خواهند کرد. نیکوکاران با صالحان شاد می‌شوند و برای یکدیگر آرزوی خیر خواهند کرد.

۱۸ اما شخص گناهکار با گناهکاران خواهد مرد و شخص مرتد با مرتدان غرق شده و فرو خواهد رفت.

۱۹ و کسانی که عادلانه عمل می‌کنند، به سبب مقابله مردم خواهند مُرد و به سبب اعمال منکران خداوند بر گرفته خواهند شد.

۲۰ و در آن روزها سخنانشان با من تمام شد و من به سوی خانواده و قوم خود رفتم و خداوند جهان را متبارک خواندم.



## یک سال برای نگارش

۱ و اکنون، پسرمتوشالاح، همه این چیزها را برای تو بازگو می‌کنم و برای تو می‌نویسم. و من تو را از همه چیز آگاه کردم و در مورد همه اینها کتابهایی به تو دادم. پس ای پسرمتوشالاح، این کتابها را که دست نوشته پدرانت است حفظ کن و آنها را درک کرده و به نسلهای بعدی جهان بسپار.

۲ من به تو و به فرزندان تو و به کسانی که فرزندان تو خواهند بود حکمت داده‌ام تا آن را برای همیشه به فرزندان خود بدهند، این حکمتی است که فراتر از فکر آنهاست.

۳ بلکه گوش‌های خود را متمایل و تیز می‌کنند تا این حکمت را بیاموزند، و برای کسانی که از آن می‌خورند از هر غذای خوبی بهتر و دلپذیرتر خواهد بود.

۴ خوشا به حال همه صالحان، خوشا به حال کسانی که در راه عدالت قدم بر می‌دارند و مانند گناهکاران، گناه نمی‌کنند.



۵ به تعداد تمام روزهایی که خورشید از آسمان می‌گذرد و و با رؤسای هزاران ستاره به مدت سی روز از دروازه‌های آسمان وارد و خارج می‌شود. همراه با چهری که درج شده است و سال را به چهار فصل سال تقسیم می‌کند. سالی که آنها را رهبری می‌کنند و در چهار روز با آنها وارد می‌شوند.

۶ به دلیل آنها، مردم به اشتباه خواهند افتاد و آنها را در تمام حساب سال حساب نمی‌کنند. آری، مردم نسبت به آنها اشتباه می‌کنند زیرا آنها را دقیقاً نمی‌شناسند و به درستی تشخیص نمی‌دهند.

۷ زیرا آنها متعلق به حساب سال هستند و به راستی تا ابد ثبت شده‌اند، یکی در دروازه اول، یکی در دروازه سوم، و یکی در چهارمین و دیگری در دروازه ششم، و سال در سیصد و شصت و چهار روز کامل می‌شود.

۸ و گزارش آن کاملاً درست و معادلات ثبت شده آن کاملاً دقیق است. زیرا اورئیل، اجرام نورانی و ماهها و اعیاد و سالها و روزها را به من نشان داده و بر من وحی کرده است. چنانچه خداوند آفریننده تمامی جهان، لشکر آسمان را در تحت فرمان او قرار داده است.

۹ و او در شب و روز در آسمان قدرت دارد تا نور را به انسانها بتاباند و خورشید و ماه و ستارگان و تمام قوای آسمان را همانطور که در ارابه‌های خود و در مدار تعیین شده می‌چرخند روشن کند.

۱۰ و این است مقررات و ضوابط ستارگان که در مکان‌های خود و در فصول و اعیاد و ماه‌های خود تعیین شده است.

۱۱ و این اسامی کسانی است که آنها را رهبری می‌کنند و مراقب هستند تا در وقت و زمان معین و بر طبق دستورات تعیین شده، در ماهها و در دوران قوت خود و در موقعیت درست ظاهر شوند.

۱۲ چهار رهبر آنها که چهار قسمت سال را تقسیم می‌کنند، اول ظاهر می‌شوند. و بعد از آنها دوازده نفر از رهبران فرقه‌هایی که ماهها را تقسیم می‌کنند. و برای سیصد و شصت روز رهبرانی وجود دارند که بر بیش از هزاران که روزها را تقسیم می‌کنند ریاست دارند. و برای چهار روزی که به آنها اضافه می‌شود، رهبرانی هستند که چهار قسمت سال را از هم جدا می‌کنند.

۱۳ و اینها رؤسای بر هزاران هستند که در بین رهبر و پیشوا قرار گرفته‌اند، هر کدام

در ورای یک جایگاه قرار می‌گیرند، اما رهبران آنها تقسیم را انجام می‌دهند. ۱۴ و این اسامی رهبرانی است که چهار قسمت سال را که تعیین شده است تقسیم می‌کنند: میلکئیل، هلملک، ملجال، و نارل.

۱۵ و اسامی کسانی که آنها را رهبری می‌کنند: عدنارل و ایجاسوسائیل و اومیل است که این سه نفر از دستورات رهبران پیروی می‌کنند و یکی است که از دستورات سه رهبر پیروی می‌کند که از رهبران جایگاه‌هایی که سال را به چهار قسمت تقسیم می‌کنند پیروی می‌کند.

۱۶ در آغاز سال، میلکئیل اول طلوع کرده و فرمانروایی می‌کند که تماینی و خورشید نامیده می‌شود، و تمام روزهای فرمانروایی او در زمان حکومت او نود و یک روز است.

۱۷ و اینها نشانه‌های روزهایی است که در دوران فرمانروایی او بر زمین دیده می‌شود: عرق و گرما و آرامش. و همه درختان میوه می‌دهند و بر همه درختان برگ می‌روید و از خرمنهای گندم برداشت می‌شود و گل‌های رُز و همه گل‌هایی که در مزرعه می‌رویند شکوفا می‌شوند، اما درختان فصل زمستان پژمرده می‌شوند.

۱۸ و اینها اسامی رهبرانی است که زیر دست آنها هستند: برکائیل، زلبسل، و دیگری که رئیس یک هزار است هیلوجیسف نامیده می‌شود. که ایام حکومت این یکی تمام شده است.

۱۹ رهبر بعدی بعد از او هلملک است که او را خورشید درخشان می‌نامد و تمام روزهای نور افشانی او، نود و یک روز است. و این نشانه‌های روزهای روی زمین است: گرمای سوزان و خشکسالی، و میوه همه درختان می‌رسند و میوه آنها پُر آب و آماده خوردن می‌شود. و گوسفندان با هم جفت شده و آبستن می‌شوند؛ و مردم تمام میوه‌های زمین و هر چه در مزارع است و خمره‌های شراب را جمع می‌کنند. و این امور در ایام حکومت او رخ می‌دهد.

۲۰ اینها نامها و دستورات و رهبران آن رؤسای هزار است: گیدایال، کیل، و هیل، و نام رئیس هزار نفری که به آنها افزوده شده، اسفائل است، و روزهای سلطنت او رو به اتمام است.



## رؤیایها

۱ و اکنون، پسر من متوشالچ، تمام رؤیایهای خود را که دیده‌ام به تو نشان خواهم داد و آنها را در حضور تو بازگو خواهم کرد.

۲ قبل از اینکه ازدواج کنم، دو رؤیا دیدم که یکی از آنها کاملاً متفاوت از دیگری بود. اولین رؤیا وقتی بود که نوشتن را یاد می‌گرفتم. و دومی را قبل از اینکه مادرت را به خانه خودم ببرم دیدم که بسیار وحشتناک بود.

۳ و در مورد آنها در حضور خداوند دعا و تضرع کردم. من در خانه پدر بزرگم محللئیل دراز کشیده بودم، و در رؤیا دیدم که چگونه آسمان فرو ریخت و از بین رفت و به زمین افتاد.

۴ و چون به زمین افتاد، دیدم که چگونه زمین در پرتگاهی بزرگ فرو رفت و کوهها بر کوهها آویزان شدند و تپه‌ها بر تپه‌ها فرو رفتند و درختان بلند از ریشه کنده و به پایین پرتاب شده و در پرتگاه فرو رفتند.

۵ و در آن هنگام سخنی در دهان من قرار گرفت و من بلند شدم و با صدای بلند فریاد زدم و گفتم: زمین ویران شد.

۶ پدر بزرگم محللئیل در حالی که نزدیک او دراز کشیده بودم، مرا بیدار کرد و به من گفت: «پسر من، چرا چنین گریه و ناله می‌کنی و چرا چنین فریاد زدی؟»

۷ من تمام رؤیایی را که دیده بودم برای او بازگو کردم، و او به من گفت: «پسر من، چیز وحشتناکی دیدی، و رویای غم‌انگیز تو مربوط به اسرار تمام گناهان زمین است. باید در ورطه نابودی فرو رود و با ویرانی بزرگی از بین برود.»

۸ اکنون، پسر من، برخیز و نزد خداوند جلال دعا کرده و از او درخواست کن، زیرا تو نسبت به او وفادار هستی تا او تمام زمین را از بین نبرد و بقایایی در زمین باقی بماند. پسر من، همه این وقایع از آسمان بر زمین نازل خواهد شد و بر زمین ویرانی عظیم خواهد بود.»

۹ پس از آن برخاستم و دعا و التماس و تضرع کردم و دعای خود را برای نسل‌های کنونی و بعدی جهان نوشتم و پسر من متوشالچ همه چیز را به تو نشان خواهم داد.

۱۰ و چون بیرون آمدم و آسمان و خورشید را دیدم که از مشرق طلوع می‌کند و ماه در مغرب غروب می‌کند و چند ستاره و تمام زمین و هر آنچه را دیدم که خداوند از ابتدا خلق کرده بود. خداوند داور را متبارک خواندم و او را ستایش کردم، زیرا خورشید را از دروازه‌های مشرق بیرون آورد و به بالا می‌برد چنانچه بر روی آسمان طلوع کرده و به راه می‌افتد و راهی را که به او نشان داده شده است طی می‌کند.

۱۱ و دستان خود را به نیکی بلند کرده و قدوس و بزرگ را تمجید کردم. و با نفس دهان خود و با زبان گوشتی شروع به صحبت کردم که خدا برای بدن فرزندان انسان آفریده است تا با آن صحبت کنند. و به آنها نفس و زبان و دهان داده است تا با آنها سخن بگویند.

۱۲ «ای خداوند، ای پادشاه، که در عظمت خود بزرگ و توانا هستی، ای خداوند خالق تمامی آسمان، پادشاه پادشاهان و خدای تمامی جهان، متبارک باشد.

۱۳ و قدرت و سلطنت و عظمت تو تا ابدالابد و سلطنت تو در تمام نسل‌ها تا ابد باقی بماند. و جمیع آسمانها تخت توست تا ابدالابد و تمامی زمین زیر پای تو تا ابدالابد.

۱۴ ازیرا تو همه چیز آفریدی و بر همه چیز حکومت می‌کنی و هیچ چیز برای تو سخت نیست.

۱۵ حکمت از جایگاه تو دور نمی‌شود و از حضور تو روی بر نمی‌گرداند.

۱۶ و تو همه چیز را می‌دانی و می‌بینی و می‌شنوی و هیچ چیزی بر تو پوشیده نیست زیرا تو همه چیز را به درستی می‌بینی.

۱۷ و اکنون فرشتگان آسمان تو مرتکب گناه شده‌اند و خشم تو بر بدن انسانها تا روز بزرگ داوری باقی و استوار است.

۱۸ و اکنون، ای خدا و خداوند و پادشاه بزرگ، من نزد تو تضرع و التماس می‌کنم که دعای مرا برآورده کنی تا نسلی را بر روی زمین باقی بگذاری تا تمام نسل بشر از بین نرود و زمین را خالی از سکونت نکنی چنانچه تا ابدیت همه چیز نابود شود.

۱۹ و اینک ای پروردگار من، هر انسان آفریده شده از گوشت که که خشم تو را برانگیخته است، از روی زمین هلاک کن، اما انسان عادل و راستگو را مانند بذر گیاه تا ابد استوار بساز. و ای خداوند، روی خود را از دعای بنده خود برنگردان و پنهان مکن.

۲۰ و بعد از این خواب دیگری دیدم و پسر من تمام خواب را برای تو بازگو خواهم داد.

۲۱ و خنوخ برخاست و به پسر خود متوشالغ گفت: «ای پسر، با تو سخن خواهم گفت، سخنان مرا بشنو و گوش خود را به رویای پدرت متمایل کن.

۲۲ قبل از اینکه مادرت ادنا را به همسری بگیرم، در رویایی بر بستر خود دیدم، اینک گاو نری از زمین بیرون آمد و آن گاو سفید بود. و بعد از آن یک گوساله ماده بیرون آمد و به همراه آن دو گاو نر بیرون آمدند که یکی سیاه و دیگری سرخ بود.

۲۳ و آن گاو نر سیاه رنگ، به گاو سرخ حمله نمود و سپس او را بر روی زمین تعقیب کرد و من دیگر نتوانستم آن گاو قرمز را ببینم.

۲۴ اما آن گاو نر سیاه رشد کرد و آن گوساله ماده با او رفت و دیدم که گاوهای نر بسیاری که مانند آن بودند از آن بیرون آمدند و به دنبال او رفتند.

۲۵ و آن گاو، همان گاو اول، از حضور آن گاو نر اول آمد تا آن گاو سرخ را پیدا کند، اما او را پیدا نکرد، و سپس با زاری شدید برای او ناله کرد و به جستجوی آن ادامه داد.

۲۶ و من نگاه کردم تا آن گاو نر اول نزد او آمد و او را آرام کرد و از آن زمان به بعد دیگر گریه و ناله نکرد.

۲۷ و پس از آن گاو نر سفید دیگری به دنیا آمد و پس از آن، گاوهای نر و گاوهای سیاه زیادی به دنیا آمدند.

۲۸ و در خواب دیدم که گاو سفید نیز رشد کرد و به گاو سفید بزرگی تبدیل شد و از او گاوهای سفید زیادی بیرون آمدند که کاملاً شبیه او بودند.

و آنها شروع به به دنیا آوردن گاوهای نر سفید زیادی کردند که به آنها شباهت داشتند، یکی به دنبال دیگری و به تعداد بسیار.

۲۹ و دوباره در حالی که خواب بودم با چشمان خود نگاه کردم، و آسمان را در بالا دیدم، و اینک ستاره‌ای از آسمان افتاد، و برخاست و در مرتع و در میان آن گاوهای نر شروع به چریدن کرد.

۳۰ و بعد از آن گاوهای نر بزرگ و سیاه را دیدم، و اینک همه آنها آغل و مراتع و گله خود را تغییر دادند و شروع به زندگی با یکدیگر کردند.

۳۱ و دوباره در رؤیا دیدم و به آسمان نگاه کردم و اینک ستارگان زیادی را دیدم که فرو می‌ریزند و از آسمان بر آن ستاره اول فرو ریختند و در میان آن گاوها، گاو نر شدند و با آنها در میان مراتع شروع به چریدن کردند.

۳۲ و من به آنها نگاه کردم و دیدم که همه آنها مانند اسب، عورت خود را رها کرده و شروع به سوار شدن بر گاوهای نر کردند. و همه آبستن شدند و فیل و شتر و الاغ به دنیا آوردند.

۳۳ و جمیع گاوها از ایشان ترسیده و وحشت کردند و شروع به گاز گرفتن با دندانها و بلعیدن حریصانه کردند و با شاخهای خود به شاخ زدن مشغول شدند.

۳۴ پس آنها شروع به بلعیدن آن گاوهای نر کردند، و اینک، همه نسل انسان بر روی زمین شروع به لرزیدن و وحشت از آنها کردند و از برابر آنها می‌گریختند.

۳۵ و دوباره دیدم که چگونه آنها شروع به نعره زدن و بلعیدن یکدیگر کردند و زمین با صدای بلند شروع به ناله و فریاد زدن کرد.

۳۶ و دوباره چشمان خود را به آسمان بلند کردم و در رؤیا دیدم و اینک موجوداتی از آسمان بیرون آمدند که مانند مردان سفید پوست بودند و چهار نفر از آن مکان بیرون آمدند و سه نفر دیگر نیز با آنها.

۳۷ و آن سه نفری که آخرین بار بیرون آمده بودند، مرا به دست خود گرفتند و از نسلهای زمین جدا کرده و به مکانی بلند بالا بردند، و برجی را که بر فراز زمین بلند شده بود و همه تپه‌ها را که در پایین‌تر بودند به من نشان دادند.

۳۸ و یکی به من گفت: «اینجا پمان تا هر آنچه را که بر سر آن فیل‌ها، شترها و الاغ‌ها و ستارگان و گاوهای نر و همه آنها می‌آید ببینی.»

۳۹ و یکی از آن چهار نفر را دیدم که اول بیرون آمده بود، و اولین ستاره را که از آسمان افتاده بود گرفت و دست و پایش را بست و به ورطه انداخت.

۴۰ و آن ورطه یک پرتگاه باریک و عمیق و وحشتناک و تاریک بود.

۴۱ و یکی از آنها شمشیر خود را کشید و به آن فیل‌ها و شترها و الاغ‌ها داد. و آنها شروع به زدن یکدیگر کردند و تمام زمین به خاطر آنها شروع به لرزیدن کرد.

۴۲ و همانطور که در رؤیا مشاهده می‌کردم، اینک، یکی از آن چهار نفر که بیرون آمده بود، آنها را از آسمان سنگسار کرد، و آنها را جمع کرده و همه ستارگان بزرگ را که عورت آنها مانند اسب بود، گرفت و دست و پای همه آنها را بست، و آنها را در ورطه‌ای از زمین انداخت.

۴۳ و یکی از آن چهار نفر نزد آن گاو نر سفید رفت و رازی را به وی آموزش داد، بدون

اینکه دچار وحشت شود. از او یک گاو نر به دنیا آمد، که تبدیل به یک مرد شد و برای خود ظرف بزرگی ساخت و در آن ساکن شد و سه گاو نر نیز با او در آن ظرف ساکن شدند و درب ظرف را پوشاندند.

۴۴ و دوباره چشمانم را به سوی آسمان بلند کردم و سقف بلندی را دیدم که هفت نهر آب روی آن بود و آن جویبارها با آب بسیار به محوطه‌ای سرازیر شد.

۴۵ و من دوباره دیدم، و اینک چشمه‌هایی بر روی سطح آن محوطه بزرگ باز شد، و آن آب شروع به متورم شدن کرد و از سطح بالا آمد و آن محوطه را دیدم تا جایی که تمام سطح آن با آب پوشانده شد.

۴۶ و آب و تاریکی و مه بر آن افزوده شد. و همانطور که به ارتفاع آن آب نگاه کردم، آن آب از ارتفاع آن محوطه بالاتر آمده بود و بر آن محوطه جریان داشت و بر روی زمین جمع می‌شد.

۴۷ و همه گله گاوهای آن محوطه جمع شدند تا اینکه دیدم چگونه در آب بلعیده شده و غرق شدند و در آن آب هلاک شدند.

۴۸ اما آن ظرف روی آب شناور بود، در حالی که همه گاوها و فیلها و شترها و الاغها با همه حیوانات به اعماق آب فرو می‌رفتند، به طوری که من دیگر نمی‌توانستم آنها را ببینم و آنها حتی قادر به فرار نبودند، سرانجام همه آنها در اعماق آب فرو رفتند و هلاک شدند.

۴۹ و دوباره در رؤیا دیدم تا این که آن نهرهای آب از آن سقف بلند برداشته شد و شکافهای زمین هموار شد و پرتگاههای ژرف و عمیق دیگری گشوده شد.

۵۰ آنگاه آب در آنها فرو ریخت تا زمین نمایان شد. اما آن ظرف بر روی زمین نشست و تاریکی از بین رفت و نور ظاهر شد.

۵۱ اما آن گاو نر سفید که مرد شده بود از آن ظرف بیرون آمد و سه گاو نر همراه او بود. و یکی از آن سه گاو نر سفید بود، مانند آن گاو نر، و یکی از آنها سرخ رنگ و یکی سیاه بود. و آن گاو نر سفید از بین آنها جدا شد و رفت.

۵۲ و آنها شروع به زایش جانوران صحرا و حیوانات و پرندگان کردند، به طوری که از آنها انواع گونه‌های متفاوت پدید آمد: شیر، ببر، گرگ، سگ، کفتار، گراز وحشی، روباه، سنجاب، خوک، شاهین، کرکس، زغن، عقاب، و زاغ. اما در میان آنها یک گاو

سفید نیز متولد شد.

۵۳ و آنها شروع به گاز گرفتن یکدیگر کردند. اما آن گاو نر سفیدی که در میان آنها به دنیا آمده بود یک الاغ وحشی و یک گاو سفید از آن به دنیا آمد و الاغ‌های وحشی زیاد شدند. اما آن گاو نر که از او متولد شد، یک گراز سیاه وحشی و یک گوسفند سفید به دنیا آورد. و اولی گرازهای زیادی به دنیا آورد، اما از آن گوسفند فقط دوازده گوسفند به دنیا آمد.

۵۴ و هنگامی که آن دوازده گوسفند رشد کرده و بزرگ شدند، یکی از آنها را به الاغ دادند، و آن الاغ‌ها دوباره آن گوسفند را به گرگ‌ها دادند و آن گوسفند در میان گرگ‌ها رشد کرده و بزرگ شد.

۵۵ و خداوند یازده گوسفند را آورد تا با آنها زندگی کرده و در میان آنها ساکن شود و با آنها در میان گرگ‌ها به چریدن مشغول شوند. و آنها زیاد شده و گله‌های گوسفند بسیار شدند.

۵۶ و گرگ‌ها از آنها ترسیدند و بر آنها ستم کردند تا اینکه بچه‌های آنها را هلاک کرده و از بین بردند. و سپس بچه‌هایشان را در رودخانه‌ای پر آب انداختند. اما آن گوسفندان به خاطر بچه‌هایشان فریاد بر آورده و نزد خداوند شکایت کردند.

۵۷ اما گوسفندی که از دست گرگ‌ها نجات یافته بود، فرار کرده و به سوی الاغ‌های وحشی گریخت. و گوسفندان را دیدم که ناله می‌کنند و فریاد می‌زنند و با تمام قوت از خداوند خود استغاثه می‌کنند تا آن که آن خداوند گوسفندان بر اساس ندای گوسفندان از جایگاه بلندی فرود آمده و نزد ایشان آمد و آنها را به چراگاه برد.

۵۸ و آن گوسفندی را که از دست گرگ‌ها فرار کرده بود، فرا خواند و در مورد گرگ‌ها با او صحبت کرد تا به آنها هشدار دهد که به گوسفندان دست نزنند.

۵۹ و آن گوسفند طبق کلام خداوند نزد گرگ‌ها رفت و گوسفندی دیگر با آن گوسفند ملاقات کرد و با آن همراه شد. و آن دو با هم وارد مجلس آن گرگ‌ها شدند و با آنها صحبت کردند و به آنها هشدار دادند که از آن به بعد به آن گوسفندان دست نزنند.

۶۰ و در آن هنگام گرگ‌ها را دیدم که چگونه با تمام قدرت خود بر گوسفندان ستم بیشتر کردند. و گوسفندان با صدای بلند فغان کرده و فریاد بر آوردند.

۶۱ و خداوند نزد گوسفندان آمد و آنها شروع به زدن آن گرگ‌ها کردند و گرگ‌ها شروع



به ناله و زاری کردند. اما گوسفندان ساکت شدند و از آن به بعد دیگر فریاد نکشیدند. ۶۲ و گوسفندان را دیدم تا اینکه از دست گرگ‌ها نجات یافتند. اما چشمان گرگ‌ها کور شد و آن گرگ‌ها با تمام قدرت خود به تعقیب گوسفندان رفتند.

۶۳ و خداوند گوسفندان که رهبر آنها بود در حالی که آنها را هدایت می‌کرد با آنها رفت و همه گوسفندان او از وی پیروی می‌کردند و چهره او خیره کننده و با شکوه و ظاهرش مهیب بود.

۶۴ اما گرگ‌ها شروع به تعقیب آن گوسفندان کردند تا اینکه به دریای آب رسیدند و با آنها برخورد کردند.

و آن دریا به دو نیم تقسیم شد و آب از این طرف و آن طرف در برابر آنها ایستاد و خداوند آنها در حالیکه آنها را رهبری می‌کرد، میان آنها و گرگ‌ها قرار گرفت.

۶۵ و چون آن گرگ‌ها هنوز گوسفندان را ندیده بودند، به میان آن دریا رفتند، و گرگ‌ها به تعقیب گوسفندان پرداختند، و آن گرگ‌ها به دنبال آنها در وسط آن دریا دویدند.

۶۶ اما چون خداوند گوسفندان را دیدند، از مقابل او فرار کردند. اما آن دریا خود را جمع کرد و شکاف بین آن دوباره پر از آب شد و به شکل طبیعی و اولیه خود درآمد و آب متورم شد و بالا آمد تا جایی که آن گرگ‌ها را پوشاند.

۶۷ و آنگاه دیدم که تمام گرگ‌هایی که آن گوسفندان را تعقیب می‌کردند، هلاک و غرق شدند.

۶۸ اما گوسفندان از آن آب رهایی یافتند و به بیابانی رفتند، جایی که هیچ آب و علفی در آن نبود. و آنها شروع به باز کردن چشمان خود کردند و بیابان را دیدند. اما من خداوند گوسفندان را دیدم که آنها را می‌چراند و به آنها آب و علف می‌دهد و با آن گوسفندان می‌رود و آنها را هدایت می‌کند.

۶۹ و آن گوسفندان به قله آن صخره بلند بالا رفتند و خداوند گوسفندان آن را به نزد آنها فرستاد.

۷۰ و بعد از آن خداوند گوسفندان را دیدم که در برابر ایشان ایستاده بود و ظاهرش بزرگ و مهیب و با شکوه بود و همه آن گوسفندان او را دیدند و در مقابل او ترسیدند.

۷۱ و همگی از او ترسیدند و می‌لرزیدند و به آن گوسفندی که با آنها و در میانشان بود ندا دادند: «ما نمی‌توانیم در برابر خداوند بایستیم یا به او نگاه کنیم».

۷۲ و گوسفندی که آنها را هدایت می‌کرد، دوباره به قله آن صخره رفت. و گوسفندان شروع به کور شدن کردند و از راهی که به آنها نشان داده شده بود گمراه شدند، اما آن گوسفند از آن خبر نداشت.

۷۳ و خداوند گوسفندان به شدت بر آنها خشمگین شد و آن گوسفند متوجه آن شد و از قله صخره پایین آمده و نزد گوسفندان آمد و اکثر آنها را دید که کور و گمراه شده بودند.

۷۴ و چون آن را دیدند از حضور آن ترسیده و دچار لرز شدند و خواستند به خانه اولیه خود بازگردند.

۷۵ و آن گوسفند چند گوسفند دیگر را با خود برداشت و نزد آن گوسفندان گمراه رفت و سپس شروع به کشتن آنها کرد و گوسفندان از حضور آن ترسیدند و به این ترتیب آن گوسفند، گوسفندانی را که گمراه شده بودند بازگرداند و آنها به آغل خود بازگشتند.

۷۶ و در این رؤیا دیدم تا اینکه آن گوسفندان انسان شدند و خانه‌ای برای خداوند گوسفندان بنا کرد و همه گوسفندان را در آن خانه قرار داد.

۷۷ و من مشاهده کردم و دیدم آن گوسفندی که قبلا با آن گوسفندی که گوسفندان را هدایت می‌کرد ملاقات کرده بود، به خواب رفت. و نگرستم و دیدم تا اینکه همه گوسفندان بزرگ هلاک شدند و بچه‌های کوچک به جای آنها برخاستند و به مرتعی رسیدند و به رودخانه‌ای از آب نزدیک شدند.

۷۸ سپس آن گوسفند، رهبر آنها که مرد شده بود، از آنها کناره گرفت و به خواب رفت و همه گوسفندان در جستجوی آن بودند و با ناله و فغان شدید بر آن گریه کردند.

۷۹ و من نگرستم تا این که گریه بر آن گوسفند را به پایان رساندند و از آن نهر آب گذشتند. و دو گوسفندی که به عنوان رهبر به جای کسانی که آنها را رهبری کرده بودند برخاسته بودند به خواب رفتند.

۸۰ و دیدم تا گوسفندان به مکانی نیکو و زمینی دلپذیر و باشکوه رسیدند و دیدم تا آن گوسفندان سیر شدند. و آن خانه در آن سرزمین سرسبز و دلپذیر وسط آنها بود.

۸۱ و گاهی چشمانشان باز می‌شد و گاهی کور می‌شد، تا اینکه گوسفندی دیگر برخاست و آنان را هدایت کرد و همه را برگرداند و چشمانشان باز شد.

۸۲ و سگها و روباهها و گرازهای وحشی شروع به خوردن آن گوسفندان کردند تا اینکه

خداوند گوسفندان قوچ دیگری را از میان آنها برانگیخت و آنها را هدایت کرد. و آن قوچ از هر دو طرف شروع به زدن آن سگ‌ها، روباه‌ها و گرازهای وحشی نمود تا زمانی که همه آنها را نابود کرد.

۸۳ و آن گوسفندی که چشمانش باز شده بود، آن قوچ را در میان گوسفندان دید، که چگونه از شکوه خود چشم پوشی کرده و شروع به شاخ زدن آن گوسفندان کرد و آنها را زیر پای خود لگدمال کرده و رفتار ناشایست از خود نشان داد.

۸۴ و خداوند گوسفندان، بره را نزد بره دیگری فرستاد و آن را به جای قوچی که جلال خود را ترک کرده بود برانگیخت تا قوچ شود رهبری گوسفندان را بر عهده بگیرد.

۸۵ و آن قوچ نزد آن رفت و تنها با آن صحبت کرد و آن قوچ را برانگیخت و او را امیر و رهبر گوسفندان قرار داد. اما در تمام این مدت، آن سگ‌ها به گوسفندان ظلم می‌کردند.

۸۶ و قوچ اول آن قوچ دوم را تعقیب کرد و آن قوچ دوم برخاست و از جلوی گریخت. و من نگاه کردم تا زمانی که آن سگ‌ها اولین قوچ را پایین کشیدند.

۸۷ و آن قوچ دوم برخاست و گوسفند کوچک را هدایت کرد. و آن گوسفندها رشد کرده و زیاد شدند. اما همه سگ‌ها و روباه‌ها و گرازهای وحشی ترسیدند و از جلوی آن گریختند، و آن قوچ جانوران وحشی را در هم کوبیده و کشت، و آن حیوانات وحشی دیگر هیچ قدرتی در میان گوسفندان نداشتند و دیگر نتوانستند چیزی از آنها دزدیده یا بدست آورند.

۸۸ و آن قوچ گوسفندان زیادی زایید و به خواب رفت. و گوسفند کوچکی به جای آن قوچ شد و امیر و رهبر آن گوسفندان شد و آن خانه بزرگ و وسیع شد که برای آن گوسفندان ساخته شده بود.

۸۹ بر آن خانه برج بلند و بزرگی برای خداوند گوسفندان ساخته شد و آن خانه پست بود، اما برج مرتفع و رفیع بود، و خداوند گوسفندان بر آن برج ایستاد و سفره‌ای پُر را پیش او پهن کردند.

۹۰ و من دوباره آن گوسفندان را دیدم که چگونه گمراه شدند و راه‌های بسیاری را طی کردند، و خانه خود را ترک کردند، و خداوند گوسفندها عده‌ای را از میان گوسفندها فرا خواند و آنها را نزد آن گوسفندها فرستاد، اما گوسفندها شروع به کشتن آنها کردند.

۹۱ و یکی از آنها نجات یافت و کشته نشد و به سرعت رفت و بر گوسفندان با صدای

بلند، فریاد سر داد. و در صد کشتن آن برآمدند، اما خداوند گوسفندان آن را از دست سایر گوسفندان نجات داد و نزد من آورد و در آنجا ساکن گردید.

۹۲ و بسیاری از گوسفندان دیگر را نزد آن گوسفندان فرستاد تا بر آنها شهادت دهند و برای آنها مرثیه خوانده و احساس تاسف کنند.

۹۳ و بعد از آن دیدم که وقتی خانه خداوند و برج او را ترک کردند، به کلی گمراه شده و چشمانشان کور شد. و خداوند گوسفندان را دیدم که چگونه آنها را در میان گله‌هایشان و در میان مراتع آنها قتل عام کرد تا اینکه آن گوسفندان آن بره ذبحی را دعوت کردند و به او خیانت کرده و مکانش را به دشمنان اطلاع دادند.

۹۴ و آنها را به دست شیرها و ببرها و گرگها و کفتارها و به دست روباهها و به همه حیوانات وحشی سپرد و آن حیوانات وحشی شروع به پاره پاره کردن گوسفندان کردند.

۹۵ و دیدم که چگونه آن خانه و برج آنها را ترک کرد و همه آنها را به دست شیرها و به دست همه حیوانات وحشی سپرد تا آنها را دریده و ببلعند.

۹۶ و من با تمام قدرتم و با صدای بلند شروع به گریه کردم و به خداوند گوسفندان متوسل شدم، تا گوسفندانی را که توسط همه حیوانات وحشی در حال بلعیده شدن بودند، به او نشان دهم.

۹۷ اما او با این که دید، ساکت ماند و از این که آنها را خوردند و بلعیدند و بردند خوشحال شد. و آنها را رها کرد تا در دست همه جانوران بلعیده شوند.

۹۸ و او هفتاد شبان را فرا خواند و آن گوسفندان را نزد آنها افکند تا آنها را به چراگاه ببرند، و به شبانان و همراهانشان گفت: «بگذارید هر یک از شما گوسفندان را از این پس به چراگاه ببرد، و هر آنچه را انجام دهید که من به شما امر خواهم کرد. و من آنها را به شما تسلیم خواهم کرد که شمرده شده‌اند، و به شما می‌گویم کدام یک از آنها نابود می‌شوند و آنها را نابود کنید.»

۹۹ و آن گوسفندان را به آنها سپرد.

۱۰۰ و دیگری را فراخواند و به او گفت: «هر آنچه شبانان با آن گوسفندان خواهند کرد را مشاهده و بررسی کن، زیرا آنها بیش از آنچه من به آنها دستور داده‌ام، گوسفندان را از بین خواهند برد. و همه زیاده خواهی‌ها و تباهی‌های شبانان را بنویس. چه

تعداد را به فرمان من از بین می‌برند و چه بسیار را به میل خود نابود می‌کنند. در برابر هر شبان، به طور جداگانه، تمام آنچه را که نابود می‌کند، بنویسید. تا شهادتی بر آنها داشته باشم، و همه اعمال شبانان را بدانم، تا بفهمم و ببینم که آنها چه می‌کنند، آیا به فرمان من که به آنها دستور داده‌ام عمل می‌کنند یا نه، اما آنها نخواهند دانست. آن را به آنها اعلام نکن، و آنها را نصیحت نکن، بلکه فقط آنچه را که شبانان در دوران شبانی خود نابود می‌کنند، همه را بنویس و همه را به نزد من بیاور.»

۱۰۱ و من نگریستم و دیدم که آن شبانان در زمان خود، گوسفندان را به چراگاه بردند و بیش از آنچه خواسته بودند شروع به کشتن و نابود کردن کردند و آن گوسفندان را به دست شیرها تسلیم کردند.

۱۰۲ و شیرها و ببرها بیشتر آن گوسفندان را خوردند و بلعیدند و گرازهای وحشی نیز همراه با آنها می‌خوردند. و آن برج را سوزاندند و آن خانه را ویران کردند.

۱۰۳ و من به شدت بر آن برج اندوهگین شدم زیرا خانه گوسفندان ویران شده بود، و پس از آن نتوانستم ببینم آیا آن گوسفندان وارد آن خانه شده‌اند یا خیر.

۱۰۴ و شبانان و یارانسان آن گوسفندان را به جمیع حیوانات وحشی تسلیم کردند تا آنها را بلعند و هر یک از آنها در زمان خود تعداد معینی دریافت کردند: و برای هر کدام یکی پس از دیگری در کتابی نوشته شده است که هر یک از آنها چه تعداد را هلاک کردند.

۱۰۵ و هر کدام بیش از آنچه مقرر شده بود کشتند و هلاک کردند. و من برای آن گوسفندان بسیار گریستم و ناله و زاری کردم.

۱۰۶ و به این ترتیب، در رؤیا دیدم که چگونه هر یک را که توسط آن شبانان هلاک می‌شد، کسی آنرا می‌نوشت، روز به روز می‌نوشت، و سپس تمام کتاب را آورده و به خداوند گوسفندان تقدیم کرد، هر چه کرده بودند، و هر یک از آنها هر چه را از بین برده بودند، و هر چه را که به هلاکت رسانده بودند.

۱۰۷ و آن کتاب نزد خداوند گوسفندان خوانده شد و خداوند آن کتاب را از دست او گرفت و آن را خواند و مهر و موم کرد و کنار گذاشت.

۱۰۸ و بعد از آن دیدم که شبانان دوازده ساعت در مرتع مشغول چراندن بودند سه نفر از آن گوسفندان برگشتند و آمدند و شروع کردند به ساختن هر چه از آن خانه فرو افتاده بود. اما گرازهای وحشی سعی کردند مانع آنها شوند، اما نتوانستند.

۱۰۹ و دوباره شروع به ساختن مانند قبل کردند و آن برج را برپا کردند و آن را برج بلند نامیدند. و دوباره شروع کردند به گذاشتن یک میز جلوی برج، اما تمام نان روی آن آلوده و نجس شده بود و پاک نبود.

۱۱۰ و چون همه اینها را لمس کردند، چشمان آن گوسفندان نابینا شد، چنانچه چیزی نمی‌دیدند و شبانان آنها نیز به همان صورت نابینا شده بودند. و آنها را به تعداد زیادی برای هلاکت به دست شبانان خودشان سپردند و گوسفندان را با پاهای خود لگدمال کردند و آنها را بلعیدند.

۱۱۱ و خداوند گوسفندان بدون هیچ تحرکی ساکن ماند تا اینکه همه گوسفندان در دشت پراکنده شدند و با سایر گوسفندان در هم آمیختند اما آنها را از دست حیوانات و وحوش نجات ندادند.

۱۱۲ و آن کسی که کتاب را نوشت، آن را بر دوش خود حمل کرد و آورد و نشان داد و نزد خداوند گوسفندان خواند، و از جانب آنها، نزد خداوند آنها التماس و استدعا و درخواست کرد، در حالیکه تمام اعمال شبانان را به او نشان می‌داد. و در حضور او بر ضد همه شبانان شهادت داد.

۱۱۳ و اصل کتاب را گرفت و آن را در کنار خداوند بر زمین گذاشت و بیرون رفت.

۱۱۴ و تا آن زمانی که من نگاه می‌کردم سی و پنج شبان مسئولیت مرتع را برعهده گرفتند و دوره‌های خود را چندین بار مانند اولی به پایان رساندند. و به همین ترتیب شبان دیگری مسئولیت آنها را به دست خود می‌گرفت تا هر شبانی در دوره خود، گوسفندان را چرانده و به مرتع ببرد.

۱۱۵ و پس از آن در رؤیای خود دیدم که همه پرندگان آسمان می‌آیند، عقاب‌ها، کرکس‌ها، کلاغ‌ها، و زاغ‌ها. اما عقاب‌ها همه پرندگان را رهبری و هدایت می‌کردند. و آنها شروع به بلعیدن آن گوسفندان کردند و چشمانشان را در می‌آوردند و گوشتشان را می‌خوردند.

۱۱۶ و گوسفندان فریاد می‌زدند زیرا گوشت آنها توسط پرندگان خورده شده بود و من در خواب بر آن شبان که گوسفندان را می‌چراند نگاه کردم و با گریه برای عاقبت او تاسف می‌خوردم.

۱۱۷ و من نگرستم تا آن گوسفندان را آن سگها و عقابها و زاغ‌ها خوردند و نه گوشت و پوست و نه هیچ رگی از آنها باقی نگذاشتند تا اینکه فقط استخوانهایشان باقی ماند.

و استخوان آنها نیز بر زمین ریخت و تعداد گوسفندان کم شد.

۱۱۸ من تا زمانی که بیست و سه شبان مسئولیت مرتع را به عهده گرفتند همچنان مشغول نگاه کردن بودم و در چندی دوره این امر، پنجاه و هشت بار به انجام رسید.

۱۱۹ و بره‌های کوچکی از آن گوسفندان سفید به دنیا آمدند، و آنها شروع به باز کردن چشمان خود کردند و دیدند و بر گوسفندان فریاد زدند.

۱۲۰ آری، آنها نزد گوسفندان فریاد زدند، اما به آنچه به آنها گفتند گوش نکردند، بلکه بسیار ناشنوا بودند و چشمانشان به شدت کور شده بود.

۱۲۱ و در رؤیا دیدم که چگونه زاغ‌ها بر بالای سر آن بره‌ها پرواز کردند و یکی از آن بره‌ها را گرفتند و گوسفندان را تکه تکه کرده و بلعیدند.

۱۲۲ و من نگریستم تا اینکه شاخ بر سر آن بره‌ها رویید، اما کلاغ‌ها شاخ‌های آنها را از جا کردند. و من نگاه کردم تا اینکه شاخ بزرگی روی سر یکی از آن گوسفندها جوانه زد و رشد کرد و چشمانشان باز شد.

۱۲۳ و به آنها نگریست و چشمانشان باز شد و بر گوسفندان فریاد زد و قوچها آن را دیدند و همه به سوی آن دویدند.

۱۲۴ و با وجود همه اینها، آن عقابها و کرکسها و زاغها و کلاغ‌ها همچنان گوسفندها را دریدند و بر آنها هجوم آوردند و آنها را می‌بلعیدند؛ با این حال گوسفندها ساکت ماندند، اما قوچها ناله کرده و فریاد زدند.

۱۲۵ و آن زاغ‌ها با آن وارد نبرد شده و جنگیدند و می‌خواستند شاخ آن را از بین ببرند، ولی بر آن پیروز نشدند.

۱۲۶ همه عقاب‌ها و کرکس‌ها و زاغ‌ها و کلاغ‌ها دور هم جمع شدند و همه گوسفندان صحرا نیز با آنها آمدند، آری، همه آنها گرد هم آمدند و به یکدیگر کمک کردند تا شاخ آن قوچ را بشکنند.

۱۲۷ و دیدم تا اینکه شمشیر بزرگی به گوسفندان داده شد و گوسفندان به همه وحوش صحرا حمله بردند و خود را برای کشتن آنها آماده کردند و همه وحوش و پرندگان آسمان از جلوی آنها فرار کردند.

۱۲۸ و من به آن مرد نگاه کردم که کتاب را به دستور خداوند می‌نوشت، تا اینکه او آن کتاب را در مورد نابودی آن دوازده شبان آخر برای هر آنچه که انجام داده بودند، باز

کرد. و او در حضور خداوند گوسفندان نشان داد که آنها حتی بیشتر از کسانی که قبل از خودشان بودند دست به ویرانی زده و گوسفندان را هلاک کرده بودند.

۱۲۹ و من نگریستم تا زمانی که خداوند گوسفندان نزد آنها آمد و عصای خشم خود را به دست گرفت و به زمین زد و زمین شکافته و از هم جدا شد و همه حیوانات و پرندگان آسمان از میان گوسفندان فرو افتادند و در زمین فرو رفتند؛ در زمین بلعیده شدند و روی آنها پوشانده شد.

۱۳۰ و من نگریستم تا جایی که تختی در زمینی نیکو و زیبا برپا شد و پروردگار گوسفندان بر آن نشست و دیگری همه کتابهای مهر و موم شده را گرفت و آن کتابها را در حضور خداوند گوسفندان گشود.

۱۳۱ و خداوند آن مردان را اولین هفت سفید پوش نامید و دستور داد که اولین ستاره‌ای که راه را نشان می‌داد، و همه ستارگانی را که عورت آنها مانند اسب بود، به حضور او بیاورند، و آن مردان همه آنها را پیش او آوردند.

۱۳۲ و به آن مردی که در پیشگاه او، کتاب نوشته بود و یکی از آن هفت سفید پوش بود، چنین گفت: «آن هفتاد شبان را که گوسفندان را به آنها تسلیم کردم و آنها را به اختیار خود بردند، و بیشتر از آنچه من دستور داده بودم، از گوسفندان گرفته و کشتند، اینک نزد من بیاورید»

۱۳۳ و نگریسته و همه آنها را بسته دیدم و همه در مقابل او ایستادند.

۱۳۴ و داوری ابتدا بر ستارگان نازل شد و آنها مورد داوری قرار گرفتند و مجرم شناخته شدند و به محل محکومیت خود رفتند، به ورطه‌ای پر از آتش سوزان و شعله ور انداخته شدند که پُر از ستون‌های آتش بود.

۱۳۵ و آن هفتاد شبان نیز مورد داوری قرار گرفتند و مجرم شناخته شدند و به آن ورطه آتشین افکنده شدند.

۱۳۶ و در آن زمان دیدم که چگونه پرتگاه ماندنی، پر از آتش در وسط زمین گشوده شد و آن گوسفندان کور را آوردند و تمامی آنها مورد داوری قرار گرفته و مجرم شناخته شدند و به این ورطه آتشین انداخته شدند و سوختند. در حالیکه این پرتگاه و ورطه آتشین در سمت راست آن خانه بود.

۱۳۷ و آن گوسفندان را دیدم که همگی می‌سوختند و حتی استخوان آنها نیز



می سوخت.

۱۳۸ و من برخاستم تا نگاه کنم که چگونه آن خانه قدیمی را جمع کردند. و تمام ستونها را برداشتند و تمام تیرها و زیور آلات خانه را همزمان با آن جمع کرده و بردند و در محلی در جنوب زمین قرار دادند.

۱۳۹ و دیدم تا اینکه خداوند گوسفندان خانه جدیدی بزرگتر و بلندتر از آن خانه اول آورد و آن را در محل خانه اولی که برچیده شده بود دوباره برپا کرد؛ تمام ستونهای آن نو و زیور آلات آن نو و بزرگتر از ستون اولی بود. خانه قدیمی و کهنه برداشته شده بود و اینک تمامی گوسفندان در میان خانه نو قرار داشتند.

۱۴۰ و جمیع گوسفندان باقیمانده و همه وحوش روی زمین و همه پرندگان آسمان را دیدم که به زمین می افتند و به آن گوسفندان ادای احترام می کردند و از آنها درخواست می کردند و در هر کاری از آنها اطاعت می کردند.

۱۴۱ و پس از آن سه نفر که لباس سفید پوشیده بودند دست مرا گرفتند، آنها همان کسانی هستند که قبلا مرا به آسمان بالا برده بودند، آنها با دست آن قوچ که مرا نیز در آغوش گرفته بود، مرا بلند کرده و قبل از داوری در میان آن گوسفندان فرود آوردند.

۱۴۲ و آن گوسفندان همه سفید بودند و پشمشان فراوان و پاک بود.

۱۴۳ و همه آنهایی که هلاک و پراکنده شده بودند و همه حیوانات صحرا و همه پرندگان آسمان در آن خانه جمع شدند؛ و خداوند گوسفندان با مسرت فراوان شادی می کرد زیرا همه آنها خوب بودند و به آنجا و به خانه او بازگشته بودند.

۱۴۴ و من نگریستم و دیدم که آن شمشیر را که به گوسفندان داده شده بود زمین گذاشتند و آن را به خانه او باز گرداندند و در حضور خداوند مَهر و موم شد و همه گوسفندان به آن خانه دعوت شدند، اما او آنها را در آنجا محصور نکرد.

۱۴۵ و چشمان همگان گشوده شد و نیکوکاران را دیدند و در میان آنان احدی نبود که نبیند.

۱۴۶ و دیدم که آن خانه بزرگ و وسیع و فوق العاده پُر بود.

۱۴۷ و دیدم که چگونه گاو نر سفیدی به دنیا آمد و شاخهایش بزرگ بود و همه حیوانات وحشی و همه پرندگان آسمان از آن می ترسیدند و پیوسته از آن التماس و درخواست می کردند.

۱۴۸ نگریستم و دیدم که چگونه تمامی نسل آنها دگرگون شدند و همگی گاوهای نر سفید شدند. و اولین آنها بره شد و آن بره حیوان بزرگی شد و شاخهای سیاه بزرگی بر سر داشت. و خداوند گوسفندان بر آن و بر همه گاوها شادمان بود و شادی می‌کرد.

۱۴۹ و من در میان آنها خوابیدم و بیدار شدم و همه چیز را دیدم.

۱۵۰ این رؤیایی است که در خواب دیدم و از خواب بیدار شدم و خداوند عادل را متبارک خوانده و او را جلال دادم و تمجید کردم.

۱۵۱ اما پس از آن به شدت گریستم و اشکهایم قطع نمی‌شد تا اینکه دیگر اشکی برایم باقی نماند. زیرا همه این چیزها تحقق یافته و به وقوع خواهد پیوست، و تمام اعمال مردم به ترتیب آنها به من نشان داده شده بود.

۱۵۲ در آن شب اولین خواب خود را به یاد آوردم و به خاطر آن گریه کردم و مضطرب شدم، بخاطر هر آنچه که در آن رؤیا دیده بودم.



## رهنمود خنوخ

۱ و اکنون، پسرمتوشالِح، همه برادرانت را نزد من بخوان و همه پسران مادرت را نزد من جمع کن. زیرا ندایی مرا می‌خواند و روحی بر من جاری می‌شود تا هر آنچه را که تا ابد بر تو خواهد آمد به تو نشان دهم.

۲ و آنگاه متوشالِح رفت و جمیع برادران خود را نزد خود خواند و خویشاوندان او را جمع کرد.

۳ و خنوخ با همه پسرانش از عدالت سخن راند و چنین گفت: «ای فرزندان من، تمام سخنان پدر خود را بشنوید و به صدای دهان من به درستی گوش فرا دهید، زیرا من شما را نصیحت و تشویق می‌کنم و تمامی اینها را به شما عزیزان بازگو می‌کنم.

۴ راستی را دوست بدارید و در آن قدم بردارید!

و با دو دلی به راستی نزدیک نشوید و با دو دلان شریک نشوید؛ پسران من، به عدالت و به نیکویی گام بردارید.

۵ که شما را به راه‌های نیکو هدایت می‌کند و عدالت همنشین شما خواهد بود.

۶ زیرا می‌دانم که ظلم و خشونت باید بر روی زمین زیاد شود، آنگاه عذاب و مجازات بزرگی بر روی زمین نازل خواهد شد، و هر نوع بی‌عدالتی پایان خواهد یافت، آری، از ریشه‌های خود بریده و منقطع خواهد شد، و تمامی بنای آن ویران شده و از بین می‌رود.

۷ و بی‌عدالتی و ظلم دوباره بر روی زمین جاری خواهد شد، و همه اعمال زشت و ناپسند، و تجاوز به دو برابر بدتر از قبل افزایش خواهد یافت.

۸ و هنگامی که گناه، ظلم، کفر، نابرابری، و خشونت در نوع خود زیاد شود و ارتداد و پلیدی و ناپاکی به حد فراوانی برسد، عذاب بزرگی از آسمان بر همه اینها نازل خواهد شد و خداوند مقدس با خشم و غضب از جایگاه خود بیرون خواهد آمد تا داوری را بر روی زمین جاری سازد.

۹ در آن روزها ظلم از ریشه قطع خواهد شد، و ریشه‌های ناراستی و نیرنگ کاملاً از زیر آسمان نابود و محو خواهند شد.

۱۰ و تمام بت‌های امته‌ها، متروک و تسلیم خواهند شد و معابد با آتش سوزانده خواهند شد و تمامی آنها از روی زمین محو خواهند گردید و آتش به داوری افکنده خواهند شد و در غضب و در حکم سختی که تا ابدیت ادامه دارد هلاک خواهند شد.

۱۱ و عادلان از خواب بر می‌خیزند و حکمت بر می‌خیزد و به آنان داده می‌شود.

۱۲ و پس از آن ریشه‌های بی‌عدالتی و ظلم قطع خواهد شد و گناهکاران با شمشیر نابود و هلاک شده و کفر گویان در هر مکان منقطع و نابود خواهند شد.

۱۳ و اکنون به شما فرزندانم می‌گویم و راه‌های عدالت و راه‌های ظلم را به شما نشان می‌دهم.

۱۴ آری، آنها را دوباره به شما نشان خواهم داد تا بدانید چه اتفاقی خواهد افتاد.

۱۵ و اکنون، ای پسران من، به من گوش دهید، و در راه‌های عدالت گام بردارید، و در راه‌های خشونت و نادرست گام برندارید. زیرا همه کسانی که در راه‌های گناه و ناراستی گام بر می‌دارند تا ابد هلاک خواهند شد.»



## حکمت خنوخ

۱ این حکمت و تعلیم کامل که توسط خنوخ کاتب نوشته شده است، مورد ستایش همه مردم و داور کل زمین است. برای همه فرزندان من که روی زمین ساکن خواهند شد؛ و برای نسل‌های آینده که عدالت و صلح را رعایت کنند.

۲ «روح شما به خاطر روزگار مضطرب نشود، زیرا قدوس و بزرگ اعظم، برای همه چیز روزهایی تعیین کرده است.

۳ و عادل از خواب برمی‌خیزد، وقتی برخاست در راه‌های عدالت گام بر می‌دارد و تمام راه‌های او و سخنان او در خیریت و فیض ابدی خواهد بود.

۴ خداوند نسبت به شخص عادل، لطف و رحمت خواهد داشت و به او عدالت ابدی داده و به او قدرت خواهد بخشید و او در نیکی و عدالت زندگی خواهد کرد.

۵ و او در نور ابدی گام بر خواهد داشت.

۶ و گناه تا ابد در تاریکی نابود و هلاک خواهد شد و از آن روز تا ابد دیگر دیده نخواهد شد.»

۷ و پس از آن خنوخ هم کتابها را به آنها داد و هم از روی کتابها شروع به صحبت کرد.

۸ و خنوخ چنین شروع کرد: «درباره فرزندان عدالت و در مورد برگزیدگان جهان، و در مورد گیاه عدالت و راستی، و این چیزها با شما صحبت خواهم کرد.»

۹ آری، من خنوخ، مطابق آنچه در رؤیای آسمانی بر من ظاهر شد، و از طریق کلام فرشتگان مقدّس شناختم و از لوح‌های آسمانی آموختم؛ همه را برای شما پسرانم بازگو خواهم کرد.

۱۰ و خنوخ از روی کتابها شروع به صحبت کرد و گفت:

۱۱ «من در هفتمین هفته اول به دنیا آمدم، در حالی که داوری و عدالت همچنان پا بر جا بود.»

۱۲ و بعد از من در هفته دوم ظلم و شرارت بزرگی پدید آمد و فریب و نیرنگ ظاهر شد. و آن پایان اول خواهد بود.

۱۳ و در آن یک انسان نجات خواهد یافت. و پس از پایان یافتن آن، بی عدالتی و ظلم زیاد خواهد شد و برای گناهکاران احکام شریعت وضع خواهد شد.

۱۴ و پس از آن در هفته سوم، در پایان آن مردی به عنوان نهال داوری عادلانه انتخاب خواهد شد و نسل او برای همیشه نهال عدالت به ثمر خواهند آورد.

۱۵ و پس از آن در هفته چهارم، در پایان آن، رؤیاهای مقدسان و صالحان دیده خواهد شد، و شریعتی برای همه نسل‌ها وضع شده و محوطه‌ای برای آنها ساخته می‌شود.

۱۶ و پس از آن در هفته پنجم، در پایان آن، خانه جلال و سلطنت برای همیشه ساخته خواهد شد.

۱۷ و پس از آن در هفته ششم، همه ساکنان آن کور خواهند شد، و دل‌های همگی آنها همانند منکران خداوند، حکمت را ترک خواهد کرد.

۱۸ و در آن مردی صعود خواهد کرد. و در پایان آن، خانه سلطنت با آتش سوزانده خواهد شد، و تمام نژاد ریشه انتخاب شده پراکنده خواهند شد.

۱۹ و بعد از آن در هفته هفتم نسلی مرتد پدید خواهد آمد و اعمالش بسیار خواهد

بود اما همه اعمالش بر اساس ارتداد خواهد بود.

۲۰ و در پایان آن، عادل برگزیده از نهال ابدی عدالت انتخاب خواهد شد تا آموزش هفت گانه را در مورد تمام خلقت او دریافت کند.

۲۱ زیرا از میان همه فرزندان انسان کیست که بتواند صدای قدوس را بشنود بدون آنکه مضطرب نشود؟

۲۲ و چه کسی می‌تواند افکار او را درک کند؟

۲۳ و کیست که بتواند به تمامی عملکرد امور آسمان آگاه باشد؟

۲۴ چه کسی وجود دارد که چیزهای آسمانی را درک کند و جان یا روحی را ببیند و بتواند از آن خبر دهد، یا صعود کند و تمام پایان و نهایت آنها را ببیند و آنها را بفهمد یا مانند آنها عمل کند؟

۲۵ آیا کسی هست که بداند وسعت و طول زمین چقدر است و یا تمام اندازه‌های آن به چه کسی نشان داده شده است؟

۲۶ یا کسی هست که بتواند طول آسمان و ارتفاع آن را تشخیص دهد و یا اینکه بر چه چیزی بنا شده است و تعداد ستارگان چقدر است و یا نور همه آنها در کجا قرار دارد؟

۲۷ و اکنون به شما می‌گویم، پسران من، عدالت را دوست داشته باشید و در راه آن قدم بردارید. زیرا راه‌های عدالت شایسته پذیرش است، اما راه‌های گناه و ناراستی به سرعت ویران و ناپدید خواهند شد.

۲۸ و برای برخی از مردم نسل آینده، راه‌های ظلم و مرگ آشکار خواهد شد، و آنها خود را از آن دور کرده و از آن پیروی نخواهند کرد.

۲۹ و اکنون به شما ای عادلان صالح می‌گویم: در مسیرهای شرارت یا ظلم و در مسیرهای مرگ قدم بر ندرید و به آنها نزدیک نشوید، مبادا هلاک شوید.

۳۰ اما برای خود به دنبال یک زندگی عادلانه باشید و مانند برگزیدگان زندگی کرده و در راه‌های صلح و آرامی قدم بردارید تا حیات داشته باشید و رستگار شوید.

۳۱ و سخنان مرا در افکار دل خود محکم نگه دارید و اجازه ندهید که آنها از قلب شما محو شوند. زیرا می‌دانم که گناهکاران انسان را وسوسه خواهند کرد تا به حکمت

شیطانی متوسل شوند تا جایی برای حکمت الهی یافت نشود و هر گونه وسوسه‌ای از بین نرود.

۳۲ وای بر کسانی که بی عدالتی و ظلم را می‌سازند و فریب را به عنوان شالوده و اساس کارهای خود قرار می‌دهند. زیرا آنها ناگهان سرنگون خواهند شد و آرامش نخواهند داشت.

۳۳ وای بر کسانی که خانه‌های خود را بر گناه بنا می‌کنند. زیرا از همه پایه‌هایشان سرنگون خواهند شد و با شمشیر خواهند افتاد.

۳۴ و کسانی که بر اساس داوری نادرست، طلا و نقره به دست می‌آورند ناگهان هلاک خواهند شد.

۳۵ وای بر شما ثروتمندان، زیرا به ثروت خود اعتماد و تکیه کرده‌اید پس از ثروت خود دور خواهید شد، زیرا در ایام ثروتمندی خود، خدای متعال را یاد نکرده‌اید.

۳۶ شما مرتکب کفر و بی عدالتی شده‌اید از اینرو خود را برای روز قتل عام و روز تاریکی و روز جزا و داوری بزرگ آماده کرده‌اید.

۳۷ به این ترتیب من صحبت می‌کنم و به شما اعلام می‌کنم: کسی که شما را آفریده است شما را سرنگون خواهد کرد و برای سرنگون کردن شما هیچ گونه ترحمی وجود نخواهد داشت و خالق شما از نابودی شما خوشحال خواهد شد.

۳۸ و عدالت و پرهیزگاری شما در آن روزها مایه سرزنش گناهکاران و منکران خدا خواهد بود.

۳۹ ای کاش چشمانم مانند ابری پر از آب بود تا بر تو گریه کنم و اشکهایم را چون بارانی از ابر از آب فرو بریزم تا شاید اندوه دل من کمی آرام بگیرد.

۴۰ چه کسی به شما اجازه داده است که سرزنش و شرارت کنید؟

۴۱ و ای گناهکاران به این ترتیب داوری خداوند شما را فرا خواهد گرفت.

۴۲ ای صالحان از گناهکاران نترسید. زیرا خداوند دوباره آنها را به دست شما تسلیم خواهد کرد تا بر اساس میل خود بر آنها داوری کنید.

۴۳ وای بر شما که با هیاهو یا زیر لب کفر می‌گویید زیرا که غیر قابل بازگشت و توبه است بنابراین شفا و سلامتی به دلیل گناهانتان از شما فاصله گرفته و بر شما جاری

نخواهد شد.

۴۴ وای بر شما که به همسایه خود بدی می‌کنید. زیرا مطابق اعمال خود مجازات خواهید شد.

۴۵ وای بر شما ای شاهدان دروغگو و بر آنانی که ظلم را سنگین می‌سازند، زیرا ناگهان و به سرعت هلاک خواهید شد.

۴۶ وای بر شما ای گناهکاران که به عادلان جفا رسانده و آنها را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهید. زیرا به سبب ظلمی که می‌کنید خود شما تسلیم و آزار خواهید دید و یوغ آن بر شما سنگین خواهد بود.

۴۷ ای صالحان امیدوار باشید. زیرا گناهکاران به زودی در حضور شما هلاک خواهند شد و شما مطابق میل خود بر آنها مسلط خواهید شد.

۴۸ زیرا در روز مصیبت گناهکاران، فرزندان شما مانند عقاب بر می‌خیزند و لانه شما از لانه کرکس‌ها بالاتر خواهد بود. و شما در مقابل ستمکاران، صعود خواهید کرد و چون ماهی به شکاف‌های زمین و شکاف‌های صخره وارد خواهید شد. اما آنها در مقابل، آه می‌کشند و می‌گیرند.

۴۹ پس ای کسانی که رنج کشیده‌اید نترسید، زیرا شفا خواهید یافت و نوری درخشان بر شما خواهد درخشید و صدای آرامش را از آسمان خواهید شنید.

۵۰ وای بر شما ای گناهکاران، زیرا دارایی‌هایتان شما را مانند افراد صالح و نیکوکار جلوه می‌دهد، اما دل‌هایتان شما را به گناهکار بودن محکوم می‌کند، و این حقیقت، شهادتی بر ضد شما خواهد بود و یادگاری از اعمال بد شما.

۵۱ وای بر شما که بهترین گندم را می‌خورید و در کاسه‌های بزرگ آب و شراب می‌نوشید و با قدرت خود، فروتنان را زیر پا می‌گذارید.

۵۲ وای بر شما که از هر چشمه‌ای آب می‌نوشید. زیرا به زودی پاداش خود را می‌گیرید و ناگهان نابود و پژمرده خواهید شد زیرا چشمه حیات را ترک کرده‌اید.

۵۳ وای بر شما که مرتکب ظلم و حيله و کفر می‌شوید. این برای شما همواره یادآور شرارت است.

۵۴ وای بر شما ای قدرتمندان که با قدرت خود بر صالحان ستم می‌کنید. زیرا به زودی روز هلاکت شما فرا می‌رسد.



۵۵ در آن روزها، که روز داوری تو خواهد آمد؛ روزهای بسیارخوبی برای عادلان در پیش خواهد بود.»



### حکمت خنوخ

۱ ای عادلان، ایمان داشته باشید که گناهکاران در روز داوری، دچار شرمساری شده و هلاک می‌شوند.

۲ ای گناهکاران بدانید که خداوند متعال از هلاکت شما آگاه است و فرشتگان آسمان از هلاکت شما شادی می‌کنند.

۳ ای گناهکاران چه خواهید کرد و در روز قیامت با شنیدن صدای دعای صالحان به کجا خواهید گریخت؟

۴ آری، شما مانند کسانی خواهید بود که این کلام شهادتی بر علیه آنها خواهد بود: «شما همدم گناهکاران بوده‌اید.»

۵ و در آن روزها دعای عادلان به حضور خداوند خواهد رسید و روزهای داوری شما برای شما فرا خواهد رسید.

۶ و تمامی سخنان گناه آلود و ناراستی شما در حضور قدوس اعظم خوانده خواهد شد و چهره‌های شما از شرم پوشیده خواهد شد و او هر کاری را که بر اساس ناراستی و گناه باشد رد خواهد کرد.

۷ وای بر شما گناهکارانی که در وسط دریا یا در خشکی زندگی می‌کنید که بدی‌های شما در حافظه آنها ثبت خواهد شد.

۸ وای بر شما که نقره و طلا را به ناحق به دست می‌آورید و می‌گویید: «ما با ثروت و دارایی ثروتمند شده‌ایم و هر چه خواسته‌ایم به دست آورده‌ایم. و اکنون آنچه را که قصد داشتیم می‌خواهیم انجام دهیم: زیرا ما نقره جمع آوری کرده‌ایم و در خانه‌های ما کشاورزان بسیاری هستند. و انبارهای غله ما مثل انبار آب، کاملاً پر است.»

۹ آری و دروغهای شما مانند آب جاری خواهد شد زیرا ثروتهای شما باقی نخواهد ماند بلکه به سرعت از شما جدا خواهد شد. زیرا همه آن را به ناحق به دست آورده‌اید و به

لعنت بزرگی تسلیم خواهید شد.

۱۰ و اکنون در مقابل شما، ای خردمندان و نادانان سوگند یاد می‌کنم، زیرا تجربیات زیاد و چیزهای متعددی را بر روی زمین خواهید دید.

۱۱ زیرا مردان شما زینت‌های بیشتری از زن و جامه‌های رنگین‌تری از باکره خواهند پوشید. آنها در سلطنت و در عظمت و در قدرت و در نقره و در طلا و لباس ارغوانی و در شکوه و غذا، مانند آب بر زمین ریخته خواهند شد.

۱۲ از این رو از نظر تعلیم و حکمت فقیر خواهند شد و همراه با اموال خود از بین خواهند رفت.

۱۳ و آنها با تمام جلال و شکوه خود، در شرمساری و در فقر شدید و کشتار، روح آنها در کوره آتش افکنده خواهد شد.

۱۴ ای گناهکاران، برای شما قسم خورده‌ام، چنانکه کوه برده نمی‌شود و تپه کنیز زنی نمی‌شود.

۱۵ گناه نیز بر روی زمین نازل نشده است، بلکه انسان آن را از خود آفریده است، و کسانی که آن را مرتکب می‌شوند، تحت لعنت بزرگی قرار خواهند گرفت.

۱۶ و نازائی به زن داده نشده است، اما به دلیل اعمال دست خود اوست که بدون فرزند می‌میرد.

۱۷ ای گناهکاران به خدای قدوس و بزرگ برای شما سوگند یاد می‌کنم که تمام اعمال بد شما در آسمان آشکار می‌شود و هیچ یک از ظلم‌ها و گناهان شما پوشیده و پنهان نیست.

۱۸ و در روح و ضمیر خود فکر نکنید و در دل خود نگوئید که نمی‌دانید و یا نمی‌بینید که هر گناهی هر روز در آسمان در حضور قادر متعال ثبت می‌شود.

۱۹ از این پس می‌دانید که تمامی ظلم و اعمال نادرست شما، هر روز تا روز داوری شما نوشته می‌شود.

۲۰ وای بر شما احمقان، زیرا از حماقت خود هلاک خواهید شد. به سخنان خردمندان گوش نمی‌دهید، و هیچ خیریتی نصیب شما نخواهد شد.

۲۱ و اکنون، بدانید که برای روز نابودی آماده شده‌اید. بنابراین، ای گناهکاران امیدی

به زندگی نداشته باشید، بلکه خواهید رفت و خواهید مرد. زیرا برای شما هیچ فدیهای نیست. شما برای روز قیامت و برای روز مصیبت و روز شرمساری بزرگ برای روحهای خود آماده‌اید.

۲۲ وای بر شما که با سماجت در دل خود شرارت می‌کنید و خون مردم را می‌خورید. از کجا می‌توانید چیزهای خوب برای خوردن و نوشیدن و سیر شدن داشته باشید؟ از همه چیزهای نیکویی که خداوند متعال در زمین به وفور قرار داده است. بنابراین آرامش نخواهید داشت.

۲۳ وای بر شما که اعمال ناشایست را دوست دارید. چرا امیدوارید که چیزهای خوب برای شما رخ دهد؟ بدانید که به دست صالحان تسلیم خواهید شد و گلوی شما را خواهند برید و شما را خواهند کشت و به شما رحم نخواهند کرد.

۲۴ وای بر شما که در مصیبت صالحان شادی می‌کنید. زیرا هیچ گوری برای شما حفر نخواهد شد.

۲۵ وای بر شما که سخنان صالحان را نادیده می‌گیرید. زیرا امیدی به زندگی نخواهید داشت.

۲۶ وای بر شما که سخنان دروغ و الفاظ منکران خداوند را می‌نویسید. زیرا آنها دروغ‌های خود را می‌نویسند تا مردم آنها را بشنوند و به حماقت خود ادامه داده و نسبت به همسایگان خود همانند منکران خدا رفتار کنند.

۲۷ بنابراین آنها آرامشی نخواهند داشت مگر اینکه به مرگ ناگهانی خواهند مُرد.

۲۸ وای بر شما که همانند منکران خداوند کارهای ناشایست انجام می‌دهید و سخنان دروغ را ستایش کرده و آنها را تمجید می‌کنید، شما هلاک خواهید شد و زندگی خوب و خوشی نصیب شما نخواهد شد.

۲۹ وای بر شما که سخنان حق را تغییر می‌دهید و شریعت ابدی را تحریف می‌کنید و خود را بی گناه می‌شمارید. زیر پا و روی زمین لگدمال خواهید شد.

۳۰ در آن ایام، ای صالحان، آماده باشید که دعای خود را یاد آوری کنید و آن را در مقابل فرشتگان شهادت دهید تا گناه گناهکاران را در پیشگاه حق تعالی به یاد آورند.

۳۱ در آن روزها امت‌ها برانگیخته خواهند شد و خانواده امت‌ها در روز هلاکت بر می‌خیزند.

۳۲ و در آن روزها تهیدستان بیرون خواهند رفت و فرزندان خود را نیز با خود خواهند برد و آنها را رها خواهند کرد، به طوری که فرزندانشان از طریق آنها هلاک خواهند شد: آری، آنها فرزندان شیرخوار خود را رها خواهند کرد و دیگر به سوی آنها باز نخواهند گشت و بر عزیزان خود ترحم نخواهند کرد.

۳۳ و باز هم برای شما گناهکاران قسم می‌خورم که گناه برای روز خونریزی بی وقفه و پایان ناپذیر آماده شده است.

۳۴ و کسانی که سنگ‌ها و مجسمه‌های از طلا و نقره و چوب و گل را می‌پرستند و ارواح ناپاک و شیاطین و انواع بت‌ها را می‌پرستند که بر اساس دانش نیستند؛ هیچ کمکی از طرف آنها به ایشان نخواهد شد.

۳۵ و به دلیل حماقت دل‌هایشان منکران خداوند خواهند شد و چشمانشان از ترس دل‌هایشان و از ترس خوابهایی که در رویاهایشان دیده‌اند کور خواهد شد.

۳۶ از این طریق، آنها منکر خدا و ترسان خواهند شد. زیرا تمام اعمال خود را با دروغ انجام می‌دهند و سنگ را پرستش می‌کنند، بنابراین در یک لحظه هلاک خواهند شد.

۳۷ اما در آن ایام خوشا به حال همه کسانی که سخنان حکمت را می‌پذیرند و آنها را می‌فهمند و راه‌های حق تعالی را می‌بینند و در راه عدالت او گام می‌نهند و با ستمکاران همراه نمی‌شوند. زیرا آنها نجات خواهند یافت.

۳۸ وای بر شما که به همسایگان خود بدی می‌کنید. زیرا در دوزخ هلاک خواهید شد.

۳۹ وای بر شما که تدبیرهای فریبکارانه و باطل می‌کنید و در زمین تلخی می‌آفرینید. زیرا آنها بدین وسیله کاملاً نابود خواهند شد.

۴۰ وای بر شما که خانه‌های خود را با زحمت دیگران می‌سازید و تمام مصالح ساختمانی آنها از آجر و سنگ و غیره از گناه است. من به شما می‌گویم که آرامش نخواهید داشت.

۴۱ وای بر کسانی که پیمان‌ها و میراث جاویدان پدران خود را تکذیب کردند و جانشان از بت‌ها پیروی کرد. زیرا آنها هرگز روی آرامش را نخواهند دید.

۴۲ وای بر کسانی که ظلم کرده و به ستمکاران کمک می‌کنند و همسایگان خود را می‌کشند تا روز داوری بزرگ فرا برسد.

۴۳ زیرا خداوند جلال شما را فرو خواهد ریخت و بر دل‌های شما مصیبت خواهد آورد

و خشم شدید خود را برانگیخته و همه شما را با شمشیر هلاک خواهد کرد. و تمام مقدسان و صالحان گناهان شما را به یاد خواهند آورد.

۴۴ و در آن روزها و در یک مکان، پدران و پسران ایشان با هم ذلیل و خُرد خواهند شد و برادران نیز با یکدیگر کشته خواهند شد تا نهرها از خون آنها جاری شود.

۴۵ زیرا هیچ انسانی دست خود را از گُشتن پسران و فرزندان پسران خود دریغ نخواهد کرد و گناهکار دست خود را از برادر بزرگوار خود دریغ نخواهد کرد و از طلوع فجر تا غروب آفتاب یکدیگر را خواهند کشت.

۴۶ و اسب تا سینه در خون گناهکاران راه خواهد رفت و ارابه تا بلندی خود در آن غوطه ور خواهد شد.

۴۷ در آن ایام فرشتگان به مکانهای پنهان و مخفی فرود می‌آیند و همه کسانی را که سبب گناه شده‌اند در یک مکان جمع می‌کنند و خداوند متعال در آن روز قیامت بر می‌خیزد تا داوری بزرگ را در میان گناهکاران به انجام برساند.

۴۸ و بر تمام صالحان و مقدّسین، از میان فرشتگان مقدّس، نگهبانانی قرار خواهد داد تا از آنها همچون چشم محافظت کنند تا تمام بدی‌ها و گناهان به پایان برسد، و حتی اگر عادلان به خوابی طولانی فرو بروند، از هیچ چیز ترسی نخواهند داشت.

۴۹ و فرزندان زمین حکیمان و خردمندان را در امنیت خواهند دید، و آنگاه تمام کلمات این کتاب را درک خواهند کرد، و خواهند دانست که ثروت آنها نمی‌تواند آنها را نجات داده یا گناه آنها را از بین ببرد.

۵۰ وای بر شما ای گناهکاران، ای کسانی که عادلان را آزار می‌دهید و آنها را به آتش می‌سوزانید. در روز اندوه شدید، مطابق اعمال خود مجازات خواهید شد.

۵۱ وای بر شما ای کج دلان منحرف، که بیدار هستید تا شرارت را ببیندیشید. پس ترس بر شما خواهد آمد و هیچ کسی نیست که به شما کمک کرده و یا شما را یاری کند.

۵۲ وای بر شما ای گناهکاران، از سخنان دهان خود و از اعمال دستهایتان که ستم و کارهای شیرانه شما را انجام داده است، در شعله‌های فروزان آتش که بدتر از آتش می‌سوزد خواهید سوخت.

۵۳ و اکنون بدانید که فرشتگان در آسمان در ارتباط با اعمال دستان و گناهان شما، از خورشید و ماه و ستارگان تحقیق خواهند کرد، زیرا شما بر روی زمین بر صالحان

داوری می‌کنید.

۵۴ و هر ابر و مه و شب‌نم و بارانی بر ضد تو شهادت خواهند داد. زیرا همه آنها به خاطر تو از فرود آمدن بر تو منع خواهند شد و مراقب گناهان تو خواهند بود.

۵۵ و اکنون به باران هدایایی بدهید تا از فرود آمدن بر شما دریغ نشود، اما شب‌نم و باران، از شما طلا و نقره دریافت نخواهد کرد تا فرود آیند.

۵۶ هنگامی که یخبندان و برف با سرمای خود و تمامی کولاکها و طوفان برف با همه بلاهایشان بر شما فرود آیند، در آن روزها نخواهید توانست در برابر آنها بایستید.



## حکمت خنوخ

۱ ای فرزندان آسمان، آسمان را مشاهده کنید و هر کار خداوند متعال را در آن ببینید و از او بترسید و در حضور او بدی نکنید.

۲ اگر او دریچه‌های آسمان را ببندد و باران و شب‌نم را به خاطر شما بر زمین نازل نکند، پس چه خواهید کرد؟

۳ و اگر به خاطر اعمال شما، خشم و غضب خود را بر شما نازل کند، آنگاه نمی‌توانید از او درخواست کمک کنید. زیرا شما سخنان متکبرانه و گستاخانه بر ضد عدالت او گفتید، پس صلح و آرامشی نخواهید داشت.

۴ و آیا شما ملوانان کشتی‌ها را نمی‌بینید که چگونه کشتی‌هایشان توسط امواج به این طرف و آن طرف پرتاب می‌شوند و توسط بادهای تکان می‌خورند، و در مصیبت و مضیقه شدید قرار می‌گیرند؟

۵ و از این رو آنها می‌ترسند زیرا تمام دارایی‌های قیمتی ایشان با آنها به دریا فرو می‌رود و در دل خود به هیچ چیز خوبی نمی‌اندیشند، جز اینکه دریا آنها را فرو می‌برد و در آن هلاک می‌شوند.

۶ آیا تمام دریا و تمام آبهای آن و همه حرکاتش کار خداوند متعال نیست و آیا او برای اعمال دریا حدی قرار نداده و تمام اطراف آن را با شن و ماسه محصور نکرده است؟

۷ دریا از سرزنش او می‌ترسد و خشک می‌شود و همه ماهیان و هر چه در آن است می‌میرند. اما شما گناهکارانی که روی زمین هستید از او نمی‌ترسید.

۸ آیا آسمان و زمین و آنچه در آن است را او نیافریده است؟

۹ چه کسی به هر آنچه در زمین و دریا حرکت می‌کنند، عقل و حکمت بخشیده است؟

۱۰ آیا ملوانان کشتی از دریا نمی‌ترسند؟ با این حال گناهکاران از خداوند متعال نمی‌ترسند.

۱۱ در آن روزهایی که آتشی سهمگین بر شما نازل کند، به کجا خواهید گریخت و در کجا در امان خواهید بود؟

۱۲ و آیا هنگامی که کلام خود را بر ضد شما نازل کند، هراسناک نمی‌شوید و نمی‌ترسید؟ و همه اجرام نورانی و آسمانی از ترس زیاد بر خود خواهند لرزید و تمام زمین وحشت زده و بیمناک خواهند شد.

۱۳ و همه فرشتگان فرمان و دستورات مربوط به خود را اجرا خواهند کرد و می‌خواهند که خود را از حضور پُر جلال خداوند اعظم پنهان کنند، و فرزندان زمین در ترس و وحشت، خواهند لرزید. و شما گناهکاران تا ابد زیر لعنت خواهید رفت و آرامش نخواهید داشت.

۱۴ ای جانهای صالحان نترسید و امیدوار باشید؛ ای کسانی که جان خود را در راه عدالت از دست دادید.

۱۵ و اندوهگین مباش اگر جانت با اندوه به دوزخ فرود آمده است و و بدن شما در طول زندگی پاداشی مطابق با خوبی شما نگرفته است. بلکه منتظر روز داوری گناهکاران و روز لعنت و عذاب باشید.

۱۶ و با این حال، هنگامی که صالحان بمیرید، گناهکاران بر شما می‌گویند: «همانطور که ما می‌میریم، صالحان نیز می‌میرند، و آنها از اعمال خود چه سودی می‌برند؟» «ببینید، آنها نیز مانند ما در غم و اندوه و تاریکی می‌میرند، و چه امتیازی بر ما دارند؟ از این به بعد با ما برابر هستند. از این به بعد ما با هم برابریم. و چه چیزی دریافت خواهند کرد و چه چیزی را برای همیشه خواهند دید؟ زیرا اینک آنها نیز مُرده‌اند، و از این پس تا ابد هیچ نوری را نخواهند دید.»

۱۷ به شما می‌گویم: «ای گناهکاران، که به خوردن و نوشیدن، و غارت و گناه، و برهنه

کردن مردم، و به دست آوردن ثروت و دیدن روزهای خوب، راضی هستید. اما شما نیکوکاران را خواهید دید که عاقبتشان به سلامتی خواهد بود، زیرا تا روز مرگشان هیچ ظلمی در آنها یافت نشد.

۱۸ اما گناهکاران هلاک شدند و چنان شدند که گویی نبوده‌اند و جان‌هایشان در تنگنا به دوزخ فرود خواهد آمد.



### حکمت خنوخ

۱ خنوخ برای پسرش متوشالاح و برای کسانی که پس از او خواهند آمد و شریعت را در روزهای آخر نگاه خواهند داشت، کتاب دیگری نوشت.

۲ شما که نیکی کرده‌اید منتظر آن روزها باشید تا پایان کسانی که بدی می‌کنند فرا برسد. و قدرت ستمکاران و تجاوزکاران به انتها برسد.

۳ و به راستی منتظر باشید تا گناه از بین برود، زیرا نامهای آنها از کتاب حیات و از کتاب مقدس محو خواهد شد، و نسل آنها برای همیشه از روی زمین نابود خواهد شد، و روح آنها از بین خواهد رفت، و آنها در یک مکان بیابانی و پُر از هرج و مرج، فریاد و ناله کرده و مرثیه خواهند خواند و در آتش خواهند سوخت، زیرا دیگر در آنجا زمینی وجود ندارد.

۴ و در آنجا چیزی شبیه ابر دیدم که کاملاً قابل تشخیص نبود، زیرا به دلیل عمق آن نمی‌توانستم به آن سوی آن نگاه کنم. و شعله‌ای از آتش را دیدم که به شدت شعله‌ور بود و می‌سوخت، و چیزهایی مانند کوه‌های درخشان که می‌چرخید و به این سو و آن سو تاب می‌خورد.

۵ از یکی از فرشتگان مقدس که با من بود پرسیدم و به او گفتم: «این چگونه مکان درخشانی است؟ زیرا آسمانی نیست، جز شعله‌های آتش سوزان، و صدای گریه و زاری و ناله و درد شدید.»

۶ و او به من گفت: «این چیزی را که تو در اینجا می‌بینی، مکانی است که روح گناهکاران و کفر گویان و بدکاران و کسانی که شرارت می‌کنند به اینجا پرتاب خواهد شد. و همچنین کسانی که هر آنچه را که خداوند در مورد کارهایی که باید انجام شود



به زبان انبیا گفته است تغییر داده و منحرف می‌کنند.

۷ زیرا کتابها و سوابقی درباره آنها در آسمان بالا نوشته شده و وجود دارد تا فرشتگان آنها را بخوانند و بدانند که بر گناهکاران و بر روح فروتنان و کسانی که بدنهای خود را آزار می‌دهند چه نازل خواهد شد و خدا آنها را چگونه جزا و پاداش می‌دهد

۸ و کسانی که مورد آزار و اذیت انسان‌های بد قرار می‌گیرند؛ کسانی که خدا را دوست دارند و به دنبال نه طلا و نه نقره و نه چیزهای خوب دنیا هستند، بلکه نفس خود را کنترل می‌کنند و بدین سبب دچار رنج می‌شوند.

۹ کسانی که از لحظه‌ای که بدنیا آمده‌اند، مشتاق غذای زمینی نبودند، بلکه همه چیز را نفس و دمی گذرا می‌پنداشتند و بر این اساس زندگی می‌کردند، و خداوند آنها را بسیار آزموده و روحشان پاک شده است تا نام خداوند را متبارک خوانده و تمجید کنند.

۱۰ و همه برکاتی را که برای آنها در نظر گرفته شده در کتابها بازگو کرده‌ام.

۱۱ و خداوند پاداش ایشان را برای آنها معین کرده است، زیرا آنها آسمان را بیشتر از زندگی خود در دنیا دوست داشتند، و با اینکه مردان شریر آنها را زیر پای خود گذاشتند و ناچار به شنیدن دشنام و سرزنش و بد رفتاری آنان شدند و مورد آزار و اذیت قرار گرفتند. اما باز هم خداوند را متبارک خواندند.

۱۲ و خداوند گفت: «و اکنون من روح نیکوکاران را که از نسل نور هستند فرا می‌خوانم و کسانی را که در تاریکی متولد شده‌اند، دگرگون خواهم کرد؛ زیرا در دوران حیات خود بر اساس ایمان خود از احترامی که شایسته آن بودند برخوردار نشدند.

۱۳ و کسانی را که نام مقدس من را دوست داشته‌اند در نور درخشان بیرون خواهم آورد و هر یک را بر تخت جلال خود خواهم نشاند.

۱۴ و آنها برای زمانهای بی شمار خواهند درخشید، زیرا داوری خداوند عادلانه است. زیرا او نسبت به ایمانداران، در راههای درست، وفاداری نشان خواهد داد.

۱۵ و آنانی که در تاریکی متولد شده‌اند خواهند دید که در تاریکی افکنده می‌شوند در حالی که صالحان درخشنده خواهند بود.

۱۶ و گناهکاران با صدای بلند فریاد خواهند زد و آنها را درخشنده خواهند دید، اما خود آنها در واقع به جایی خواهند رفت که روزها و فصلهای آن برای آنها مقرر شده است.»



## مکاشفه خنوخ

۱ برای شما سوگند یاد می‌کنم که در آسمان فرشتگان شما را در حضور آن جلال اعظم به نیکی یاد می‌کنند، و نام‌های شما در برابر آن جلال اعظم نوشته شده است.

۲ امیدوار باشید! زیرا قبلاً از بدی‌ها و بلاها شرمنده می‌شدید، اما اکنون مانند نورهای آسمانی می‌درخشید و دیده خواهید شد و دروازه‌های آسمان به روی شما گشوده خواهد شد.

۳ و در فریاد خود، برای داوری فریاد بزنید تا برای شما ظاهر شود. زیرا تمام مصیبت‌های شما بر سر حاکمان و همه کسانی خواهد آمد که غارتگران شما را یاری کردند.

۴ امیدوار باشید و امید خود را از دست ندهید زیرا مانند فرشتگان آسمان شادی و مسرت فراوان خواهید داشت.

۵ چه کاری باید انجام دهید؟

۶ شما مجبور نخواهید بود در روز داوری بزرگ پنهان شوید زیرا هیچ گناهی در شما دیده نشده است، و داوری ابدی برای تمام نسل‌های جهان از شما دور خواهد بود.

۷ و اکنون، ای عادلان، نترسید، وقتی می‌بینید که گناهکاران در راه‌های خود نیرومند و سعادت‌مند می‌شوند، با آنها همنشین نباشید، بلکه از ظلم آنها دوری کنید. زیرا شما همراهان لشکرهای آسمان خواهید شد.

۸ و اگر چه گناهکاران می‌گویند: «همه گناهان ما بررسی و مکتوب نخواهد شد»، با این حال همه گناهان شما را هر روز خواهند نوشت.

۹ و اکنون به شما نشان می‌دهم که روشنایی و تاریکی، روز و شب، تمام گناهان شما را می‌بینند.

۱۰ در دل خود بی‌تقوا نباشید و دروغ نگویند و سخنان راست و حق را تغییر ندهید و سخنان آن قدوس اعظم را به دروغ و به بطالت نبرید و بت‌های خود را ستایش نکنید. زیرا تمام دروغ‌های شما و تمام بی‌تقوایی شما منجر به عدالت نمی‌شود، بلکه به گناه بزرگی منجر می‌شود.

۱۱ و اکنون این راز را می‌دانم که گناهکاران کلام عدالت را به طرق مختلف تغییر داده

و منحرف خواهند کرد، و سخنان شیربانه خواهند گفت، و دروغ خواهند گفت، و حیل‌های بزرگ بکار خواهند برد و دروغ‌های بزرگ می‌سازند، و در مورد سخنان خود کتاب‌هایی خواهند نوشت.

۱۲ اما هنگامی که سخنان مرا دقیقاً به زبان خود بنویسند و چیزی را از کلمات من تغییر ندهند و از قلم نیندازند، بلکه آنچه را که از ابتدا درباره آن شهادت داده‌ام صادقانه و دقیقاً بنویسند.

۱۳ پس راز دیگری را می‌دانم که کتاب‌هایی به صالحان و خردمندان داده خواهد شد که مایه شادی و راستی و حکمت بسیار خواهد بود.

۱۴ و کتاب‌هایی به آنها داده می‌شود و به آنها ایمان می‌آورند و بر آنها شادی می‌کنند و آنگاه همه عادلانی که از آنها همه راه‌های راستی را آموخته‌اند خوشحال شده و پاداش خواهند یافت.

۱۵ در آن روزها خداوند دستور داد تا فرزندان زمین را که دارای حکمت هستند فرا خوانده و به آنها بگویند: «حکمت را به صالحان نشان دهید؛ زیرا شما راهنمایان و پاداش آنها در سراسر زمین هستید.

۱۶ من و پسر من برای همیشه به مسیرهای راستین و درست زندگی آنها پیوسته و با آنها متحد خواهیم بود. از اینرو آرامی خواهیم داشت؛ پس ای فرزندان درستکار، شاد باشید.

آمین.»